سيرى در جهان تشیع

**كشف اسرار پنهان حوزه**‌**هاي علميه**

ترجمه‌ی كتاب (سياحة في عالم التشيع)

**تأليف**

**دكتر طه الدليمي**

**ترجمه**

**اسحاق دبیری (رحمه الله)**

**این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.**

**www.aqeedeh.com**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **آدرس ايميل:** |  | book@aqeedeh.com | | |
| |  |  |  | | --- | --- | --- | | **تيراژ: سال چاپ: نوبت چاپ:** |  | **10.000**  **1387هـ. ش برابر با ذوالحجه 1429هـ. ق**  **اول** | |  | |  |   **سايت‌هاى مفيد** | | | | |
| www.nourtv.net  www.sadaislam.com  www.islamhouse.com  www.bidary.net  www.tabesh.net  www.farsi.sunnionline.us  www.sunni-news.net www.mohtadeen.com  www.ijtehadat.com  www.islam411.com | | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  www.ahlesonnat.com  www.isl.org.uk  www.islamtape.com  www.blestfamily.com  www.islamworldnews.com  www.islamage.com  www.islamwebpedia.com  www.islampp.com  www.videofarda.com |

فهرست

[فهرست 1](#_Toc267859982)

[چرا اين‌ كتاب‌ را نوشتم‌؟ 7](#_Toc267859983)

[حقيقت تلخ 9](#_Toc267859984)

[آرامگاهها و مراجع‌ 9](#_Toc267859985)

[راه‌ حل‌ چيست‌؟ 10](#_Toc267859986)

[**باب‌ اول:‌ روش‌ اهل‌ بيت‌... تئوري‌ و تطبيق‌ 13**](#_Toc267859987)

[**فصل‌ اول‌: پيامبر (**ص **‌) و ائمه‌ (**‡**‌) سيره‌ عطرآگين‌ حضرت‌ رسول‌ (**ص **‌) محمد (**ص**) سرور زاهدان‌ 14**](#_Toc267859991)

[گامي‌ در مسير پدر و پيشواي‌شان ص 16](#_Toc267859992)

[امام‌ علي‌ 16](#_Toc267859993)

[بزرگترين‌ مصيبت‌ ما 17](#_Toc267859994)

[گفته‌هايي‌ كه‌ كردارها آن‌ را تثبيت‌ مي‌نمايد 18](#_Toc267859995)

[امام‌ علي‌ بيت‌ المال‌ را جارو مي‌زدند! 20](#_Toc267859996)

[توحيد خالص‌ 20](#_Toc267859997)

[ما كجا و اين‌ كجا؟ 21](#_Toc267859998)

[مي‌بخشند و... نمي‌گيرند 21](#_Toc267859999)

[آنان‌ از دسترنج‌ خودشان‌ مي‌خوردند 22](#_Toc267860000)

[**فصل‌ دوم‌ نظام‌ زندگي‌ در اسلام‌ 24**](#_Toc267860001)

[اسلام‌ نظامي‌ فراگير و متوازن‌ است‌ 24](#_Toc267860002)

[نظامي‌ كه‌ تدين‌ وارداتي‌ بر اساس‌ آن‌ استوار است 28](#_Toc267860003)

[**باب‌ دوم: ‌روش‌ غير واقعي‌ و عوضي‌... وضعيت‌ فاسد 30**](#_Toc267860004)

[**فصل‌ اول:‌ توحيد از ايمان‌ تا اعتياد 31**](#_Toc267860005)

[در خدمت‌ مال‌ اندوزي‌ 36](#_Toc267860006)

[برابر قرار دادن‌ خداوند با پيامبر ص و ائمه‌ ﻹ! 36](#_Toc267860007)

[نگهبان‌ كيست‌؟ 38](#_Toc267860008)

[نامهاي‌ ما يعني‌ پرستش‌ غيرالله 39](#_Toc267860009)

[حور و نذرها 40](#_Toc267860010)

[در مزار ائمه‌ چه‌ اتفاق مي‌افتد 42](#_Toc267860011)

[منابع‌ ديني‌ چه‌ مي‌گويند؟ 46](#_Toc267860012)

[در مورد اين‌ مسائل‌ فكر كن‌ 47](#_Toc267860013)

[تناقضي‌ عجيب‌ 48](#_Toc267860014)

[به‌ چه‌ نياز داريم‌ 49](#_Toc267860015)

[خطاب به‌ نسل‌هاي‌ جديد 49](#_Toc267860016)

[روش‌ حذف‌ مخالف‌ 50](#_Toc267860017)

[**فصل‌ دوم:‌ نماز ستون‌ دين‌ 57**](#_Toc267860018)

[اوقات‌ نماز 57](#_Toc267860019)

[وضوء 58](#_Toc267860020)

[نماز جمعه‌ 58](#_Toc267860021)

[نماز جماعت‌ 59](#_Toc267860022)

[نماز عيد 59](#_Toc267860023)

[قيام‌ رمضان‌ 60](#_Toc267860024)

[نوافل‌ 60](#_Toc267860025)

[قرائت‌ 60](#_Toc267860026)

[نماز مرده‌ 61](#_Toc267860027)

[پول‌ دادن‌ عوض‌ نماز 61](#_Toc267860028)

[حسينيه‌ها 61](#_Toc267860029)

[مساجد 62](#_Toc267860030)

[ذكر و خواندن‌ قرآن‌ 63](#_Toc267860031)

[درس‌هاي‌ موعظه‌ و سخنراني‌ 66](#_Toc267860032)

[**فصل‌ سوم:‌ روزه‌ی ماه‌ رمضان‌ و حج‌ كعبه‌ 68**](#_Toc267860033)

[روزه‌ی‌ رمضان‌ 68](#_Toc267860034)

[عذرهاي‌ شرم‌ آور 69](#_Toc267860035)

[بهره‌ جنسي‌ 70](#_Toc267860036)

[زنان‌ و مردان‌ ملا 71](#_Toc267860037)

[آيا مذهب‌ اهل‌ بيت‌ همين‌ بوده‌ است‌؟! 71](#_Toc267860038)

[حج‌ كعبه‌ 72](#_Toc267860039)

[منابع‌ مصيبت‌ 75](#_Toc267860040)

[**فصل‌ چهارم‌: زكات‌ و خمس‌ و اموال‌ 76**](#_Toc267860041)

[زكات‌ 76](#_Toc267860042)

[خمس‌ 77](#_Toc267860043)

[آيا مي‌داني‌ كه‌؟ 80](#_Toc267860044)

[عجائب‌ و غرائب‌ 81](#_Toc267860045)

[ثلث‌ اموات‌ 83](#_Toc267860046)

[صدقات‌ (حق‌ جد) و موارد بي‌شمار ديگري‌ 83](#_Toc267860047)

[ربا 86](#_Toc267860048)

[چكهاي‌ آمرزش‌ 88](#_Toc267860049)

[بامزه‌ و خنده‌دار 88](#_Toc267860050)

[مناسبت‌‌هايي‌ به نام‌ خوراكها 88](#_Toc267860051)

[**فصل‌ پنجم:‌ نكاح‌ و همه‌ آنچه‌ كه‌ جائز است‌ يا جايز قرار داده‌ شده‌ است‌ 91**](#_Toc267860052)

[بی بند و باری‌ 91](#_Toc267860053)

[متعه‌ يا ازدواج‌ موقت‌ 92](#_Toc267860054)

[ملاحظه‌اي‌ مهم‌ 97](#_Toc267860055)

[بي‌بند و باري‌ اروپايي‌ 99](#_Toc267860056)

[بخوان‌ و تعجب‌ كن‌ 100](#_Toc267860057)

[فاجعه‌اي‌ ديگر 102](#_Toc267860058)

[حلال‌ زاده‌! 103](#_Toc267860059)

[يكي‌ فقط‌؟!! 104](#_Toc267860060)

[اي‌ ملت‌! 107](#_Toc267860061)

[عقلها كجا رفته‌اند؟! 108](#_Toc267860062)

[ارتباط‌ زناشويي‌ 109](#_Toc267860063)

[خلوت‌ گزيني‌ با زنان‌ 111](#_Toc267860064)

[نذر زن‌ براي‌ (سيد) 112](#_Toc267860065)

[عجائب‌ و غرائب‌ و كم‌ يافت‌ها 112](#_Toc267860066)

[كمرشكن‌ 115](#_Toc267860067)

[زياد سخن‌گفتن‌ از امور جنسي در كتابها و رساله‌هاي‌ فقهي‌ (عملي‌) 115](#_Toc267860068)

[خداوند همه‌ گناهان‌ را مي‌آمرزد 124](#_Toc267860069)

[**خاتمه‌ و قاعده‌ 128**](#_Toc267860070)

[و بعد... 129](#_Toc267860071)

ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ

اين كتاب زنگ خطري است كه براي همه به صدا در آورده شده، همانند كسي که وسط دريا در حال غرق شدن است و با صداي بلند فرياد كمك مي‌زند.

موج‌هاي بلند وحشتناك كشتي را احاطه كرده‌اند.

تا لحظاتي نه چندان دور كشتي به قهر درياها فرو مي‌رود دريايي كه ابتدا و انتهايي ندارد.

ولي از دور مناره‌هاي نجات در حال نمايان شدن است.

هنوز اميد باقي است و از ساحل زياد دور نشده‌ايم.

از اينجاست كه نويسنده با صداي بلند فرياد مي‌زند خود را و هر آن كس كه مي‌توانيد نجات دهيد.

و سكان كشتي را با قدرت متوجه ساحل نماييد.

تا به مقصد و ساحال امان برسيم كه پشيماني در درگاه ايزد منان ديگر سودي نخواهد داشت.

ولي با اين حال عده‌اى سودجو ناراحت هستند و نمي‌خواهند مردم نجات پيدا كنند!

حاضرنند كشتي با سرنشينانش غرق دريا شود ولي از مكاسب و سود شخصي آنها ذره‌اى كم نگردد.

**خداوند مي‌فرمايد:** ﮋ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﮊ (غافر: ٣٠ – ٣٣)**.**

**«** آن مرد باايمان گفت: اى قوم من! من بر شما از روزى همانند روز (عذاب) اقوام پيشين بيمناكم**.** و از عادتى همچون عادت قوم نوح و عاد و ثمود و كسانى كه بعد از آنان بودند (از شرك و كفر و طغيان) مى‏ترسم; و خداوند ظلم و ستمى بر بندگانش نمى‏خواهد. اى قوم من! من بر شما از روزى كه مردم يكديگر را صدا مى‏زنند (و از هم يارى مى‏طلبند و صدايشان به جايى نمى‏رسد) بيمناكم! همان روزى كه روى مى‏گردانيد و فرار مى‏كنيد; اما هيچ پناهگاهى در برابر عذاب خداوند براى شما نيست; و هر كس را خداوند (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، هدايت‏كننده‏اى براى او نيست**».**

**و م**ى‏**فرمايد:** ﮋ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﮊ. **(غافر: 38- 39).**

**«**كسى كه (از قوم فرعون) ايمان آورده بود گفت: «اى قوم من! از من پيروى كنيد تا شما را به راه درست هدايت كنم. اى قوم من! اين زندگى دنيا، تنها متاع زودگذرى است; و آخرت سراى هميشگى است**»‌.**

**و م**ى‏**فرمايد:**  ﮋ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮊ. **(غافر: 41- 44).**

**«**اى قوم من! چرا من شما را به سوى نجات دعوت مى‏كنم، اما شما مرا بسوى آتش فرا مى‏خوانيد؟ مرا دعوت مى‏كنيد كه به خداوند يگانه كافر شوم و همتايى كه به آن علم ندارم براى او قرار دهم، در حالى كه من شما را بسوى خداوند عزيز غفار دعوت مى‏كنم! قطعا آنچه مرا بسوى آن مى‏خوانيد، نه دعوت (و حاكميتى) در دنيا دارد و نه در آخرت; و تنها بازگشت ما در قيامت بسوى خداست; و مسرفان اهل آتشند**.** و بزودى آنچه را به شما مى‏گويم به خاطر خواهيد آورد! من كار خود را به خدا واگذارم كه خداوند نسبت به بندگانش بيناست!**»‌.**

چرا اين‌ كتاب‌ را نوشتم‌؟

**سالها از عمر خويش‌ را گذراندم‌ در حالي‌ كه‌ من‌ بر اين‌ باور بودم‌ و همواره‌ بر اين‌ باور هستم‌ كه‌ روش‌ اهل‌ بيت‌ با شريعت‌ خدا موافق‌ است‌ همانگونه‌ كه‌ با عقل‌ و ذوق سالم‌ و شيوه‌ ارزشمند انسانيت‌ مطابق‌ است،‌ و نيز بر اين‌ باور بودم‌ كه‌ در آنچه‌ از آنها روايت‌ مي‌شود چيزي‌ وجود ندارد كه‌ با كتاب‌ خدا يا سنت‌ پيامبر ص مخالف‌ باشد، و اگر چنين‌ باشد با آن‌ مخالفت‌ خواهيم‌ كرد و آن‌ را نمي‌پذيريم‌، و به‌ همان‌ چيز چنگ‌ خواهيم‌ زد كه‌ با كتاب‌ خدا موافق‌ باشد، همانگونه‌ كه‌ امام‌ صادق ؛‌ چنين‌ راهنمايي‌ نموده‌ است،‌ آري،‌ هنگامي‌ كه‌ دروغهاي‌ زيادي‌ ساخته‌ و پرداخته‌ مي‌شد و به‌ او نسبت‌ داده‌ مي‌شد فرمود: «آنچه‌ با كتاب‌ خدا موافق‌ است‌ آن‌ را بپذيريد و آنچه ‌كه‌ با كتاب‌ خدا مخالف‌ است‌ آن‌ را رها كنيد»([[1]](#footnote-1)).**

**روزها همچنان‌ مي‌گذشت‌ و من‌ رخدادها را زير نظر داشتم،‌ و وضعيت‌ حاكم‌ بر پيرامون‌ خود و حركتهاي‌ آن‌ را تحت‌نظر داشتم‌. مردم‌ را نگاه‌ مي‌كردم‌ و كارهايشان‌ را بررسي‌ مي‌نمودم‌ و افكارشان‌ را مورد آزمايش‌ قرار مي‌دادم‌، خداوند شخصيتي‌ به‌ من‌ ارزاني‌ نموده‌ كه‌ به‌ آنچه‌ مي‌بيند يا مي‌شنود بدون‌ بررسي‌ و پژوهش‌ قانع‌ نمي‌شود، و باور دارم‌ كه‌ خداوند به‌ هر انساني‌ عقلي‌ داده‌ تا بيانديشد و از عقل‌ خود كار بگيرد، نه‌ اينكه‌ عقل‌ خويش‌ را بي‌**‌**كار بگذارد و از آن‌ استفاده‌ نكند و با عقل‌ ديگران‌ بيانديشد، به‌ ويژه‌ در امور مهم‌ و بزرگ‌ مانند اصول‌ دين‌ و عقيده‌ و ضرورت‌هاي‌ زندگي‌ انسان‌، و من‌ هموراه‌ مقولة امير المؤمنين‌ ؛ را با خود تكرار مي‌كردم:‌ (بار خدايا، از خامگي‌ و در خواب‌ فرو رفتن‌ عقلها به‌ تو پناه‌ مي‌برم‌)([[2]](#footnote-2)).**

**و در برابر فرمودة الهي‌ لرزه‌ بر اندام‌ مي‌شدم‌ كه‌ مي‌فرمايد:** ﮋ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ **(الأحزاب: 66- 67).**

**«**در آن روز كه صورتهاى آنان در آتش (دوزخ) دگرگون خواهد شد (از كار خويش پشيمان مى‏شوند و) مى‏گويند: اى كاش خدا و پيامبر را اطاعت كرده بوديم! و مى‏گويند: پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت كرديم و ما را گمراه ساختند**».**

**بسي‌ جاي‌ تعجب‌ است‌ اين‌ قوم‌ از عقل‌ خود در فهميدن‌ كتاب‌ خدا و سنت‌ پيامبر استفاده‌ نكرده‌اند، و زمام عقلهاي‌ خويش‌ را به‌ دست‌ بزرگان‌ و رؤسا و علما سپرده‌اند. بنابر اين،‌ سرنوشت‌ همگي‌ آن‌ها به‌ سوي‌ جهنم‌ رقم‌ خورده‌ است‌.**

**آري،‌ بايد دانست‌ كه‌ تقليد كردن‌ از علماء اين‌ طور نيست‌ كه‌ در همه‌ چيزها بايد از آنها تقليد كرد، بلكه‌ تقليد از علماء منحصر در فروع‌ دين‌ و جزئيات‌ آن‌ است،‌ و نيز در امور پيچيدة‌ ديني‌ كسي‌ كه‌ توانايي‌ پژوهش‌ و اجتهاد را ندارد مي‌تواند از علماء تقليد نمايد، باز هم‌ به‌ اين‌ شرط‌ كه‌ نظر علماء با نصوص‌ قرآني‌ يا سنت (صحيح) اصطكاك‌ پيدا نكند.**

**اما در اصول‌ دين‌ و امور مهم‌ آن‌ اگر انسان‌ از علماء تقليد نمايد و از آنها پيروي‌ كند و به‌ اشتباه‌ برود يا نسبت‌ به ‌اصول‌ دين‌ جاهل‌ باشد معذور قرار نمي‌گيرد، و اگر نه‌ هر ملتي‌ داراي‌ علماء مي‌باشد، يهوديان‌ علماء دارند و مسيحيان‌ نيز علماء دارند. اما همانطور كه‌ خداوند متعال‌ فرموده‌ است‌:** ﮋ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﮊ **(التوبه: 31). «**(آنها) دانشمندان و راهبان خويش را معبودهايى در برابر خدا قرار دادند**».**

**و من‌ به‌ اين‌ پي‌ بردم‌ كه‌ اسلام‌ اين‌ دين‌ بزرگ‌ در طي‌ تاريخ‌ طولاني**‌**ش‌ با دسيسه‌ها و توطئه‌ها و تلاشهاي زيادي ‌براي تحريف كردن آن مواجه شده است. يكي از اين تلاشهاي خصمانه‌ عليه‌ اسلام‌ ساختن‌ احاديث‌ دروغين‌ و نسبت‌ دادن‌ آن‌ به‌ پيامبر ص و ساختن‌ روايت‌هاي‌ دروغين‌ و مزخرفي‌ بنام‌ ائمه‌ ﻹ‌ بوده‌ است.‌**

حقيقت تلخ:

**و من‌ در خلال‌ زندگي‌ با مردم‌ و بررسي‌ كتابها به‌ حقيقت‌ تلخي‌ دست‌ يافتم،‌ و آن‌ اينكه‌ ائمه‌ اهل‌ بيت‌ چون‌ هر يك‌ از ديگر مصلحان‌ دوبار مورد ستم‌ قرار گرفته‌اند!! يكبار از سوي دشمنان،‌ و بار ديگر از سوي‌ پيروان‌ خود مورد ستم‌ قرار گرفته‌اند.**

**اما‌ دشمنان‌، آنها را مورد طعن‌ و تشنيع‌ قرار دادند و سيرت‌ آنها را مشوه‌ كردند، و سخت‌ترين‌ اين‌ طعنه‌ زني‌ و تخريب‌ سيماي‌ پاك‌ آنها حركتي‌ بود پنهاني‌ كه‌ خود را در لباس‌ پيروي‌ از آنها و منتسب‌ بودن‌ به‌ آنها پنهان‌ كرده‌ بود تا پيروان‌ واقعي‌ و دوستداران‌ ائمه‌ متوجه‌ نشوند.**

**اما پيروان‌، وقتي‌ كه‌ فريب‌ دشمناني‌ را خوردند كه‌ در لباس‌ دوست‌ بودند و آنها را تصديق‌ كردند‌ به‌ آن‌ سخنان‌ دروغين‌ عمل‌ كردند بلكه‌ به‌ جوش‌ آمده‌ و آن‌ سخنان‌ را بنام‌ ائمه‌ پخش‌ كردند.**

**در واقع‌ ستم‌ اين‌ پيروان‌ ستم‌ بزرگتري‌ بر ائمه‌ بود، براستي‌ كه‌ چه‌ فاجعه‌ و مصيبت‌ بزرگي‌ بوده‌ است‌. و در اين‌ جا نياز مي‌بينم‌ تا قلم‌ را بگذارم‌ و دوبار‌ گريه‌ نمايم‌!! اما... فايده‌ گريه‌ كردن‌ چيست‌؟ و تا كي‌ بايد گريه‌ كرد؟**

**آيا وقت‌ آن‌ نرسيده‌ است‌ تا ما سهميه‌ خود را از اميدوار بودن‌ به‌ آينده‌ به‌ دست‌ بگيريم‌؟ و آستين‌ همت‌ و فعاليت‌ را بالا بزنيم‌ تا راه‌ را ادامه‌ بدهيم‌ و به‌ هدف‌ برسيم‌ و حقيقت‌ را در ميان‌ انوار درخشان‌ حق‌ بشناسيم‌!!**

آرامگاهها و مراجع‌:

**مرقد و آرامگاه‌ بسياري‌ از ائمه‌ و صالحين‌ را زيارت‌ نموده‌ام،‌ و با بسياري‌ از مشايخ‌ و علماي‌ عامل‌ ديدار كرده‌ام،‌ بسياري از كتاب**‌**هاي مرجع و مصادر معتبر را مطالعه كردم به هدف تحقيق و بررسي چيزهايي را فهميدم چيزهاي را انكار مي**‌**كردم و گاهي به اقوال عجيب برخورد مي**‌**كردم و مي**‌**پرسيدم حقيقت كجاست؟**

**بویژه كه‌ در ميان‌ اين‌ چيزهاي‌ عجيب‌ اموري‌ هست‌ كه‌ هر كسي‌ را كه‌ مي‌كوشد تا از آن‌ دفاع‌ نمايد يا راهي‌ براي ‌آن‌ جستجو كند يا عذري‌ بتراشد در تنگناي‌ سختي‌ قرار مي‌دهد و او را دچار مشكل‌ مي‌نمايد، و گاهي‌ در ميان ‌تلاش‌ براي‌ حق‌ جلوه‌ دادن‌ و توجيه‌ اين‌ امور فردي‌ كه‌ از آن‌ دفاع‌ مي‌نمايد در برابر پرسش‌هاي‌ كساني‌ كه‌ در اين ‌چيزها ترديد دارند و در برابر اعتراض‌ و حمله‌ مخالفان‌ سرافكنده‌ و خجالت‌ مي‌شود، زيرا چيزي‌ ندارد كه‌ با آن دفاع‌ نمايد، و يا آنچه‌ كه‌ صلاحيت‌ داشته‌ باشد كه‌ با آن‌ دفاع‌ كرد در دست‌ ندارد، و بسا ناتواني**‌**اش‌ آشكار مي‌گردد و او به‌ خود مي‌پيچد در حالي‌ كه‌ مي‌كوشد تا راهي‌ براي‌ خروج‌ از اين‌ تنگنا بيابد، و او راهي‌ براي‌ خروج‌ از اين‌ تونل‌ دراز و تاريك‌ نمي‌يابد جز اينكه‌ سكوت‌ اختيار كند يا لجاجت‌ به‌ خرج‌ دهد، و اين‌ هر دو هريك‌ از ديگري‌ تلخ‌تر است‌! پس‌ راه‌ حل‌ چيست‌؟**

راه‌ حل‌ چيست‌؟

**آيا ما فقط‌ به‌ اينكه‌ بگوييم:‌ اين‌ دروغ‌ است،‌ يا اينكه‌ ادعا كنيم‌ اين‌ دست‌ خورده‌ است،‌ اكتفا كنيم‌؟ و اين‌ امري ‌است‌ كه‌ روشن‌ شده‌ كه‌ وسيله‌اي‌ جز فرار از مخمصه‌ نيست،‌ و كسي‌ كه‌ اين‌ راهكار را انتخاب‌ مي‌نمايد از طرف ‌مخالفش‌ بهتر مي‌داند كه‌ اين‌ وسيله‌اي‌ جز براي‌ فرار از تنگنا بيش‌ نيست‌.**

**اگر موضوع‌ به‌ يك‌ يا دو مسئله‌ يا حتي‌ صد يا دويست‌ مسئله‌ مي‌بود يا فقط‌ سطري‌ در يك‌ كتاب‌ پنهان‌ يا منتشر شده‌ مورد اعتراض‌ مي‌بود مشكل‌ آسان‌ بود.**

**اما مسائلي‌ كه‌ با كتاب‌ خدا و حق‌ مخالف‌ است،‌ و با منقول‌ و معقول‌ متناقض‌ است‌، و با ذوق سالم‌ و رفتارهاي‌ عالي فاصله‌ دارد، صدها بلكه‌ هزاران‌ مسئله‌ است،‌ و چنين‌ مسائلي‌ در منابع‌ و مراجع‌ معتمد و كتابهاي‌ زيادي‌ كه‌ پي‌ درپي‌ منتشر مي‌شوند و برخي‌ ممنوع‌ و برخي‌ انتشار آن‌ مجاز است‌ ثبت‌ شده‌اند.**

**همچنين‌ نسخه‌هاي‌ خطي‌ و كتابهاي‌ چاپ‌ شده‌ در گذشته‌ و حال‌ سرشار از اين‌ نوع‌ مسائل‌ هستند، و متأسفانه‌ در كتابفروشي‌ها فروخته‌ مي‌شوند، و در مدارس تدريس‌ مي‌گردند و در ملاء عام‌ و براي‌ عموم‌ مردم‌ مطالب‌ آن ‌آشكارا بيان‌ مي‌شود، بدون‌ از اينكه‌ كوچك‌ يا بزرگي‌ به‌ آن‌ لب‌ به‌ اعتراض‌ بگشايد، پس‌ اين‌ مسئله‌ بسيار مهمي است‌ كه‌ كوشش‌هاي‌ تكذيب‌ كردن‌ آن‌ فايده‌اي‌ ندارد، و اين‌ مشكل‌ را با پيوند زدن‌ نمي‌توان‌ حل‌ كرد، بلكه‌ اين‌ كار به‌ يك‌ عمل‌ جراحي‌ بزرگ‌ نياز دارد.**

**گذشته‌ از كارهايي‌ كه‌ با شريعت‌ و ادب‌ مخالف‌ است،‌ و ما با چشم‌هاي‌ خود مي‌بينيم‌ كه‌ در مراقد و زيارتگاهها انجام‌ مي‌شود!**

**و اگر صداي‌ اعتراضي‌ از اينجا و آنجا شنيده‌ شود به‌ معترض‌ مي‌گويند: اين‌ كارها كار عوام‌ و جاهلان‌ است‌، و خداوند مي‌داند كه‌ برخي‌ از كساني‌ كه‌ با مرتكبين‌ اين‌ كارها مشاركت‌ مي‌نمايند و در اين‌ منجلاب‌ فرورفته‌اند يا اينكه از نزديك آن را نظارت مي‌نمايند، كساني‌ هستند كه‌ عمامه‌ به‌ سر دارند و ريش‌ مي‌گذارند و لباس‌ به‌ اصطلاح‌ روحانيت‌ و مردان‌ دين‌ را به‌ تن‌ دارند.**

**نقش‌ علماء چيست‌؟ و اين‌ سكوت‌ براي‌ چيست‌؟ اين‌ كارها فعاليت‌هاي‌ طبيعي‌ قرار گرفته‌اند كه‌ مردم‌ به‌ انجام آن‌ عادت‌ نموده‌اند، و زندگي‌ روزمره‌ خود را در جامعه‌ چنين‌ سپري‌ مي‌نمايند.**

**آيا عاقلانه‌ است‌ كه‌ بگوييم: روش‌ اهل‌ بيت‌ همين‌ است‌؟!!**

**آيا شرعاً درست‌ و وجداناً و از نظر عقلي‌ ممكن‌ است‌ كه‌ همه‌ اين‌ چيزها را ببينيم‌ سپس‌ بنابر نسبت‌ دادن‌ اين‌كارها به‌ اهل‌ بيت‌ يا انجام‌ آن‌ به‌ اسم‌ اهل‌ بيت‌ سكوت‌ اختيار كنيم‌؟!**

**به‌ حق‌ اين‌ چيزي‌ است‌ كه‌ تحت‌ هيچ‌ دليل‌ و وسيله‌اي‌ نمي‌توان‌ بر‌ آن‌ سكوت‌ كرد، زيرا اشتباه‌ و لغزش‌ به‌ پرتگاه‌ هلاكت‌ رسيده‌ و از آن‌ گذشته‌ است‌.**

**گرچه‌ برخي‌ اخم‌ كنند:**

**من‌ مي‌دانم‌ كه‌ اين‌ فرياد طنين‌ افكن‌ مطالبي‌ را در بر دارد كه‌ درد آور و پريشان‌ كننده‌ است‌. و بغض‌ گلوي‌ برخي را‌ مي‌گيرد و برخي‌ اخم‌ خواهند كرد! اما‌ عذر من‌ اين‌ است‌ كه‌ حقيقت‌ تلخ‌ است‌، و وضعيت به‌ جايي‌ رسيده‌ كه‌ در معالجه‌ آن‌ نرمي‌ و سخن‌ به‌ اشاره‌ و كنايه‌ و ژرفنگري‌ با احتياط‌ و شرمندگي‌ سودي‌ ندارد.**

**آري‌، اين‌ انحرافات‌ غدة بزرگي‌ هستند. و بايد با قيچي‌ جراحي‌ بريده‌ شود، و مورد معالجه‌ قرار بگيرد، و تپه انحراف‌ بزرگ‌ است‌، و آوار آن‌ سنگين‌. و بايد كاملاً تصفيه‌ حساب‌ كرد، و به‌ همه‌ كتابها مراجعه‌ نمود و باز دوباره‌ به اول‌ راه‌ برگرديم‌ تا تشيع‌ اصيل‌ و واقعي‌ را از تشيع‌ ساختگي‌ و غيرواقعي‌ جدا كنيم‌!!!**

باب‌ اول‌  
روش‌ اهل‌ بيت‌... تئوري‌ و تطبيق‌

**فصل‌ اول‌**

پيامبر (**ص** ‌) و ائمه‌ (**‡**‌)

سيره‌ عطرآگين‌ حضرت‌ رسول‌ (**ص** ‌)

محمد (ص) سرور زاهدان‌

فصل‌ اول‌  
پيامبر (ص ‌) و ائمه‌ (‡‌)  
سيره‌ عطرآگين‌ حضرت‌ رسول‌ (ص ‌)  
محمد (ص) سرور زاهدان‌

پيامبر **ص** زاهدترين‌ و دورترين‌ مردم‌ از زيبايي‌ها و لذت‌هاي‌ دنيايي‌ بود، و او بجاي‌ اينكه‌ براي برآورده‌ كردن ‌نيازهاي‌ خود و خواسته‌هاي‌ خانواده‌ و خويشاوندان‌ خود دست‌ به‌ كار شود بيشتر به‌ دين‌ و دعوتش‌ مشغول بود.

**او ص بر خاك‌ مي‌خوابيد و روي‌ حصير مي‌نشست‌، و وقتي‌ بلند مي‌شد اثر حصير بر پهلويش‌ مانده‌ بود. به‌ او گفتند: اي‌ پيامبر خدا، اگر زير انداز نرمي‌ استفاده‌ مي‌كردي‌ بهتر بود. در پاسخ‌ به‌ آنان‌ مي‌گفت‌: دنيا را مي‌خواهم چكار كنم‌؟ من‌ در دنيا جز مانند مسافري‌ كه‌ زير درختي‌ بر استراحت‌ نشسته‌ سپس‌ آن‌ را ترك‌ مي‌نمايد و مي‌رود نيستم‌.**

**گروهي‌ را ديد كه‌ دارند خانه‌اي‌ را از چوب‌ و ني‌ كه‌ مال‌ آنها بود درست‌ مي‌نمايند. فرمود: اين‌ چيست‌؟ گفتند: اين‌ را شكسته‌اند و ما درستش‌ مي‌كنيم‌. گفت‌: (به‌ نظر من‌ نيازي‌ به‌ اين‌ نيست‌) زيرا وقت‌ كمتر از اين‌ است‌.**

**و او ص گاهي‌ از فرط‌ گرسنگي‌ بر شكم‌ خود سنگ‌ مي‌بست‌. و يك‌ ماه و دو ماه‌ مي‌گذشت‌ و در خانه‌اش‌ براي پخت‌ و پز آتش‌ برافروخته‌ نمي‌شد. و خوراك‌ او و خانواده‌اش‌ آب‌ و خرما بود، به‌ جز اينكه‌ همسايگاني‌ از انصار داشت‌ كه‌ گوسفندان‌ شيري‌ داشتند و براي‌ او شير مي‌فرستادند و او و خانواده‌اش‌ مي‌نوشيدند.**

**پيامبر ص در حالي‌ از دنيا رحلت‌ نمود كه‌ از نان‌ جو يا گندم‌ شكمش‌ سير نشده‌ بود! با اينكه‌ مي‌توانست‌ به‌ويژه‌ در دوران‌ آخر زندگي**‌**اش‌ بعد از اينكه‌ خداوند فتوحات‌ را به‌ روي‌ او گشود و از هر طرفي‌ اموال‌ به‌ سوي‌ او سرازير بود. و هنگامي‌ كه‌ همسرانش‌ از سختي‌ زندگي‌ به‌ او شكايت‌ بردند، و اين‌ ماجرا بعد از فتح‌ خيبر و به‌دست‌ آمدن‌ اموال‌ و سرزمين‌هاي‌ آن‌ بود خداوند آيه‌ نازل‌ كرد كه‌ همسران‌ پيامبر اختيار دارند يا اين‌ حالت‌ را بپذيرند و با او چنين‌ فقيرانه‌ زندگي‌ نمايند يا اينكه‌ از او جدا شوند تا آنچه‌ كه‌ مي‌خواهند در سرزمين‌ وسيع‌ الهي بيابند:** ﮋ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪﮊ. **(الأحزاب: 28- 29).**

**«**اى پيامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگى دنيا و زرق و برق آن را مى‏خواهيد بياييد با هديه‏اى شما را بهره‏مند سازم و شما را بطرز نيكويى رها سازم! و اگر شما خدا و پيامبرش و سراى آخرت را مى‏خواهيد، خداوند براى نيكوكاران شما پاداش عظيمى آماده ساخته است**‌».**

**و گاهي‌ پيامبر از فرط‌ گرسنگي‌ نشسته‌ نماز مي‌خواند!**

**روزي‌ فاطمه‌ ك تكه‌ ناني‌ برايش‌ آورد فرمود: «اين‌ تكه‌ چيست‌ اي‌ فاطمه‌؟ فاطمه‌ گفت:‌ قرص‌ ناني‌ است‌ نفس من‌ گوارا نمي‌كرد مگر اينكه‌ آن‌ را براي‌ تو بياورم‌. فرمود: اين‌ اولين‌ خوراكي‌ است‌ كه‌ پس‌ از سه‌ روز به‌ دهان پدرت‌ مي‌رود!!».**

**اين‌ از ناتواني‌ پيامبر ص نبود بلكه‌ تمام‌ دنيا پيش‌ او بود اما زهد و قناعت‌ را ترجيح‌ مي‌داد. او بر خود و خانواده‌اش زكات‌ و صدقه‌ را حرام‌ نمود، و زكات‌ را چركهاي‌ مردم‌ ناميد تا او و خانواده‌اش‌ بزرگترين‌ نمونه‌ برتري‌ باشند. پروردگارش‌ به‌ او پيشنهاد كرد كه‌ اگر مي‌خواهد براي‌ او سنگلاخ‌ مكه‌ را به‌ طلا تبديل‌ خواهد كرد پيامبر گفت‌: «نه، اي‌ پروردگارم!‌ بلكه‌ روزي‌ گرسنه‌ و روزي‌ سير باشم،‌ هرگاه‌ سير باشم‌ سپاس‌ تو را به‌ جا مي‌آورم‌ و شكر تو را مي‌گذارم‌ و چون‌ گرسنه‌ شوم‌ به‌ درگاهت‌ زاري‌ مي‌نمايم‌ و تو را فرا مي‌خوانم».**

**و پيامبر ص در حالي‌ دنيا را وداع‌ گفت‌ كه‌ لباس جنگى**‌**اش نزد يك‌ يهودي‌ بخاطر يك‌ صاع‌ جو گرو بود!! پس‌ چه‌ كسي‌ به پيروري‌ كردن‌ از او و اهل‌ بيتش‌ سزاوارتر است‌ گرچه‌ روزگار زيادي‌ گذشته‌ باشد و سلسله‌ نسب‌ آنان‌ طولاني‌شده‌ باشد.**

گامي‌ در مسير پدر و پيشواي‌شان ص:

**اهل‌ بيت‌ - بويژه‌ ائمه‌ بزرگوار- به‌ پيامبر و پيشواي**‌**شان ص وفادار بوده‌اند، و به‌ روش‌ او حركت‌ نمودند و زندگي ‌زاهدانه‌ و اظهار بي‌**‌**نيازي‌ از آنچه‌ مردم‌ دارند را انتخاب‌ نمودند. پس‌ اهل‌ بيت‌ بهترين كساني‌ بودند كه‌ پس‌ از پيامبر ص سخن‌ او را درك‌ نموده‌ و به‌ آن‌ عمل‌ كردند كه‌ فرمود: «اليد العليا خير من‌ اليد السفلى‌». «دست‌ بالا (بخشنده‌) از دست‌ پايين‌ (گيرنده‌) بهتر است‌».**

**كتابهاي‌ سيرت‌ و تاريخ‌ و كتابهاي‌ حديث‌ در روايات‌ سرمايه‌ بزرگي‌ را از آثار نيك‌ آنها در بر دارند كه‌ ما را از توكل‌ و حسن‌ ظن‌ آنان‌ به‌ پرروردگارشان‌ و پناه‌ بردن‌ آنان‌ به‌ او در سختي‌ها و ناخوشي‌ها و در توانگري و راحتي‌ آگاه ‌مي‌سازد.**

**و به‌ ما مي‌گويند كه‌ چگونه‌ آنها به‌ وظيفه‌ خود در مقابل‌ مردم‌ و توجيه‌ تعليم‌ مردم‌ عمل‌ نمودند، بدون‌ اينكه‌ از كسي‌ جز خدا انتظار پاداشي‌ داشته‌ باشند، بلكه‌ آنها از اينكه‌ به‌ يك‌ درهم‌ از اموال‌ مردم‌ دست‌ دراز كنند اباء مي‌ورزيدند، بلكه‌ خود آنها بودند كه‌ بر مردم‌ احسان‌ مي‌نمودند و از تلاشها و اوقات‌ و اموال‌ خود به‌ مردم مي‌بخشيدند و حالت‌ آنها با زبان‌ بي‌‌زباني‌ اين‌ را مي‌گويد كه‌** ﮋ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﮊ **(الإنسان: 9).**

**«**ما شما را تنها به خاطر خدا اطعام مي‌كنيم، و هيچ پاداش و سپاسي از شما نمي‌خواهيم**».**

امام‌ علي‌

**از سخنان‌ امام‌ علي است‌ كه‌ فرمود: «اي‌ مردم،‌ آنچه‌ بيش‌ از همه‌ چيز از آن‌ برايتان‌ مي‌ترسم‌ دو چيز است‌. پيروي‌ از هواي‌ نفس‌ و طولاني‌ بودن‌ آرزو. اما پيروي‌ از هواي‌ نفس‌ (انسان‌) را از حق‌ باز مي‌دارد، و دراز بودن‌ آرزو آخرت‌ را از ياد مي‌برد. هان‌، آگاه‌ باشيد دنيا به‌ سرعت‌ پيش‌ رفته‌ است‌ و از آن‌ چيزي‌ باقي‌ نمانده‌ مگر مقدار كمي مانند اينكه‌ در ظرفي‌ مقدار كمي‌ آب‌ در ته‌ آن‌ بماند و كسي‌ آن‌ را بريزد». «هان‌، آگاه‌ باشيد آخرت‌ نزديك‌ شده‌ و هريك‌ از دنيا و آخرت‌ فرزنداني‌ دارند، پس‌ شما از فرزندان‌ آخرت‌ باشيد و از فرزندان‌ دنيا نباشيد، زيرا هر فرزندي‌ در روز قيامت‌ به‌ مادرش‌ مي‌پيوندد و امروز (دنيا) عمل‌ هست‌ و حساب و كتابي‌ نيست،‌ و فردا (آخرت‌) حساب‌ است‌ و عملي‌ نيست»([[3]](#footnote-3)).**

**و امام‌ علي پيامبر ص را چنين‌ ياد نموده است‌:**

**«او ص دنيا را تحقير و كوچك‌ نمود و به‌ آن‌ ارزشي‌ قايل‌ نشد و دانست‌ كه‌ خداوند دنيا را از او دور نموده‌ چون‌ او را برگزيده‌ است‌. دنيا را براي‌ ديگران‌ گشود چون‌ آنان‌ پيش‌ خدا حقير بودند پس‌ پيامبر ص با دلش‌ از دنيا روي‌ گرداند و آن‌ را از خاطرش‌ دور كرد و دوست‌ داشت‌ زيبايي‌ دنيا از چشم‌ او پنهان‌ شود تا از آن‌ اسباب‌ و لوازمي‌ بر نگيرد و به‌ مسكن‌ و جايگاهي‌ در آن‌ اميد نبندد»([[4]](#footnote-4)).**

بزرگترين‌ مصيبت‌ ما

**اما مصيبت‌ و فاجعه‌اي‌ كه‌ ما دچار آن‌ شديم‌ و اين‌ مصيبت‌ ما را چون‌ افراد مست‌ و بي‌‌هوش‌ رها نموده‌ كه‌ درك نمي‌كنيم‌ و براي‌ كوشش‌ و تلاش‌ نمي‌انديشيم‌، اين‌ است‌ كه‌ ما اين‌ گفته‌ها‌ را مي‌خوانيم‌ و براي‌ به‌ خود باليدن ‌و افتخار آن‌ را روايت‌ مي‌كنيم‌ بدون‌ اينكه‌ بفهميم كه‌ اين‌ كار به‌ اندازه‌ ذره‌اي‌ به‌ ما فايده‌اي‌ نمي‌دهد تا وقتي‌ كه‌ عمل نكنيم‌ و از خود نخواهيم‌ حتي‌ به‌ قسمت‌ كوچكي‌ از مقتضاي‌ اين‌ رهنمودهاي‌ بزرگ‌ عمل‌ كنيم‌.**

ﮋ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮊ **(الصف: 2-3).**

**«**اي كساني كه ايمان آورده‌ايد! چرا سخني مي‌گوئيد كه عمل نمي‌كنيد؟ نزد خدا بسيار موجب خشم است كه سخني بگوئيد كه عمل نمي‌كنيد**».**

**ما دچار بيماري‌ مزمني‌ شده‌ايم،‌ و آن‌ بيماري‌ بي‌‌تفاوتي‌ و عدم‌ احساس‌ است‌ به‌ آنچه‌ كه‌ از سيرت‌ صالحان‌ و پندهاي‌ واعظان‌ مي‌خوانيم‌ و مي‌شنويم و يا روايت‌ مي‌كنيم‌ و ما از كنار اين‌ چيزها چنان‌ مي‌گذريم‌ كه‌ راننده‌اي كه‌ مست‌ است از كنار چراغ‌ راهنما‌ مي‌گذرد بدون‌ اينكه‌ بفهمد كه‌ چراغ‌ راهنما از او چه‌ مي‌خواهد، و تنها چيزي‌ كه‌ توجه‌ او را به‌ چراغ‌ چشمك‌ زن‌ جلب‌ مي‌نمايد زيبايي‌ و جذابيت‌ رنگهاي‌ آن‌ است.‌ بنابر اين،‌ گفتار و كردارمان‌ متضاد است‌.**

گفته‌هايي‌ كه‌ كردارها آن‌ را تثبيت‌ مي‌نمايد

**زندگي‌ امير المؤمنين‌ ترجمان‌ اميني‌ براي‌ گفته‌ها و توصيه‌هايش‌ بود او فقيرانه‌ زيست‌ حتي‌ در حالي‌ كه‌ او در رأس‌ حكومت‌ بود اما فقيرانه‌ زندگي‌ مي‌كرد، و او، خانواده‌ و خويشاوندانش‌ را از كالاهاي‌ دنيا و فزون‌طلبي‌ منع مي‌كرد تا آنها براي‌ ديگران‌ سرمشق‌ و نمونه‌ باشند. به‌ علي‌ گوش‌ بده‌ كه‌ از حالت‌ برادرش‌ عقيل‌ كه‌ فقير شده‌ بود و چنان‌ سخت‌ در فقر به‌ سر مي‌برد كه‌ يك‌ مشت‌ آرد گيرش‌ نمي‌آمد خبر مي‌دهد. آري‌، همين‌ عقيل‌ فقير پيش‌ برادرش‌ امير المؤمنين‌ مي‌آيد و از او مي‌خواهد تا از بيت‌ المال‌ به‌ او چيزي‌ بدهد كه‌ بوسيلة آن‌ شكم‌ فرزندان‌ گرسنه‌اش‌ را كه‌ چهره‌‌هايشان‌ سياه‌ شده و رنگهايشان‌ از فقر پريده‌ و موهايشان‌ ژوليده‌ است‌ سير نمايد، اما ‌با وجود اينكه‌ عقيل‌ چندين‌ بار خواسته‌اش‌ را تكرار مي‌كند و به‌ او مراجعه‌ مي‌نمايد امير المؤمنين‌ به‌ او جواب ‌رد مي‌دهد و مي‌گويد: عقيل‌ را ديدم‌ كه‌ تنگدست‌ و فقير شده‌ بود و از من‌ خواست‌ تا از گندمهايتان‌ به‌ او يك‌ صاع‌ بدهم‌، و فرزندانش را ديدم‌ كه‌ بر اثر فقر موهايشان‌ ژوليده‌ و رنگ‌ پريده‌ هستند گويا چهره‌هايشان‌ با استخوان‌ها سياه‌ شده‌ بود و او چند بار پيش‌ من‌ آمد و تاكيد كرد و خواسته‌اش‌ را چند بار تكرار نمود، من‌ به‌ او گوش‌ فرا دادم‌ و او گمان‌ برد كه دينم‌ را به‌ او مي‌فروشم‌ و راه‌ خويش‌ را ترك‌ نموده‌ و به‌ همان‌ سو كه‌ او مرا مهار نمايد مي‌روم‌، من‌ براي‌ او آهني ‌داغ‌ كردم‌ و سپس‌ آن‌ را به‌ بدنش‌ نزديك‌ نمودم‌ تا از آن‌ عبرت‌ بياموزد او از درد آن‌ جيغ‌ بلندي‌ زد و نزديك‌ بود از شدت‌ داغي‌ آن‌ بسوزد، پس‌ به‌ او گفتم‌: مادران‌ فرزند از دست‌ داده‌ به‌ عزايت‌ بنشينند! اي‌ عقيل،‌ آيا از آهني‌ كه انساني‌ آن‌ را براي‌ سرگرمي‌‌اش‌ گرم‌ نموده‌ فرياد بر مي‌آوري‌ و مرا به‌ آتشي مي‌كشاني‌ كه‌ خداوند جبار به‌ خاطر ارائه‌ خشم‌ خود بر افروخته‌ است‌؟ آيا تو از اذيت‌ و آزار فرياد بر مي‌آوري‌ و من‌ از آتش‌ سوزان‌ جهنم‌ فرياد برنمي‌آورم‌؟!**

**و عجيب‌تر از اين‌ فردي‌ است‌ كه‌ شب‌ هنگام‌ با ظرفي‌ پيچيده‌ شده‌ و معجوني‌ كه‌ گويا آن‌ را با آب‌ دهان‌ ماري‌ يا استفراغ‌ آن‌ خمير كرده‌ به‌ نزد ما آمد به‌ او گفتم:‌ آيا اين‌ صله‌ رحم‌ است‌ يا صدقه‌ يا زكاتي‌ است‌؟ اين‌ بر ما اهل ‌بيت‌ حرام‌ است‌. گفت‌، نه‌ آن‌ است‌ نه‌ اين،‌ بلكه‌ هديه‌ است. گفتم:‌ مادرت‌ به‌ عزايت‌ بنشيند! آيا مي‌خواهي‌ مرا از دين خدا فريب‌ دهي‌ و گول‌ بزني‌؟!!([[5]](#footnote-5)).**

**من‌ وقتي‌ بين‌ اين‌ حالت‌ها و خوردن‌ مال‌ مردم‌ و بين‌ ثروت‌ بيش‌ از حد و ناز و نعمت و‌ شكم‌ سيري كه‌ عباپوشان‌ دارا هستند مقايسه‌ مي‌كنم‌ ننگ‌ و عار را مي‌بينم‌ كه‌ در عباها و ريش‌هاي‌ زيادي مجسم‌ شده‌ است‌، بلكه‌ چيزهايي‌ بدتر و تلختر از اين‌ هم‌ است‌.**

**و از سخن‌ امام‌ علي‌ كه‌ مي‌گويد: «مال‌ مادة‌ شهوت‌‌هاست‌»([[6]](#footnote-6)).**

**و امام‌ علي را ديدند كه‌ شلواري‌ كهنه‌ و پيونده‌ زده‌ شده‌ به‌ تن‌ دارد به‌ او گفته‌ شد كه‌ چرا چنين؟ ‌فرمود: «دل‌ فروتن‌ مي‌شود و ‌نفس‌ زير پاي‌ گذاشته‌ مي‌شود. و مومن‌ به‌ آن‌ اقتدا مي‌نمايد»([[7]](#footnote-7)).**

امام‌ علي‌ بيت‌ المال‌ را جارو مي‌زدند!

**او همه‌ آنچه‌ را در بيت‌ المال‌ بود صدقه‌ مي‌كرد و بر افراد مستحق‌ تقسيم‌ مي‌نمود. سپس‌ خودش‌ آن را جارو مي‌زد و آب‌ مي‌پاشيد تا در آنجا دو ركعت‌ نماز بگذارد. آري،‌ بهرة‌ امام‌ علي از بيت‌ المال‌ و از خانه‌اي‌ كه‌ از سرمايه‌‌اي پر بود فقط‌ دو ركعت‌ نماز است‌!!**

**سپس‌ كساني‌ پس‌ از او آمده‌ كه‌ همه‌ اموال‌ بيت‌ المال‌ را براي‌ خود جارو مي‌كنند و جمع‌ مي‌نمايند.**

توحيد خالص‌

**او در توصيف‌ پروردگارش‌ چنين‌ مي‌گويد: «همه‌ چيز براي‌ او فروتن‌ است‌. قيام‌ هر چيز به‌ اوست، نياز هر نيازمندي‌ است‌ و عزت‌ هر ذليلي‌ است،‌ و نيروي‌ هر ناتواني‌ است‌ و پناه‌ هر آسيب‌ ديده‌»([[8]](#footnote-8)).**

**و باري‌ ديگر مي‌گويم: مصيبت‌ ما اين‌ است‌ كه‌ ما سخنان‌ ائمه‌ را براي‌ افتخار و به‌ خود باليدن‌ و مدح‌ محض مي‌خوانيم‌ نه‌ براي‌ اينكه‌ آنان‌ را در عمل‌ اسوه‌ قرار دهيم‌ و به‌ سخنانشان‌ عمل‌ كنيم‌، و اگر نه‌ چه‌ بسا اوراد آسيب‌ ديده‌اي‌ هست‌ كه‌ هرگاه‌ ياري‌ بجويد يا دعا كند يا پناه‌ ببرد به‌ غير از خداوند پناه‌ مي‌برد و با تقديم‌ نذرهاي‌ به‌ آن ‌نزديكي‌ مي‌جويد و اسم‌ او را مي‌گيرد و صدا مي‌زند و بجاي‌ خدا از او كمك‌ مي‌طلبد؟! بدون‌ اينكه‌ بداند كه‌ او در راهي‌ است‌ و امام‌ علي‌ در راه‌ ديگري‌ است‌. آيا مگر امام‌ علي‌ نگفته‌ است‌ كه‌: «همانا بهترين‌ چيزي‌ كه‌ توسل‌كنندگان‌ بوسيله‌ آن‌ به‌ خداوند سبحان‌ توسل‌ بجويند ايمان‌ به‌ خدا و ايمان‌ به‌ پيامبرش‌ و جهاد در راه‌ اوست‌، زيرا جهاد قلة‌ اسلام‌ است، كلمة اخلاص فطرت و سرشت سالم است، و بر پاداشتن‌ نماز آيين‌ است،‌ و دادن‌ زكات‌ فريضه‌اي‌ واجب‌ است‌… و صدقة‌ پنهاني‌ گناهان‌ را مي‌زدايد…. و به‌ رهنمود پيامبرتان‌ اقتدا كنيد زيرا رهنمود او بهترين‌ رهنمود است،‌ و روش‌ و سنت او را اختيار كنيد، زيرا سنت‌ و روش‌ او بهترين‌ سنت‌ها و روش‌ هاست،‌ و قرآن‌ را فرا گيريد زيرا قرآن‌ بهترين‌ سخن‌است‌، و فقه‌ بياموزيد زيرا آگاهي‌ در دين‌ و فقه‌ بهار دلهاست‌»([[9]](#footnote-9)).**

ما كجا و اين‌ كجا؟

**«هر كس‌ كه‌ عملش‌ او را پيش نبرد نسبش‌ او را پيش‌ نخواهد برد»([[10]](#footnote-10)).**

**«همانا دوست محمد ص كسي‌ است‌ كه‌ از خداوند اطاعت‌ نمايد گرچه‌ نسبت‌ خويشاوندي‌‌اش‌ دور باشد و همانا دشمن‌ محمد ص كسي‌ است‌ كه‌ نافرماني‌ خدا را بكند گرچه‌ نسبت‌ نزديكي‌ با او داشته‌ باشد و از خويشاوندانش ‌باشد»([[11]](#footnote-11)).**

**به‌ راستي‌ كه‌ اين‌ قواعد و اصول‌ بزرگ‌ چقدر با واقعيت‌ زندگي‌ فاصله‌ دارد؟!**

مي‌بخشند و... نمي‌گيرند

**فرزندان‌ امير المؤمنين‌ و نوادگانش‌ قدم‌ به‌ قدم‌ در مسير امام‌ علي كه‌ مسير پيامبر ص بود قدم‌ برداشتند، امام‌ حسن وارد بازار شد تا چيزي‌ بخرد از صاحب‌ مغازه‌ نرخ‌ آن‌ كالا را جويا شد و او قيمت‌ آن‌ را گفت‌، سپس صاحب‌ مغازه‌ دانست‌ كه‌ اين‌ مرد حسن‌ بن‌ علي‌ نوه‌ پيامبر خداست‌ بنابر اين‌ صاحب‌ مغازه‌ به‌ خاطر احترام‌ و بزرگداشت‌ امام‌ حسن‌ قيمت‌ كالا را ارزانتر كرد اما حسن‌ نپذيرفت‌ و آن‌ چيز را نخريد و گفت‌: «من‌ نمي‌خواهم‌ از نسبت‌ و جايگاهي‌ كه‌ نزد پيامبر دارم‌ در چيز بي‌‌ارزشي‌ استفاده‌ كنم‌».**

**امام‌ سجاد : وقتي‌ كه‌ به‌ سفر مي‌رفت‌ خودش‌ را پنهان‌ مي‌نمود تا كسي‌ او را نشناسد و به‌ او چيزي‌ بدون ‌عوض‌ نبخشد و مي‌گفت‌: «من‌ اين‌ را نمي‌پسندم‌ كه‌ نام‌ پيامبر را به‌ چيزهاي‌ مفت‌ بفروشم‌».**

**مي‌گويم‌: به‌ راستي‌ كه‌ امروز انتساب‌ به‌ پيامبر منبع‌ در آمد شده‌ است‌!! بلكه‌ بزرگترين‌ منبع‌ در آمد و وسيله‌اي‌ براي‌ ارتزاق و به‌ دست‌ آوردن‌ ناز و نعمت‌ و خوشگذراني‌ است‌!!!**

**و نشانه‌ها و علامتهاي‌ ويژه‌اي‌ بر خود گذاشته‌اند تا دلالت‌ بر سيد بودن‌ آنها بكند و شناخته‌ شوند. و اگر فراموش‌ كني‌ فردي‌ كه‌ مدعي‌ سيّد بودن‌ است‌ به‌ تو تذكر مي‌دهد كه‌ سيد هستم‌، و اگر كوتاهي‌ بورزي‌ به‌ او و كم‌ بدهي‌ از تو مطالبه‌ مي‌كند! اين‌ عملكرد كجا و سخن‌ باقر : كجا كه‌ فرمود: «هر گاه‌ عالم‌ را ديديد كه‌ ثروتمندان‌ را دوست‌ مي‌دارد پس‌ بدانيد كه‌ او اهل‌ دنياست‌»! و امروزه‌ بيشتر كساني‌ كه‌ ثروتمندان‌ را دوست‌ دارند و خودشان‌ را به‌ آنان‌ نزديك‌ مي‌نمايند علماء هستند به‌ جز تعداد اندكي‌ از آنها كه‌ چنين‌ نيستند!**

**امام‌ صادق چنين‌ صدقه‌ مي‌كرد كه‌ براي‌ فرزندانش‌ هيچ‌ چيزي‌ نمي‌گذاشت‌، و او مانند جدش‌ زين‌ العابدين‌ از بخشيدن‌ و صدقه‌ كردن‌ خوشحال‌ مي‌شد، اما كار خودش‌ را براي‌ ديگران‌ آشكار نمي‌كرد و چون‌ تاريكي‌ همه‌جا را فرا مي‌گرفت‌ كيسه‌اي‌ پر از نان‌ و گوشت‌ و پول‌ به‌ دوش‌ مي‌گرفت‌ و سپس‌ به‌ نزد كساني‌ از اهل‌ مدينه‌ كه نيازمند و مستمند بودند مي‌رفت‌ و به‌ آنان‌ مي‌بخشيد و در حالي‌ كه‌ آنها نمي‌دانستند كه‌ اين‌ فرد كيست‌.**

**و پسرش‌ امام‌ كاظم‌ : در مورد سخاوت‌ و بخشش‌ ضرب‌ المثل‌ بود!**

آنان‌ از دسترنج‌ خودشان‌ مي‌خوردند

**اميرالمؤمنين‌ علي‌ در ايام‌ خلافتش‌ از دسترنج‌ خودش‌ مي‌خورد و در باغي‌ در كوفه‌ كار مي‌كرد.**

**و ائمه‌ اين‌ چنين‌ بودند.**

**امام‌ صادق : مزرعه‌اي‌ داشت‌ و در آن‌ كار مي‌كرد روزي‌ مردي‌ او را سر راه‌ هنگامي‌ كه‌ از مزرعه‌اش‌ در حال‌ برگشتن‌ است‌ و عرق از بدنش‌ سرازير است‌ مي‌بيند و با سخن‌ ناشايستي‌ امام‌ را مورد سرزنش‌ قرار مي‌دهد كه‌ سخن‌ آن‌ مرد او را تحريك‌ مي‌نمايد و مي‌گويد: «براي‌ طلب‌ روزي‌ بيرون‌ آمده‌ام‌ تا از افرادي‌ چون‌ تو بي‌‌نياز باشم‌»([[12]](#footnote-12)).**

**و كليني‌ نيز از ابي‌ حمزه‌ روايت‌ كرده‌ كه‌ گفت‌: ابا الحسن‌ ؛ را ديدم‌ كه‌ در زميني‌ داشت‌ كار مي‌كرد و هر دوپايش‌ كاملاً غرق عرق بود گفتم‌: فدايت‌ بشوم‌ مردان‌ كجا هستند؟ گفت‌: اي‌ علي‌! كسي‌ با دست‌ خودش‌ در زمين‌ خودش‌ كار كرده‌ است‌ كه‌ از من‌ و پدرم‌ بهتر بوده‌ است‌. به‌ او گفتم‌: او كيست‌؟ گفت:‌ پيامبر خدا و اميرالمؤمنين‌ و پدرانم‌ همه‌ با دست‌ خودشان‌ كار مي‌كرده‌اند»([[13]](#footnote-13)).**

**مردي‌ نزد ابي‌ عبدالله ؛ آمد و گفت‌: «از خداوند بخواه‌ و دعا كن‌ كه‌ مرا در نيازمندي‌ روزي‌ بدهد گفت‌: برايت ‌دعا نمي‌كنم‌ به‌ دنبال‌ روزي‌ برو همان‌ طور كه‌ خداوند تو را فرمان‌ داده‌ است‌»([[14]](#footnote-14)).**

فصل‌ دوم‌  
نظام‌ زندگي‌ در اسلام‌

اسلام‌ نظامي‌ فراگير و متوازن‌ است‌

**اسلام‌ نظام‌ بزرگي‌ را براي‌ زندگي‌ ارايه‌ داده‌ است‌ كه‌ فراگير بودن‌ و تعادل‌ و توازن‌ از ويژگيهاي‌ آن‌ است‌، رابطه‌ انسان‌ با پروردگارش‌ و با جامعه‌اش‌ را سامان‌ داده‌ و مرتب‌ كرده‌ است،‌ و همچنين‌ در مورد رابطه‌ انسان‌ با خودش‌ به‌ صورتي‌ كه‌ حقوق خدا و عبادت‌ خدا و حقوق جامعه،‌ و احسان‌ به‌ افراد جامعه‌ و موسسه‌هاي‌ آن‌ را به ‌جا بياورد. نظامي‌ مرتب‌ عرضه‌ كرده‌ است‌ و همچنين‌ حقوق خود انسان‌ و نيازهايش‌ را به‌ صورتي‌ متوازن‌ بيان ‌نموده‌ است‌ كه‌ هيچ‌ طرفي‌ بر طرفي‌ ديگر تعدي‌ نمي‌نمايد، بلكه‌ انسان‌ را چنان‌ مي‌كند كه‌ در ضمن‌ مجموعه‌اي ‌مرتب‌ و منظم‌ و براي‌ خشنودي‌ پرودگارش‌ تلاش‌ مي‌نمايد و به‌ خودش‌ و جامعه‌اش‌ آرامش‌ و زندگي‌ خوب‌ را در دنيا و آخرت‌ مي‌بخشد، و پيامبر بزرگوار ص به‌ همين‌ مطلب‌ اشاره‌ نمود و فرمود: «پروردگارت‌ بر تو حقي‌ دارد و خانواده‌ات‌ بر تو حقي‌ دارد و خودت‌ نيز بر تو حقي‌ دارد». شكي‌ نيست‌ كه‌ دين ما اين‌ امور را بطور مشروح‌ و مفصل‌ بيان‌ نموده‌ است‌. بنابر اين،‌ به‌ پرستش خداوند يگانه‌ و ترك عبادت‌ چيزهاي ‌ديگر غير از خدا و ترك‌ تعلق‌ به‌ كسي‌ ديگر غير از او مانند خواستن‌ و كمك‌ جستن‌ از آن‌ يا قسم‌ خوردن‌ به‌ آن‌ يا اميد داشتن‌ و توكل‌ كردن‌ بر او دستور داده‌ است،‌ و دستور داده‌ كه‌ نبايد در داوري‌ و قانون‌ گذاري‌ و اطاعت‌، به كسي‌ ديگر غير از خداوند رجوع‌ شود و هر آنچه‌ كه‌ جز خدا براي‌ كسي‌ ديگر نبايد انجام‌ شود آن‌ را فقط‌ براي خداوند بايد انجام‌ داد.**

**و خداوند نمازهاي‌ پنجگانه‌ را فرض‌ نموده‌ و اوقات‌ آن‌ را نيز مشخص‌ كرده‌ است،‌ و روزة ماه‌ رمضان‌ و پرداختن ‌زكات‌ اموال‌ و حج‌ كعبه‌ را فرض‌ نموده‌ است،‌ و به‌ ساختن‌ و آباد كردن‌ مساجد دستور داده‌ است‌، و ذكر و تلاوت ‌قرآن‌ و انديشدن‌ در آن‌ و عمل‌ كردن‌ به‌ آن‌ را مشروع‌ نموده‌ است‌، و جهاد در راه‌ خدا و دعوت‌ دادن‌ به‌ سوي‌ خدا را قله‌ بلندي‌ اسلام‌ قرار داده‌ است‌...**

**و خداوند بيان‌ نموده‌ كه‌ اين‌ عبادت‌ بر اساس‌ عمل‌ قلب‌ از قبيل‌ اخلاص‌ و صداقت‌ و فروتني‌ و ترس‌ و محبت‌ و اميد و تفكر و توكل‌ و يقين‌ انجام‌ شوند.**

**و نيز صدقه‌ دادن‌ و نيكي‌ به‌ مردم‌ از قبيل‌ خويشاوندان‌ و يتيمان‌ و بينوايان‌ و مسافران‌ را مشروع‌ نموده‌ است‌. و توصيه‌ نموده‌ كه‌ با همسايه‌ به‌ خوبي‌ رفتار شود و بايد با همه‌ مردم‌ رفتار خوبي‌ داشت‌.**

**و ازدواج‌ را مشروع‌ و آيين‌ زندگي‌ خانوادگي‌ را بنيان‌ نهاده‌ و زنا را حرام‌ كرده‌ است،‌ و حقوق زن‌ و شوهر را در صورت‌ توافق‌ و در صورت‌ اختلاف‌ بيان‌ داشته‌ است،‌ و زن‌ و شوهر را به‌ تربيت‌ درست‌ فرزندان‌ تشويق‌ و تحريك‌ نموده‌ است‌، اما نيكي‌ به‌ پدر و مادر همراه‌ با بزرگترين‌ ركن‌ دين‌ كه‌ توحيد است‌ ذكر شده‌ است‌، همانطور كه‌ خداوند به‌ راستگويي‌ و وفا به‌ عهد و حفظ‌ چشم‌ از نگاه‌ به‌ نامحرم‌ و پاكدامني‌ دستور داده‌ است‌. و در مورد بازار و كسب‌، قوانين‌ وضع‌ نمود. پس‌ خريد و فروش‌ را حلال‌ و ربا و كلاهبرداري‌ و احتكار را حرام‌ كرده‌ است،‌ و مردم‌ را به‌ تسامح‌ و همكاري‌ با يكديگر بر نيكي‌ و تقوا تشويق‌ نموده‌ است، و مسلمان‌ را آموخته‌ كه‌ چگونه‌ خودش ‌را پاكيزه‌ و زيبا كند و چگونه‌ بپوشد و تغذيه‌ نمايد و بخوابد و در كل‌ هيچ‌ چيزي‌ از جزئيات‌ زندگي‌ نيست،‌ مگر اينكه‌ اسلام‌ آن‌ را بيان‌ داشته‌ و قوانيني‌ در مورد آن‌ ارادئه‌ داده‌ است‌، مانند كشاورزي‌ و صنعت‌ و تعليم‌ و بهداشت‌ و ارتش‌... در مورد همه‌ و همه‌ رهنمودهايي‌ ارايه‌ داده‌ است‌.**

**پس‌ هرگاه‌ اين‌ حقوق و واجبات‌ آن‌ گونه‌ كه‌ خداوند خواسته‌ است‌ به‌ جا آورده‌ شوند حالت‌ فرد و جامعه‌ بهبود مي‌يابد و درست‌ مي‌شود، اما وقتي‌ خلل‌ پيش‌ بيايد و توازن و تعادل‌ مذكور به‌ هم‌ بخورد مانند اينكه‌ علاقه‌ها و خواهشات‌ نفس‌ بر حقوق خدا و جامعه‌ طغيان‌ نمايد.**

**يا بر عكس‌ اين‌ صورت‌ بگيرد، آن‌ وقت‌ است‌ كه‌ اين‌ نظام‌ زيبا فاسد مي‌شود و همه‌ چيز به‌ هم‌ مي‌خورد، و جامعه‌ از هم‌ فرو مي‌پاشد و از بين‌ مي‌رود، و خداوند راست‌ فرموده‌ وقتي‌ كه‌ مي‌گويد:** ﮋ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﮊ **(الروم: 41).**

**«**فساد، در خشكى و دريا بخاطر كارهايى كه مردم انجام داده‏اند آشكار شده است**».**

**اسلام‌ وقتي‌ كه‌ اين‌ نظام‌ بزرگ‌ خود را ارايه‌ مي‌دهد از مسلمان‌ مي‌خواهد كه‌ حقوق خدا و حقوق جامعه‌ را به‌ شدت‌ رعايت‌ كند، و اسلام‌ مسلمان‌ را تشويق‌ مي‌نمايد تا به‌ اندازة‌ توانش‌ هر چه‌ بيشتر به‌ اين‌ امور بپردازد، اما از سويي‌ ديگر از مسلمان‌ مي‌خواهد كه‌ ثروت‌ كمتري‌ از متاع‌ دنيا بياندوزد و مسلمان‌ را به‌ زهد و بي‌ علاقگي نسبت‌ به‌ دنيا و عدم‌ فزون‌طلبي‌ و عدم‌ ثروت‌ اندوزي‌ زياد تشويق‌ مي‌نمايد.**

**اينها دو امر كاملاً متضاداند!**

**در حالي‌ كه‌ اسلام‌ را مي‌بينيم‌ كه‌ حق‌ خدا و حق‌ جامعه‌ را به‌ واجبي‌ كه‌ كوتاهي‌ ورزيدن‌ در انجام‌ آن‌ جايز نيست، ‌و به‌ مستحبي‌ كه‌ انجام‌ آن‌ پاداش‌ دارد تقسيم‌ نموده‌، مسلمان‌ را تشويق‌ مي‌نمايد تا آن‌ امر مستحب‌ را هر چه‌ بيشتر انجام‌ دهد.**

**از سويي‌ ديگر، اسلام‌ را مي‌بينيم‌ در قضيه‌اي‌ ديگر بر عكس‌ اين‌ دستور مي‌دهد. به‌ عنوان‌ مثال،‌ اسلام‌ به‌ نماز و روزه دستور داده‌ و تشويق‌ نموده‌ تا نمازهاي‌ نفلي‌ و سنت‌ها هرچه‌ بيشتر خوانده‌ شوند و روزهاي‌ دوشنبه‌ و پنجشنبه‌ روزه‌ گرفته‌ شود، و همچنين‌ اطاعت‌ از پدر و مادر و نيكي‌ به‌ آن‌ها‌ را واجب‌ نموده‌ و زكات‌ را كه‌ حق‌ جامعه‌ است فرض‌ نموده‌ و تشويق‌ نموده‌ تا از اموال‌ و خوراكي‌ها علاوه‌ بر زكات‌ صدقه‌ هم‌ داده‌ شود، بلكه‌ قرباني‌ كردن گوسفند و خوراندن‌ گوشت‌ و نماز را همراه‌ و در كنار هم‌ بيان‌ كرده‌ است،‌ و فرموده‌ است:‌** ﮋ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮊ **(الكوثر: 2).**

**«**پس براي پروردگارت نماز بخوان و قرباني كن**»‌.**

**اما از طرفي‌ ديگر توسعه‌ و فزوني‌ را در خورد و نوش‌ و مسكن‌ و ازدواج‌ را نه‌ از واجبات‌ قرار داده‌ است‌ و نه‌ از مستحبات‌، و بلكه‌ نهايتش‌ اين‌ است‌ كه‌ از مباحاتي‌ كه‌ انجام‌ ندادن‌ و انجام‌ دادن‌ آن‌ برابر است‌، زيرا جمع‌‌آوري‌ و ساختن‌ كاخ‌ها و اندوختن‌ كالاها اموري‌ نيست‌ كه‌ شريعت‌ به‌ آن‌ تشويق‌ كرده‌ باشد و نه‌ آن‌ را ارزشي‌ محسوب ‌نموده‌، و اگر فايدة‌ آن‌ منحصر به‌ خود فرد باشد پاداش‌ براي‌ آن‌ مقرر نداشته‌ است‌، بلكه‌ زماني‌ فرد مستحق‌ پاداش ‌مي‌گيرد كه‌ اموال‌ را ببخشد و با بخشيدن‌ آن‌ ايثار و فداكاري‌ نمايد، نه‌ اينكه‌ آن‌ را انبار نمايد و خودش‌ فقط‌ از آن استفاده‌ كند. و اسلام‌ به‌ حفظ‌ نگاه‌ از نامحرم‌ و پاكدامني‌ دستور داده‌ است،‌ و براي‌ ازدواج‌ هدفي‌ فراتر از استفاده و لذت‌ زودگذر جنسي‌ در نظر گرفته‌ است‌، آيا نمي‌بيني‌ كه‌ خداوند فرموده‌ است‌:** ﮋ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﮊ **(الأحزاب: 41- 42). «**اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! خدا را بسيار ياد كنيد، و صبح و شام او را تسبيح گوييد**».**

ﮋ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠﮡ ﮊ **(التغابن: 15). «**اموال و فرزندانتان فقط وسيلهء آزمايش شما هستند**».**

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﮊ **(الكهف: 46). «**مال و فرزند، زينت زندگى دنياست; و باقيات صالحات (ارزشهاى پايدار و شايسته) ثوابش نزد پروردگارت بهتر و اميدبخش‏تر است**‌».**

**پس‌ خداوند به‌ زياد ذكر نمودن‌ خدا و به‌ پرهيز از مال و‌ فرزند راهنمايي‌ نموده‌ و بيان‌ كرده‌ است‌ كه‌ مال‌ و فرزند كالاي‌ فاني‌ هستند.**

**بنابر اين‌، در مورد عبادت‌ و نيكي‌ با مردم‌ تشويق‌ شده‌ و دستور داده‌ شده‌ كه‌ اين‌ كارها هرچه‌ بيشتر بايد انجام شوند. و در مورد اموال‌ دنيا زهد و قناعت‌ بهتر است‌، و در مورد اول‌ حكم‌ استحباب‌ و وجوب‌ دور مي‌زند، در صورتي‌ كه‌ در مورد دوم‌ مسئله‌، مسئلة‌ مباح‌ بودن‌ و مكروه‌ بودن‌ است‌.**

**و در مورد اول‌ خط‌ همواره‌ بالاست‌، و در مورد دوم‌ پايين‌ است‌ كه‌ گاهي‌ در گناه‌ و حرمت‌ پايين‌ مي‌آيد. اين‌ نظام‌ اسلام‌ است‌ كه‌ خداوند آن‌ را براي‌ بندگانش‌ پسنديده‌ است‌. و علاوه‌ از اين،‌ هر چه‌ هست‌ قوانين و اجتهادشان‌ مي‌باشد.**

نظامي‌ كه‌ تدين‌ وارداتي‌ بر اساس‌ آن‌ استوار است

**بعد از ملاحظه‌ و مناقشه‌ طولاني‌ به‌ حقيقت‌ تلخي‌ دست ‌يافتم‌، و آن‌ اينكه‌ تديني‌ كه‌ امروزه‌ ما داريم‌ كاملاً با نظام‌ زيباي‌ الهي‌ متفاوت‌ است‌!!**

**و آن‌ را در يك‌ جمله‌ اگر خلاصه‌ كنيم‌ اينطور بايد گفت‌ كه‌ تدين‌ ما ديني‌ است‌ ديگر كه‌ بر اساس‌ اهتمام‌ ورزيدن‌ به‌ خواهشات‌ نفس‌ و علاقه‌هاي‌ انسان‌ از قبيل‌ مال‌ و جنس‌ و كالاهاي‌ بي‌‌ارزش‌ دنيوي‌ استوار است،‌ و تلاش‌ آن‌ بر همين‌ نقطه‌ متمركز مي‌باشد. اين‌ تدين‌ عوضي‌ و غير واقعي‌ به‌ حد وحشتناكي‌ از اضطراب‌ و اختلال‌ در اين‌ نظام‌ رسيده‌ است، ‌لذت‌ها و منافع‌ شخصي‌ به‌ طرز فجيعي‌ بر حقوق خدا و جامعه‌ چيره‌ شده‌ است‌، و امكان‌ ندارد كه‌ فرد عاقلي‌ در آن‌ بيانديشد و به‌ يقين‌ درك‌ نكند كه‌ اين‌ مذهب‌ آن‌ تشيع‌ اصلي‌ و واقعي‌ نيست‌، و اصلاً در عقل‌ نمي‌گنجد كه‌ ديني ‌كه‌ خداوند از آسمان‌ فرستاده‌ است‌ همين‌ باشد، و اگر ستمگرانه‌ كلمه‌ تشيع‌ بر اين‌ مذهب‌ اطلاق شود بايد به‌ آن كلمه‌ غير واقعي‌ را هم‌ بيافزاييم‌ تا دامان‌ تشيع‌ اصلي‌ و واقعي‌ را از آن‌ پاك‌ كنيم‌. و تشيع‌ غير واقعي‌ را مي‌توان‌ در اين‌ عبارت‌ خلاصه‌ كرد (ديني‌ است‌ كه‌ در مورد عبادت‌ و احسان‌ بر اساس‌ محدوديت‌ و تنگ‌ نمودن‌ دايره‌ اين‌ دو چيز استوار است‌ و در امور مال‌ اندوزي‌ و جنسي‌ بر آزادي‌ و عدم‌ محدوديت‌ مبتني‌ است‌)!!! و امكان‌ ندارد كه‌ اين‌ دين‌ آيين‌ اهل‌ بيت‌ باشد، و اشتباه‌ است‌ كه‌ اين‌ را ما تشيع‌ بناميم‌.**

**و بسياري‌ از بزرگان‌ تشيع‌ غير واقعي‌ بين بسياري‌ از عبادتهاي‌ شرعي‌ يا غير شرعي‌ و بين‌ خوردن‌ و نوشيدن‌ و مال‌اندوزي‌ و استفاده‌ جنسي‌ ربط‌ داده‌اند! و دروازه‌ ورود به‌ دايره‌ حرام‌ را كاملاً گشوده‌اند، بعد از اينكه‌ زمينه‌ آماده‌ و مناسب‌ براي‌ اين‌ امر بوده‌ است،‌ و موانع‌ از انجام‌ چنين‌ كاري‌ يا ضعيف‌ بوده‌اند يا اصلاً موانعي‌ سر راه‌ نبوده‌ است‌، و از طرفي‌ راهها و ابزارهايي‌ كه ‌به‌ حرام‌ برساند فراوان‌ بوده‌اند! بويژه‌ اينكه‌ آنها توانسته‌اند پيروانشان‌ را بفريبند كه‌ بزرگترين‌ منكرات‌ با ساده‌ترين‌ اسباب‌ و پوچ‌ترين‌ عذرها بخشيده‌ مي‌شوند.**

**و اينچنين‌....، به‌ صورت‌ نتيجه‌ قطعي‌، چنين‌ حالتي‌ امور جنسي‌ واقعيت‌ زندگي‌ گرديده و تا جايي‌ كه‌ توانسته‌اند عبادت‌ را بر اساس‌ مال‌‌اندوزي‌ و امور جنسي‌ و فزوني‌ در آن‌ و بر اساس‌ حذف‌ آنچه‌ كه‌ حذفش‌ ممكن‌ بوده‌ و اختصار آنچه‌ از فرائض‌ ديني‌ كه‌ اختصارش‌ ممكن‌ بوده‌ است‌ و تخفيف‌ در آن‌ يا تبديل‌ آن‌ دامي‌ براي‌ شكار مال ‌و استفاده‌ جنسي‌ قرار داده‌اند.**

**پس‌ مي‌بينيم‌ كه‌ در تشيع‌ غير واقعي‌ بر مال‌‌اندوزي‌ و استفاده‌ جنسي‌ محدوديتي‌ نيست،‌ و از طرفي‌ مي‌بينيم‌ كه در ‌عبادت‌ و احسان‌ بخش‌هايي‌ حذف‌ شده‌، و دايرة آن‌ تنگ‌ و محدود گرديده‌ است‌!! اين‌ است قاعده‌ و قانون‌ تشيع‌ غيرواقعي،‌ اين‌ قاعده‌ را خوب‌ به‌ ياد داشته‌ باشيد و اينك‌ مي‌رويم‌ تا در باب‌ دوم‌ آنچه‌ را كه‌ به‌ طور خلاصه‌ برايت بيان‌ نمودم‌ به‌ صورت‌ مشروح‌ و مفصلاً بگويم‌.**

باب‌ دوم  
‌روش‌ غير واقعي‌ و عوضي‌... وضعيت‌ فاسد

**فصل‌ اول‌: توحيد از ايمان‌ تا اعتياد**

فصل‌ اول‌: توحيد از ايمان‌ تا اعتياد

**درخششهايي‌ از گوهرهاي‌ قرآني‌:** ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮊ **(الزمر: 22-23).**

**«**آيا كسى كه خدا سينه‏اش را براى اسلام گشاده است و بر فراز مركبى از نور الهى قرار گرفته (همچون كوردلان گمراه است؟!) واى بر آنان كه قلبهايى سخت در برابر ذكر خدا دارند! آنها در گمراهى آشكارى هستند**.** خداوند بهترين سخن را نازل كرده، كتابى كه آياتش (در لطف و زيبايى و عمق و محتوا) همانند يكديگر است; آياتى مكرر دارد (با تكرارى شوق‏انگيز) كه از شنيدن آياتش لرزه بر اندام كسانى كه از پروردگارشان مى‏ترسند مى‏افتد; سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذكر خدا مى‏شود; اين هدايت الهى است كه هر كس را بخواهد با آن راهنمايى مى‏كند; و هر كس را خداوند گمراه سازد، راهنمايى براى او نخواهد بود»**.‌**

**در آنچه‌ اين‌ آيه‌ به‌ تصوير مي‌كشد بيانديش،‌ سپس‌ ميان‌ تصويري‌ كه‌ آيه‌ ديگر ارائه‌ مي‌دهد مقايسه‌ كن‌ تا ببيني‌ ما كه‌ به‌ كدام‌ يك‌ نزديكتر هستيم‌.**

ﮋ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﮊ. **(الزمر: 45). «**هنگامى كه خداوند به يگانگى ياد مى‏شود، دلهاى كسانى كه به آخرت ايمان ندارند مشمئز (و متنفر) مى‏گردد; اما هنگامى كه از معبودهاى ديگر ياد مى‏شود، آنان خوشحال مى‏شوند**».**

**آن‌ كساني‌ كه‌ به‌ جاي‌ خدا ياد مي‌شوند چه‌ كساني‌ هستند؟**

**آنها:** ﮋ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﮊ **(النجم: 19-20) «**(اى مشركان) به من خبر دهيد آيا بتهاى (كه آنها را عبادت مى‏كنيد) «لات‏» و «عزى‏». و «منات‏» كه سومين آنهاست (به شما نفع و ضررى رسانيده‏اند تا شريك خدا باشد)؟**»‌.**

**كساني‌ كه‌ خداوند در مورد آنها گفته‌ است‌:** ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﮊ **(النجم:27). «**كسانى كه به آخرت ايمان ندارند، فرشتگان را دختر (خدا) نامگذارى مى‏كنند**».**

**وقتي‌ مشركين‌ معتقدند كه‌ فرشتگان‌ دختران‌ خدا هستند و آنها را شفيع‌ و واسطه‌ قرار مي‌دهند و آنها را صدا مي‌زنند يا خداوند را بنام‌ آنها به هنگام‌ خوشي‌ صدا مي‌زنند و از ذكر آنها شاد مي‌شوند طوري‌ كه‌ اگر ياد خداوند شود به‌ آن‌ اندازه‌ خوشحال‌ نمي‌شوند.**

**وقتي‌ كه‌ اين‌ شرك‌ ورزيدن‌ به‌ خدا است‌ پس‌ چه‌ فرقي‌ دارد با اينكه‌ كسي‌ هنگام‌ ذكر و ياد و بود انسان‌هاي‌ صالح بيشتر از هنگام‌ ياد شدن‌ خدا شاد شود؟!**

**آيا مگر گريه‌ و فروتني‌ها در كنار ضريح‌ها و آرامگاهها بيشتر از فروتني‌ و گريه‌ ما در حضور خدا و در خانه‌‌هايش و در مساجدش‌ و هنگام‌ خواندن‌ كتابش‌ و گوش‌ فرادادن‌ به‌ كلامش‌ نيست‌؟!**

ﮋ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮊ **(الأنفال: 2-4). «**مؤمنان، تنها كسانى هستند كه هرگاه نام خدا برده شود، دلهاشان ترسان مى‏گردد; و هنگامى كه آيات او بر آنها خوانده مى‏شود، ايمانشان فزونتر مى‏گردد; و تنها بر پروردگارشان توكل دارند.آنها كه نماز را برپا مى‏دارند; و از آنچه به آنها روزى داده‏ايم، انفاق مى‏كنند. (آرى،) مؤمنان حقيقى آنها هستند; براى آنان درجاتى (مهم) نزد پروردگارشان است; و براى آنها، آمرزش و روزى بى‏نقص و عيب است**».**

ﮋ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﮊ. **(الزمر: 67).**

**«**آنها خدا را آن گونه كه شايسته است نشناختند، در حالى كه تمام زمين در روز قيامت در قبضه اوست و آسمانها پيچيده در دست او; خداوند منزه و بلندمقام است از شريكيهايى كه براى او مى‏پندارند**».**

ﮋ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓﮔﮊ**. (فصلت: 6- 7).**

**«**واى بر مشركان! همانها كه زكات را نمى‏پردازند، و آخرت را منكرند**».**

ﮋ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﮊ. **(التوبه: 31). «**(آنها) دانشمندان و راهبان خويش را معبودهايى در برابر خدا قرار دادند**».**

**آنچه‌ در آيه‌ ذكر شده‌ كه‌ علماء و دانشمندان‌ خود را به‌ خدايي‌ گرفته‌ بودند، يعني‌ از آنها اطاعت‌ مي‌كردند، نه اينكه‌ بگويند: آنها ما را آفريده‌اند، زيرا هيچ‌ يهودي‌ و مسيحي‌ در دنيا بر اين‌ عقيده‌ نيست‌ كه‌ عالم‌ و دانشمند او را آفريده‌ است‌، بلكه‌ از آن‌ بدون‌ چون‌ و چرا به‌ طور مطلق‌ اطاعت‌ مي‌نمايند، همان‌ طور كه‌ از خدا اطاعت‌ كرده مي‌شود و اموال‌ خود را تقديم‌ به‌ عالم‌ و روحاني‌ خود مي‌نمايند، پس‌ اين‌ روحانيون‌ و علماء عقل‌ و مال‌ او را از دستش‌ گرفته‌اند همانطور كه‌ خداوند فرموده‌ است‌:** ﮋ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀﮁﮊ**. (التوبه: 34). «**اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! بسيارى از دانشمندان (اهل كتاب) و راهبان، اموال مردم را بباطل مى‏خورند، و (آنان را) از راه خدا بازمى‏دارند**».**

**با اينكه‌ خداوند مي‌گويد:** ﮋ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮊ. **(يـس: 21) «**از كسانى پيروى كنيد كه از شما مزدى نمى‏خواهند**».**

**و فرموده‌ است‌:** ﮋ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ **(الأحزاب: 66- 67). «**در آن روز كه صورتهاى آنان در آتش (دوزخ) دگرگون خواهد شد (از كار خويش پشيمان مى‏شوند و) مى‏گويند: اى كاش خدا و پيامبر را اطاعت كرده بوديم! و مى‏گويند: پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت كرديم و ما را گمراه ساختند**».**

ﮋ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄﮅ ﮆ ﮇ ﮈﮉ ﮊ **(النور: 30). «**به مؤمنان بگو چشمهاى خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگيرند، و عفاف خود را حفظ كنند; اين براى آنان پاكيزه‏تر است**»‌.**

ﮋ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞﮟ ﮊ**....** ﮋ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﮊ**. تا آخر توصيه‌هايي‌ كه‌ در سوره‌ اسراء، آيه‌هاي‌ (23 - 26) آمده‌ است‌.**

ﮋ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﮊ (الفاتحه: ٥). **«تنها تو را مي‌پرستيم‌ و تنها از تو ياري‌ مي‌جوييم»‌.**

**خداوند دستور مي‌دهد تا تنها از او ياري‌ جسته‌ شود دقيقاً همانطور كه‌ فرمان‌ مي‌دهد كه‌ تنها او پرستش‌ كرده شود، و اين‌ اصل‌ و قاعده‌اي‌ است‌ كه‌ سخن‌ حضرت‌ علي بر پايه‌ آن‌ قرار دارد كه‌ فرمود: (هر كس‌ به‌ غير از خدا از كسي‌ ديگر كمك‌ بجويد خوار مي‌شود).**

**و خداوند فرموده‌ است‌:** ﮋ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﮊ **(غافر: 60). «**مرا بخوانيد تا (دعاى) شما را بپذيرم**».**

ﮋ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮊ. **(الجـن: 18). «**پس هيچ كس را با خدا نخوانيد**».**

ﮋ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲﭳ ﮊ **(الحديد: 4). «**و هر جا باشيد او (با علم خود) با شما است**».**

ﮋ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﮊ. **(ق: 16). «**و ما به او از شاه‌رگ‌ خوني‌ گردن ‌است‌ كه‌ به‌ قلب‌ متصل‌ مي‌باشد نزديكتريم**»‌.**

**تا هر كس‌ را كه‌ دست‌ نياز به‌ غير از خدا دراز كرده‌ يا كسي‌ غير از خدا را مي‌خواند و در سختي‌ها از او كمك‌ مي‌طلبد يا تصور مي‌نمايد كه‌ او از خدا نزديك‌تر است‌ و زودتر دعايش‌ را مي‌پذيرد يا اينكه‌ بر اين‌ باور باشد كه خداوند دور است‌ و بايد كسي‌ را ميان‌ خود و او واسطه‌ كنيم‌ رد نمايد.**

ﮋ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴﯵ ﮊ **(البقره: 186). «**و هنگامى كه بندگان من، از تو در باره من سؤال كنند، (بگو:) من نزديكم! دعاى دعا كننده را، به هنگامى كه مرا مى‏خواند، پاسخ مى‏گويم**»‌.**

**اين‌ است‌ سيماي‌ زيباي‌ توحيد و ايمان‌ دعاي دعاكننده را هنگامي كه مرا به دعا بخواند مي‌پذيرم و در مقابل‌ آن‌ صورت‌ زشت‌ شرك‌ و كفر قرار دارد.**

**توحيد وابسته‌ شدن‌ به‌ خداي‌ يگانه‌ است،‌ و توحيد است‌ كه‌ اين‌ ثمرات‌ زيبا را به‌ بار مي‌آورد و به‌ مسلمان شخصيت‌ تازه‌اي‌ مي‌بخشد كه‌ پاكدامني‌ و حيا و فداكاري‌ و بخشش‌ در شخصيت‌ او مي‌درخشد. و برعكس‌ اين، ‌شرك‌ يعني‌ بريدن‌ از خدا و دست‌ به‌ دامان‌ كسي‌ ديگر شدن‌، هر چند كه‌ آن‌ فرد غير از خدا كه‌ مشرك‌ دست‌ به ‌دامان‌ او شده‌ فرشته‌ باشد، يا پايين‌تر از فرشته‌ باشد. و شرك‌ برعكس‌ توحيد، سيما و چهره‌اي‌ درهم‌ كشيده‌ است ‌و ميوه‌هاي‌ كال‌ و تلخي‌ به‌ بار مي‌آورد، و شرك‌ يعني‌ رسوايي‌ و زشتي‌ و تلاش‌ بدون‌ نتيجه‌، و شرك‌ يعني‌ حيرت‌ و سرگرداني‌ در آسمان‌ خيالات‌ و لذت‌هاي‌ زودگذر به‌ دور از خدا و مصلحت‌ جامعه.‌**

**و اكنون...‌ پس‌ از اين‌ نگاه‌ تند و گذرا و عبور از ميان‌ نشانه‌هاي‌ برنامه‌ قرآني‌ به بررسي‌‌ اين‌ تديّن‌ عوضي‌ و غيرواقعي‌ كه‌ همه‌ روزه‌ به‌ صورت ‌طبيعي‌ به‌ آن‌ مشغوليم‌ بدون‌ از اينكه‌ مورد اعتراض‌ قرار بگيريم،‌ ديني‌ كه‌ ما بر اين‌ باور هستيم‌ كه‌ اين‌ دين‌ آيين اهل‌ بيت‌ است‌ مي‌پردازيم‌ تا ببينيم‌ در آن‌ چه‌ هست‌؟!!!**

در خدمت‌ مال‌ اندوزي‌

**رابطه‌ با خدا به‌ شدت‌ ضعيف‌ شده‌ است‌ به‌ صورتي‌ كه‌ خداوند بسيار اندك‌ ياد مي‌شود! و در اين‌ ياد اندكي‌ كه از خدا مي‌شود اين‌ كار جز با واسطه‌ و شفاعت‌ انجام‌ نمي‌شود!**

برابر قرار دادن‌ خداوند با پيامبر ص و ائمه‌ ﻹ!

**هر يك‌ از ما اگر به‌ بررسي‌ قلبش‌ بپردازد احساس‌ خواهد كرد كه‌ وابستگي‌ و توكل‌ او بر واسطه‌ها و شفاعت‌كنندگان‌ بيشتر از تعلق‌ و توكل‌ او بر خداست،‌ اين‌ هم‌ در صورتي‌ است‌ كه‌ در اين‌ وسط‌ از خداوند يادي بشود و به‌ طور كلي‌ به‌ فراموشي‌ سپرده‌ نشود.**

**آن‌ كس‌ كه‌ صدا زده‌ مي‌شود، و از او كمك‌ جسته‌ مي‌شود، و بخشنده‌ و شفادهنده،‌ و كسي‌ كه‌ به‌ درمانده‌ پاسخ‌ مي‌‌دهد، و بدي‌ را دور مي‌نمايد، و غم‌ها و رنج‌ها را دور مي‌كند، و مشكلات‌ را حل‌ مي‌نمايد، و خواسته‌ها را اجابت‌ مي‌نمايد، و صداها و دعاها را مي‌شنود خود خداوند نيست‌! بلكه‌ حتماً بايد واسطه‌ها در ميان‌ باشند و بايد شفاعت‌ كنندگان‌ دخالت‌ داشته‌ باشند، و بسا همين‌ واسطه‌ها و شفاعت‌ كنندگان‌ به‌ طور مستقيم‌ صدا زده‌ مي‌شوند بدون‌ اينكه‌ به‌ خدا رجوع‌ شود!!**

**آنچه‌ بيش‌ از همه‌ بر اين‌ مدعا دلالت‌ مي‌نمايد اين‌ است‌ كه‌ هرگاه‌ يكي‌ از اين‌ افراد در سختي‌ و مشكل‌ قرار مي‌گيرد، اولين‌ چيزي‌ كه‌ به‌ زبانش‌ مي‌آيد (امام‌) و (ولي‌) است‌، و (الله) به‌ زبانش‌ نمي‌آيد. كاري‌ كه‌ مشركين نخستين‌ نمي‌كردند، زيرا آنها چنين‌ بودند كه:‌** ﮋ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﮊ **(العنكبوت: 65). «**هنگامى كه بر سوار بر كشتى شوند، خدا را با اخلاص مى‏خوانند (و غير او را فراموش مى‏كنند)**».**

**و خداوند در مورد آنها فرموده‌ است‌:** ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﮊ. **(الإسراء: 67). «**و هنگامى كه در دريا ناراحتى به شما برسد، جز او، تمام كسانى را كه (براى حل مشكلات خود) مى‏خوانيد، فراموش مى‏كنيد; اما هنگامى كه شما را به خشكى نجات دهد، روى مى‏گردانيد; و انسان، بسيار ناسپاس است**».**

**حتي‌ برخي‌ از عوام‌ شيعه‌ از عقيدة‌ خود دفاع‌ مي‌كنند و مي‌گويند: «صبر خداوند طولاني‌ است‌» و «صبر خدا چهل‌ سال‌ است‌» يعني‌ كي‌ اجابت‌ مي‌نمايد در صورتي‌ كه‌ دچار مشكل‌ شده‌ايم‌ و نبايد دير شود؟!**

**اما فراموش‌ كرده‌اند كه‌ خداوند نزديك‌ است‌ و اجابت‌ كننده‌ است،‌ بلكه‌ خداوند به‌ آنها از شاهرگ‌ گردن‌ هم نزديكتر است‌ و هرگاه‌ او چيزي‌ بخواهد** ﮋﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴﮊ **(يس: 82). ‌«**فرمان او چنين است كه هرگاه چيزى را اراده كند، تنها به آن مى‏گويد: «موجود باش!»، آن نيز بى‏درنگ موجود مى‏شود**».**

**اما «ولي‌» كه‌ كلمه‌اي‌ است‌ كه‌ اغلب‌ به‌ صاحب‌ قبر يا زيارتگاه‌ گفته‌ مي‌شود، به‌ باور آنها آنچه‌ مي‌خواهند به‌ آنها مي‌بخشد، و در هر وقت‌ دعاي‌ بندگان‌ را اجابت‌ مي‌كند بدون‌ اينكه‌ آنها را منتظر بگذارد يا در اجابت‌ تأخير كند.**

**و هر گاه‌ كسي‌ را خدا حافظي‌ كنند مي‌گويند: «خدا و محمد و علي‌ به‌ همراهت‌» با اينكه‌ اگر از اول‌ تا آخر قرآن‌ را بررسي‌ كنيد خواهي‌ يافت‌ كه‌ هيچ كس‌ در هر وقت‌ همراه‌ تو نمي‌تواند باشد جز خدا كه‌ همواره‌ با شماست،‌ نه‌ محمد و علي،‌ و نه‌ كسي‌ ديگر غير از آنها مي‌تواند همراهتان‌ باشد.**

ﮋ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵﭶ ﮊ **(المجادله: 7). «**هيچ گاه سه نفر با هم نجوا نمى‏كنند مگر اينكه خداوند چهارمين آنهاست، هيچگاه پنج نفر با هم نجوا نمى‏كنند مگر اينكه خداوند ششمين آنهاست، و نه تعدادي كمتر و نه بيشتر از آن، مگر اينكه او همراه آنهاست هرجا كه باشند**».**

**اين‌ كسي‌ كه‌ خداوند از او در اين آيه‌ به‌ «هو» (او) تعبير مي‌نمايد كيست‌؟ آيا آن‌ جز خدا كسي‌ ديگر است‌؟!!**

**آيا اين‌ آيه‌ كه‌:** ﮋ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﮊ **(يوسف: 106). «**و بيشتر آنها كه مدعى ايمان به خدا هستند، مشركند**».**

**كاملاً بر اين‌ حالت‌ تطبيق پيدا نمي‌كنند؟!**

نگهبان‌ كيست‌؟

**سؤالي‌ است‌ شايد شگفت‌انگيز و ناآشنا! اما در اين‌ وضعيت‌هايي‌ كه‌ همه‌ روزه‌ من‌ و تو مشاهده‌ مي‌كنيم‌ بيانديش.‌**

**براي‌ تشييع‌ جنازه‌اي‌ به‌ نجف‌ رفتيم‌، وقتي‌ داشتم‌ وارد صحن‌ مرقد امام‌ علي‌ مي‌شدم‌ آب‌ فروشي‌ كه‌ ليوان به‌ دست‌ و آب‌ مي‌فروشيد به‌ من‌ گفت‌: «امام‌ علي‌ نگهبان‌ تو و تو را حفاظت‌ كند». من‌ به‌ او ـ در حالي‌ كه‌ همه‌ را مورد خطاب‌ قرار مي‌دادم‌ ـ گفتم‌: آيا شما مسلمان‌ نيستيد؟! آيا سخن‌ خداوند را در قرآن‌ نخوانده‌ايد كه‌ فرموده‌ است‌:** ﮋﭝ ﭞ ﭟﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﮊ. **(يوسف: 64). «**خداوند بهترين حافظ، و مهربانترين مهربانان است**‌».**

**سوالي‌ است‌ شايد شگفت‌انگيز و ناآشنا! اما در اين‌ وضعيت‌‌هايي‌ كه‌ همه‌ روزه‌ من‌ و تو مشاهده‌ مي‌كنيم ‌بيانديش‌:**

**مردي‌ سوار ماشينم‌ شد و گفت:‌ (يا علي‌)، و چون‌ كاملاً در جاي‌ خود نشست‌ شروع‌ به‌ توضيح‌ مسئله‌ استغاثه‌ و كمك‌ جستن‌ براي‌ او نمودم، و برايش‌ توضيح‌ دادم‌ كه‌ فقط‌ بايد از خدا ياري‌ و كمك‌ جست‌، اما اهل‌ بيت‌ كه ما آن‌ها را دوست‌ داريم‌ و آنان‌ را الگو و پيشواي‌ خود مي‌دانيم،‌ اما آنها را به‌ فرياد نمي‌خوانيم‌ و صدا نمي‌زنيم‌، و جايز نيست‌ كه‌ از آنها كمك‌ و ياري‌ بجوييم‌. او بر آنچه‌ مي‌گفتم‌ توافق‌ كرد و پذيرفت،‌ اما وقتي‌ پياده‌ شد و از من‌ تشكر كرد و در آخر گفت‌: (پيامبر به‌ همراهت‌ و تو را حفاظت‌ نمايد) در حالي‌ كه‌ لبخند مي‌زدم‌ با خودم‌ گفتم:‌ من‌ كاري ‌انجام‌ ندادم‌!**

نامهاي‌ ما يعني‌ پرستش‌ غيرالله

**حتي‌ نامهاي‌ ما بر ضعيف‌ بودن‌ تعلق‌ ما به‌ خدا و شدت‌ وابستگي‌ ما با واسطه‌ها دلالت‌ مي‌نمايد، عبدالحسين‌ و عبدالزهراء و عبدعلي‌ و عبدالرضا و عبدالكاظم‌ بلكه‌ عبدالسادة‌ و عبدالأئمة و عبدالكل‌ و عبدالإخوة‌ از عبدالله و عبدالرحمن‌ و عبدالرزاق بيشتر رواج‌ دارند تا جايي‌ كه‌ اثري‌ از نامهاي‌ عبدالله و عبدالرحمن‌ و عبدالرزاق با اينكه‌ از پسنديده‌ترين‌ نامها به‌ نزد خدا هستند در ميان‌ نامهاي‌ عبدالحسين‌ و.... باقي‌ نمانده‌ است‌.**

**بلكه‌ ممكن‌ است‌ كه‌ فردي‌ كه‌ اسمش‌ عبدالرحمن‌ يا عبدالرزاق است‌ او را رحمان‌ و رزاق صدا بزنند!!**

**اما عبدالحسين‌ و عبدالرضا را هرگز حسين‌ و رضا صدا نخواهند زد، و مي‌بيني‌ كه‌ تلفظ‌ عبدالحسين‌ يا عبدعلي‌ بر زبانها از تلفظ‌ عبدالرحمن‌ يا عبدالرزاق آسان‌تر است،‌ تا جايي‌ كه‌ اين‌ عادي‌ است‌ كه‌ در اسم‌ فردي‌ نام‌ خدا تنها آورده‌ شود و نام‌ مخلوق همراه‌ با عبد ذكر شده‌ باشد مثل‌ (كريم‌ عبدالرضا) به‌ جاي‌ (عبدالكريم‌ يا عبدالرضا) بگو و اگر بخواهند (عبدالجليل‌ عبدالحسين‌) را مختصر كنند مي‌گويند: جليل‌، عبدالحسين‌).**

**و يكي‌ از تناقضات‌ اين‌ است‌ كه‌ همه‌ نامهاي‌ ائمه‌ را به‌ صورت‌ معرفه‌ همراه‌ با (ال‌) ذكر مي‌كنند به‌ جز نام‌ علي‌ مثلاً گفته‌ مي‌شود: عبدالحسين،‌ اما عبدالعلي‌ گفته‌ نمي‌شود، زيرا عبدالعلي‌ يعني‌ بنده‌ خدا، بنابراين‌ مي‌گويند: عبدعلي‌ تا تاكيد كنند كه‌ بندگي‌ و عبوديت‌ براي‌ غير از خداوند است‌!!**

**يكي‌ از دوستانم‌ صاحب‌ فرزند پسري‌ شده‌ بود، و آن‌ هم‌ بعد از يك‌ انتظار طولاني‌ و بعد از اينكه‌ سالها چشم‌ براه به‌ دنيا آمدن‌ پسري‌ براي‌ خودش‌ بود، او اسم‌ پسرش‌ را عبدالوهاب‌ گذاشت‌ به‌ تفاءل‌ از كلمة‌ وهاب‌ همان‌ طور كه‌ ابراهيم‌ ؛ گفت‌:** ﮋ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛﮊ. **(إبراهيم: 39). «**حمد خداى را كه در پيرى، اسماعيل و اسحاق را به من بخشيد**». و هنگامي‌ كه‌ زن‌ همسايه‌ پيش‌ آنها آمد تا به‌ آنها تبريك‌ بگويد، از اين‌ اسم‌ (عجيب‌ و غريب‌) حيرت‌ زده‌ شد و شگفت‌زدي‌ خود را چنين‌ ابراز نمود: آيا اسم‌ ديگري‌ غير از اين‌ اسم‌ نيافتيد؟! اسمش‌ بگذاريد حيدر يا حسين‌!!**

حور و نذرها

**«ائمه»‌ چه‌ زيادند! زيرا درست‌ كردن‌ امام‌ به‌ چيزي‌ بيش‌ از ساختن‌ يك‌ ضريح‌ مكعب‌، پرده‌ها و گنبدها آن‌ را پوشانده‌اند نياز ندارد، و بايد همه‌ اين‌ ضريح‌ها به‌ خطوط‌ ارتباطي‌ نزديك‌ باشند! و ائمه‌ داراي‌ خادمان‌ و پرده‌داران‌ و متولياني‌ هستند. و اين‌ خيلي‌ مهم‌ است‌ كه‌ مسئوليت‌ امور ساخت‌ و ساز و نگهداري‌ گنبدهايشان‌ را به‌ عهده‌ دارند** ﮋ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﮊ **(يس: 75). «**و اين (عبادت‏كنندگان در قيامت) لشكرى براى آنها خواهند بود**».**

**فكر كن‌! (امام‌) به‌ كسي‌ نياز دارد كه‌ از او نگهباني‌ و پاسداري‌ مي‌نمايد و برعكس‌ نيست‌! و اين‌ متوليان‌ و پرده‌داران‌ از طريق‌ همين‌ كار اموال‌ هنگفتي‌ به‌ دست‌ مي‌آورند كه‌ به‌ صورت‌ نقدي‌ يا حيواناتي‌ كه‌ براي‌ امام‌ ذبح‌ مي‌شوند و نذرهايي‌ كه‌ به‌ امام‌ داده‌ مي‌شوند به‌ دست‌ اينها سپرده مي‌شود. و همه‌ وساطت‌‌هايي‌ كه‌ امام‌ مي‌كند مشروط‌ بر اين‌ است‌ كه‌ اموال‌ و نذرهايي‌ داده‌ شود و گوسفندهايي‌ براي‌ امام‌ قرباني‌ گردد، و امكان‌ ندارد كه‌ وساطت‌ يا شفاعتي‌ بدون‌ پرداخت‌ اموال‌ انجام‌ گيرد و راهي‌ براي‌ رسيدن‌ به‌ خدا به‌ جز با وساطت‌ و شفاعت‌ وجود ندارد!**

**حتي‌ بزرگترين‌ سوگند و قسم‌ همان‌ است‌ كه‌ در بارگاه‌ امام‌ انجام‌ شود، و هر كسي‌ مي‌تواند صدبار به‌ دروغ‌ به‌ خدا قسم‌ بخورد، اما نبايد حتي‌ يكبار به‌ امام‌ به‌ دروغ‌ قسم‌ بخورد به‌ ويژه‌ وقتي‌ كه‌ در بارگاه‌ يا مزار و در كنار ضريح امام‌ باشد! و اين‌ چيزي‌ است‌ كه‌ حتي‌ مشركان‌ جاهليت‌ نخستين‌ به‌ آن‌ نرسيده‌ بودند زيرا مشركان‌ جاهليت ‌نخستين‌ وقتي‌ سوگند را به‌ طور موكد بيان‌ مي‌كردند به‌ خدا قسم‌ مي‌خوردند، آن‌ چنان‌ كه‌ خداوند از آنها خبر داده‌ است‌ و فرموده‌ است‌:** ﮋ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓﯔﮊ. **(فاطر: 42). «**آنان با نهايت تاكيد به خدا سوگند خوردند كه اگر پيامبرى انذاركننده به سراغشان آيد، هدايت يافته‏ترين امتها خواهند بود**».**

**زيارت‌ها پايان‌ نمي‌پذيرد، زيرا در طول‌ سال‌ مناسبت‌ها و مراسمي‌ براي‌ آن‌ قرار داده‌اند، اگر چه‌ در بعضي‌ مواقع و در برخي‌ مناسبت‌ها شدت‌ مي‌يابد، و در برخي‌ مناسبت‌ها از شدت‌ آن‌ كاسته‌ مي‌شود. مثلا ماه‌ محرم‌ تا پايان صفر موسم‌ زيارت‌ است‌. و عاشورا، چه‌ مي‌داني‌ كه‌ عاشورا چيست‌! و ايام‌ عيدها به‌ خصوص،‌ و روز عرفه‌ همه اينها ‌مناسبت‌هايي‌اند براي‌ زيارت‌ ائمه‌.**

**و اين‌ روز، روز ولادت‌ فلاني‌ است،‌ و فلان‌ روز، روز وفاتش‌ يا روز كشته‌شدنش‌ مي‌باشد، و اين‌ روز، روزي‌ رجبيه‌، و آن‌ روز شعبانيه‌ است،‌ و اين‌ سالگرد است،‌ و اين‌ سال‌ فارسي‌ روز 21 آذر است‌، و روز نوروز كه‌ شب‌ آن‌ به افروختن‌ آتش‌ زنده‌ نگاه‌ داشته‌ مي‌شود، اما سال‌ اسلامي‌ هجري‌ قمري‌ با نوحه‌سرايي‌ و سياه‌ پوشيدن‌ به استقبالش‌ مي‌رويم‌!**

**و مناسبت‌ها از بس‌ كه‌ زيادند نمي‌توان‌ آن‌ را شمرد! به‌ اضافه‌ غروب‌ هر جمعه‌اي‌ كه‌ مناسبت‌ هفتگي‌ است همان‌ طور كه‌ مناسبتي‌ گروهي‌ است‌ كه‌ مردان‌ و زنان‌ محله‌ در آن‌ جمع‌ مي‌شوند و بيشترشان‌ - اگرچه همه‌اي‌شان چنين‌ نباشند - از دين‌ چيزي‌ غير از اين‌ زيارت‌ها و اين‌ مناسبت‌ها نمي‌دانند، مناسبت‌ها و زيارت‌‌هايي‌ كه‌ با وجود كثرت‌ و تنوع‌ آن‌ و با وجود اهميتي‌ كه‌ به‌ آن‌ داده‌ مي‌شود حتي‌ يكبار در قرآن‌ ذكر نشده‌ است‌! به‌ يكي‌ از جوانان ‌گفتم - او موسوي‌ النسب‌ بود - سيّد، آيا نماز جمعه‌ مي‌خواني‌؟ گفت‌: بله،‌ در حالي‌ كه‌ خيلي‌ خوب‌ مي‌دانستم‌ كه او نماز جمعه‌ نمي‌خواند. گفتم‌: كجا نماز جمعه‌ مي‌خواني‌؟ گفت‌: در نجف‌ يا كربلا.**

**گفتم‌: ما شاء الله در كدام‌ مسجد جامع‌؟ گفت‌: نه، هر پنجشنبه‌ به‌ زيارت‌ ائمه‌ مي‌رويم‌ و آن‌ جا نماز مي‌خوانيم‌ و زيارت‌ مي‌كنيم‌!! با خودم‌ گفتم‌: سبحان‌ الله! عصر را با ظهر يكي‌ كردند ما پذيرفتيم‌ اما اينكه‌ پنجشنبه‌ را با جمعه‌ يكي‌ كنند تاكنون‌ نشنيده‌ام‌!!**

**و از جمله‌ چيزهايي‌ كه‌ جلب‌ توجه‌ مي‌نمايد اين‌ است‌ كه‌ ما به‌ مناسبت‌ ولادت‌ يا وفات‌ هر امامي‌ جشن مي‌گيريم‌ به‌ جز براي‌ ولادت‌ و وفات‌ امام‌ ائمه‌ محمد ص در صورتيكه همه اينها جز بدعت‌ها بشمار مي‌رود و اصلي در دين ندارد، و از همه‌ مناسبت‌هاي‌ بزرگ‌ اسلامي‌ مانند اسرا‌ء و معراج‌ و هجرت‌ و معركه‌هاي‌ سرنوشت‌‌ساز در تاريخ خودمان‌ مانند جنگ‌ بدر غافل‌ هستيم‌ و آنها را نمي‌دانيم‌.**

**اما روز نوروز كه‌ عيد آتش‌‌پرستان‌ است‌ را جشن‌ مي‌گيريم‌ و در شب‌ آن‌ آتش‌ بر مي‌افروزيم‌!**

در مزار ائمه‌ چه‌ اتفاق مي‌افتد

**زيارت‌ مراقد با گرد هم‌ آمدن‌ دختران‌ و پسران‌ جوان‌ همراه‌ است،‌ بلكه‌ فرصتي‌ طلايي‌ است‌ براي‌ ديدارها و وعده‌ها و فرصتي‌ است‌ براي‌ رسيدن‌ به‌ آرزو. به‌ ويژه،‌ در روزها و شبهايي‌ كه‌ مردم‌ با پاي‌ پياده‌ به‌ سوي‌ يكي‌ از مراقد راه‌ مي‌افتند و در كنار راههاي‌ طولاني شب‌ مي‌گذرانند.**

**آري،‌ خرابي‌ به‌ حدي‌ رسيده‌ كه‌ خود را به‌ ناداني‌ زدن‌ و يا خود را برتر دانستن‌ سودي‌ ندارد، و نيز اشاره‌ يا به‌ صورت‌ خجل‌ زده‌ سري‌ تكان‌ دادن‌ فايده‌اي‌ ندارد، بلكه‌ بايد به‌ صراحت‌ و آشكار به‌ مقابله‌ برخاست،‌ و با شجاعت‌ تمام‌ بدون‌ حيرت‌ واقعيت‌ موجود در زيارت‌ ائمه‌ را پذيرفت‌ و با آن‌ روبرو شد، گرچه‌ رابطه‌هاي نامشروعي‌ كه‌ در مراقد انجام‌ مي‌گيرد چيزي‌ است‌ كه‌ هيچ‌ فرد عاقلي‌ از آن‌ بي‌خبر نيست،‌ اما همه‌ ساكت‌اند. چون‌ يكديگر را دوست‌ دارند؟! حتي‌ علماء ساكت‌اند!!**

**اما لحظه‌هاي‌ ازدحام‌ و شلوغي‌ هنگام‌ طواف‌ اطراف‌ ضريح‌ و شب‌ گذراندن‌ در كنار قبر از اين‌ نوع‌ منكرات خيلي‌ انجام‌ مي‌گيرد، حتي‌ برخي‌ به‌ خاطر اين‌ كارها به‌ زيارت‌ مي‌آيند و ترانه‌ها و رقص‌ها و مشروب‌هايي‌ كه موسم‌ ويژه‌ زيارت‌ احمد بن‌ هاشم‌ انجام‌ مي‌گيرد و نوشيده‌ مي‌شود به‌ جاي‌ خود.**

**و شگفت‌ اينجا كه‌ در درِ ورودي‌ هر مزاري‌ اين‌ عبارت‌ به‌ چشم‌ مي‌خورد كه‌ (ورود زنان‌ بي‌حجاب‌ ممنوع‌)!!**

**خادمان‌ و دربانان‌ را مي‌بيني‌ كه‌ چگونه‌ اموال‌ افراد غافل‌ را به‌ روش‌هاي‌ مختلف‌ و با حيله‌ها و راههاي‌ گوناگون‌ چپاول‌ مي‌نمايند!! اين‌ به‌ استقبال‌ زنان‌ و مردان‌ زاير مي‌رود و به امام سوگندش مي‌دهد و مي‌گويد: (تو براي‌ اين‌ امام‌ نذر داري‌؟) حتي ‌برخي‌ لباس‌ زنان‌ و گريبانشان‌ را بازديد مي‌نمايد تا به‌ چيزهايي‌ پي‌ ببرد كه‌ بسا تو آن‌ را نمي‌داني‌!**

**يكي‌ را مي‌بيني‌ كه‌ نشسته‌ و بر مرده‌اي‌ دعا مي‌خواند و از هر طرف‌ روي‌ او پول‌ مي‌ريزد يا دستانش‌ پر از پول است‌، يا اينكه‌ مي‌گريد و توي‌ جيبش‌ مي‌كند. ديگري‌ را مي‌بيني‌ كه‌ گوسفند را نگاه‌ داشته‌ و در يك‌ روز چندين بار آن‌ را مي‌فروشد و بيچاره‌ گوسفند همچنان‌ در دست‌ اوست‌ بلكه‌ گوسفند بيچاره‌ در اسارت‌ و زنداني هميشگي‌ كه‌ پايان‌ نمي‌يابد قرار دارد، و پايان‌ آن‌ اين‌ است‌ وارد شكم‌ متولي‌ قبر شود، كسي‌ كه‌ به‌ هر ناآگاه‌ و غافلي كه‌ مالش‌ را به‌ او مي‌دهد و سپس‌ به‌ ظاهر گوسفند را از او مي‌خرد اما سپس‌ گوسفند را به‌ او باز مي‌گرداند و او مي‌گويد: نذر تو رسيد. من‌ مي‌گويم‌: بله‌ رسيد اما..... به‌ جيب‌ متولي‌؟!**

**يكي‌ را مي‌بيني‌ كه‌ كاسه‌اي‌ در دست‌ دارد و پول‌ شكار مي‌كند و ديگري‌ تو را از پنجره‌ و تور ضريح‌ دور مي‌نمايد تا پول‌ را در داخل‌ آن‌ نياندازي‌ و در دست‌ او بگذاري‌، تا اينگونه‌ پول‌ به‌ امام‌ برسد!**

**مالي‌ كه‌ متولي‌ و خادم‌ قبر مي‌گيرد قبل‌ از اينكه‌ برسد يا روي‌ قبر بيافتد گويا از مالي‌ كه‌ آشكار روي‌ قبر قرار مي‌گيرد رسيدنش‌ به‌ امام يقيني‌تر است‌!!! سوگند به‌ خدا كه‌ عقل‌ سليم‌ هيچ‌ چيزي‌ از اينها را نمي‌پذيرد.**

**گاهي‌ زن‌ يا مرد سمجي‌ را مي‌بيني‌ كه‌ با وجود اعتراضات‌ متولي‌ كه‌ تكرار مي‌كند و مي‌گويد: نذر تو رسيد، نذر تو رسيد، جز در كنار تور و پنجره‌ ضريح‌ در جايي‌ ديگر نمي‌ايستد، زيرا او قانع‌ نمي‌شود مگر اينكه‌ پول‌‌هايش‌ را ببيند كه‌ داخل‌ ضريح‌ مي‌افتد.**

**و يكي‌ را مي‌بيني‌ كه‌ كاغذها و كتابچه‌هايي‌ در دست‌ دارد و مي‌گويد: اين‌ حل‌ كنندة مشكلات‌ است،‌ و اين‌ دعاي حسد است،‌ و اين‌ دعاي‌ توسل‌ و ناگهان‌ از جاپريدن‌ است‌، و اين دعاي رزق و‌ روزي‌ است،‌ و اين‌ دعا براي‌ ورود به‌ محل‌ اعيان‌ و اشراف‌ است‌... و اينطور هرچه‌ مي‌خواهند دعاي آن‌ موجود است‌!**

**و آن‌ جا ديگري‌ ايستاده‌ و پارچه‌اي‌ را مي‌فروشد كه‌ به‌ آن‌ (ستاره‌) پرده‌ مي‌گويند، و در حقيقت‌ قلاب‌ است‌! و در نزديك‌ مردي‌ ايستاده‌ كه‌ تكه‌ گچي‌ كه‌ با رنگ‌ آبي‌ رنگ‌آميزي‌ شده‌ و هفت‌ سوراخ‌ در آن‌ كنده‌ شده‌ را مي‌فروشد و اين‌ را (مادر هفت‌ چشم‌) مي‌نامند. عجيب‌ است‌! و معتقدند اين‌ مانع‌ اذيت‌ و آزار مي‌شود و از چشم‌‌زخم‌ حفاظت‌ مي‌نمايد!**

**آري‌، اگر به‌ هر مرقدي‌ از اين‌ مراقد بروي‌ چيزهاي‌ عجيبي‌ مي‌بيني‌، از آن‌ جمله‌ كساني‌ را مي‌بيني‌ كه‌ كلاهاي‌ قرمز و عمامه‌هاي‌ سبز و سفيد و سياه‌ بر سر دارند، و مي‌بيني‌ براي‌ چپاول‌ اين‌ نذرها و اموال‌ و آنچه‌ كه‌ آن‌ را (به‌ حق‌جد) مي‌نامند دلواپس‌ و حريص‌‌اند، و اغلب‌ اين‌ افراد يا همه‌ ايشان‌ ريش‌‌هايشان‌ تراشيده‌ است‌ تا زماني‌ كه‌ نياز باشد به‌ راحتي‌ بتوانند تغيير شكل‌ بدهند.**

**اما مرده‌ جز با پرداخت‌ اموال‌ هنگفت‌ به‌ خاك‌ سپرده‌ نمي‌شود از غسل‌ دادن‌ و كفن‌ كردن‌ تا تلقين‌ تا طواف‌ و تا نماز خواندن‌ بر آن‌ و ساختن‌ قبر و خواندن‌ بر آن‌ و گرفتن‌ مجلس ‌عزا در مسجد و تا آمدن‌ روحاني‌ براي‌ خواندن‌ دعا يك‌ بار ديگر هزينه‌هاي‌ هنگفتي‌ بايد پرداخت‌، و همه ‌اين‌ كارها جز با پرداخت‌ مبلغي‌ در هر مرحله‌ انجام‌ نمي‌شود، و اينطور ادامه‌ دارد، و پس‌ از اين‌ كارها چهلم‌ مي‌آيد و بعد از آن‌ سالگرد و آنچه‌ خداوند بهتر مي‌داند!**

**و از جمله‌ چيزهايي‌ كه‌ جلب‌ توجه‌ مي‌نمايد اين است كه‌ بيشتر مرقدها در كنار راهها ساخته‌ مي‌شوند، و برخي‌ جز چند متري‌ از راه‌ فاصله‌ ندارند، با وجود اينكه‌ اين‌ راهها قبلاً وجود نداشته‌اند، و اين‌ دلالت‌ مي‌نمايد كه‌ اين‌ قبرها خيالي ‌هستند، و هدف‌ از ساختن‌ آن‌ تجارت‌ و به‌ دست‌ آوردن‌ سود است‌ و اگر نه‌ چگونه‌ همه‌ در كنار راهها هستند و چگونه‌ به هر سو تقسيم‌ شده‌اند؟!**

**آيا جاي‌ جعفر طيار را ديده‌اي‌؟! در حالي‌ كه‌ جعفر طيار در تمام‌ عمر خود سرزمين‌ عراق را نديده‌ است.‌ جعفر از حجاز به‌ حبشه‌ رفته‌ است‌، و از حبشه‌ بار ديگر به‌ حجاز آمده‌، و پس‌ از جنگ‌ خيبر به‌ شام‌ سفر نموده‌ و در جنگ‌ موته‌ شهيد شده‌ است‌!**

**يا مرقد امام‌ باقر :، در صورتي‌ كه‌ باقر در مدينه‌ در گذشته‌ است‌ و در مدينه‌ به‌ خاك‌ سپرده‌ شده‌ است‌!**

**يا آنچه‌ را كه مرقد شعيب‌ ؛ پيامبر مي‌نامند و من‌ نمي‌دانم‌ كه‌ چه چيزي‌ شعيب‌ را از مدين‌ شام‌ به‌ سرزمين‌ عراق آورده‌ تا در ديوانيه‌ عراق بميرد؟!**

**و عجيب‌تر از اين‌ مرقد (مدين‌ پيامبر) است،‌ آيا مدين‌ پيامبري‌ بوده‌ يا قبيله‌ است‌ كه‌ شعيب‌ در آن‌ مبعوث‌ شده‌است‌؟!**

**و از همه عجيب و غريب‌تر اينكه مرقدي براي (مالك) نگهبان دوزخ هم درست کرده‌اند!!**

**و باید بدانی که این زیارت‌ها و مرقدها شاخه‌های متعددی هم دارند!**

**آيا مي‌خواهي‌ فرياد بزني‌ يا اعتراض‌ كني‌؟!**

**اشكالي‌ ندارد! از تو و از بسياري‌ هم‌‌كيشانم‌ و دوستانم‌ غير از اين‌ توقعي‌ ندارم‌! اما به‌ تو گفتم‌ كه‌ غدة‌ بزرگ‌ است، ‌و نياز به‌ عمل‌ جراحي‌ بزرگي‌ دارد! مي‌خواهم‌ اين‌ جراحي‌ را جلوي‌ چشمانت‌ بدون‌ استفاده‌ از داروي‌ بيهوشي ‌انجام‌ دهم‌، - آنگونه‌ كه‌ تو را بيهوش‌ كرده‌اند- زيرا من‌ نمي‌خواهم‌ تو بيهوش‌ باشي چون‌ به‌ عقل‌ و بيداريت‌ نياز دارم‌، اما آنها مي‌خواهند تو چيزي‌ نفهمي‌، پس‌ جاي‌ تعجب‌ نيست‌ كه‌ وقتي‌ مريض‌ قيچي‌ جراحي‌ را ببيند آشفته شود! اما من‌ مي‌دانم‌ جيغ‌ زدن‌ شايسته‌ بزرگها نيست،‌ و جراح‌ گرچه‌ عضوي‌ از اعضايت‌ را قطع‌ مي‌كند اما چون تو را دوست‌ دارد چنين‌ مي‌كند!**

**زيارت‌ مرقد شبيه‌ با حج‌ مشركين‌ در عصر جاهليت‌ و طواف‌ آنها گرد كعبه‌ بدون‌ لباس‌ گرديده‌ است‌! آري،‌ زن‌ و مردي‌ را آن‌ گونه‌ لخت‌ نمي‌بيني‌ اما آنجا لختي‌ سخت‌تري‌ هست‌! و وقتي‌ كه‌ در داستانهاي‌ جاهليت‌ آمده‌ است‌ كه‌ اساف‌ و نائله‌ در كعبه‌ زنا كردند و هر دو مسخ‌ شده‌ و به‌ دو سنگ‌ تبديل‌ شدند، بايد گفت‌ كه‌ اساف‌ها و نائله‌هايي‌ تا كنون‌ نيز در مراقد اوليا طواف‌ مي‌كنند و هموراه‌ مسخ‌ مي‌شوند، اما مسخي‌ كه‌ چشمها نمي‌بينند اما دلهاي كه‌ در سينه‌ها هستند آن‌ را مشاهده‌ مي‌كنند!!**

منابع‌ ديني‌ چه‌ مي‌گويند؟

**در كتابها و مراجع‌ روايات‌ بي‌‌شماري‌ در مورد فضيلت‌ زيارت‌ مراقد يافته‌ام، حتي‌ اين‌ روايت‌ها زيارت‌ قبر اولياء ‌را از حج‌ كعبه‌ و زيارت‌ مسجد نبوي‌ برتر قرار مي‌دهند.**

**اين‌ روايت‌ از كتاب‌ كافي‌ از كليني‌ را بخوان‌ ـ و روايات‌ زيادي‌ مانند اين‌ هست‌ ـ از ابو عبدالله ؛ روايت‌ است‌ كه‌گفت‌: (هر گاه‌ مومن‌ در روز عرفه‌ به‌ زيارت‌ قبر حسين‌ بيايد و از رود فرات‌ غسل‌ كند و آن‌ گاه‌ به‌ سوي‌ قبر حسين حركت‌ كند‌ خداوند براي‌ هر قدمي‌ كه‌ به‌ سوي‌ قبر مي‌گذارد براي‌ او يك‌ حج‌ مي‌نويسد و پاداش‌ يك‌ غزوه‌ را ثبت‌ مي‌نمايد)([[15]](#footnote-15)).**

**و برتر قرار دادن‌ كربلا بر مكه‌ معظمه‌ مشهور است،‌ مانند اين‌ شعر معروف‌ كه‌:**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **وفي حديث‌ كربلاء والكعبة** |  | **‌لكربلاء بان‌ علو الرتبة** |

**يعني: طبق‌ حديث‌ كربلا و كعبه،‌ مقام‌ و جايگاه‌ كربلا از كعبه‌ بالاتر است‌.**

**حديث‌ كربلا و كعبه‌ حديث‌ زشتي‌ است‌ كه‌ آن‌ را ساخته‌اند و به‌ ابي‌ عبدالله : نسبت‌ داده‌اند، و در اين‌ حديث ‌آمده‌ است‌: (خداوند به‌ كعبه‌ وحي‌ كرد كه‌ اگر خاك‌ كربلا نمي‌بود تو را برتري‌ و فضيلت‌ نمي‌دادم‌، و اگر كسي‌ كه سرزمين‌ كربلا او را در آغوش‌ گرفته‌ نمي‌بود تو را نمي‌آفريدم و خانه‌اي‌ را كه‌ بدان‌ افتخار مي‌كني‌ نمي‌آفريدم‌، پس ‌شاد و استوار باش‌ و فروتن‌ و خوار دنباله‌رو كربلا باش‌ بدون‌ آنكه‌ تكبر بورزي‌ و از دنباله‌رو بودن‌ آن‌ اباء ورزي،‌ و اگرنه‌ تو را در آتش‌ جهنم‌ مي‌اندازم)([[16]](#footnote-16)).**

**اغلب‌ فقها بر اين‌ عقيدة‌ باطل‌ اتفاق دارند و آن‌ را به‌ صراحت‌ اعلام‌ مي‌نمايند بدون‌ از اينكه‌ پرهيز كنند يا با اعتراض‌ كسي‌ مواجه‌ شوند.**

**از يكي‌ از فقها پرسيده‌ شد: چرا امام‌ علي‌ از كعبه‌ برتر است‌؟ در پاسخ‌ گفت‌: «بسمه‌ تعالي‌. مثالهايي‌ كه‌ اين‌ مطلب را روشن‌ مي‌كند بيان‌ كرد: روايتي‌ آمده‌ است‌ كه‌ كربلاء را برتر از بيت الحرام‌ قرار مي‌دهد، و ما مي‌دانيم‌ كه‌ علي‌ از حسين‌ بهتر است‌، همانطور كه‌ روايات‌ گفته‌اند پس‌ قبر علي‌ از قبر حسين‌ بهتر است‌، بنابر اين‌، قبر علي‌ از كعبه ‌افضل‌ است‌»!!([[17]](#footnote-17)).**

**در موضوع‌ حج‌ در اين‌ مورد بيشتر بيان‌ خواهد شد.**

**اينها همه‌ به‌ صراحت‌ با عقايد اهل‌ بيت‌ مخالف‌ است، چون‌ آنها مجوسي‌ يا زنديق‌ نبوده‌اند بلكه‌ مسلماناني‌ هدايت‌ يافته‌ بوده‌اند.**

در مورد اين‌ مسائل‌ فكر كن‌

**مسئله‌ (561) كه‌ نماز در مسجد النبي‌ برابر با ده‌ هزار نماز است([[18]](#footnote-18)).‌**

**مسئله‌ (562) نماز در قبر ائمه‌ مستحب‌ است، ‌بلكه‌ گفته‌ شده‌ كه‌ قبرهاي‌ ائمه‌ بهتر و برتر از‌ مساجد هستند([[19]](#footnote-19)). و در روايت‌ آمده‌ كه‌ نماز در كنار قبر علي‌ ؛ برابر با دويست‌ هزار نماز است‌([[20]](#footnote-20)). يعني‌ از نماز در مسجد پيامبر بيست‌ برابر بهتر است‌!!**

تناقضي‌ عجيب‌

**خداوند كتابش‌ را چنين‌ توصيف‌ نموده‌ است‌:** ﮋ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﮊ **(الزمر: 23). «**خداوند بهترين سخن را نازل كرده، كتابى كه آياتش (در لطف و زيبايى و عمق و محتوا) همانند يكديگر است**‌».**

**و اگر اين‌ كتاب‌ حق‌ نمي‌بود مطالب‌ آن‌ با يكديگر متضاد مي‌بود و مشابه‌ نمي‌بود و برخي‌ مطالب‌ برخي‌ ديگر را تاييد نمي‌كرد، و خداوند متعال‌** مى‏**فرمايد:**ﮋ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ **(النساء: 82). «**اگر از سوى غير خدا بود، اختلاف فراوانى در آن مى‏يافتند**». پس‌ هر كجا تناقض‌ و تضاد باشد مي‌بيني‌ كه‌ آن‌ باطل‌ است‌.**

**اما من‌ به‌ مراجعي‌ كه‌ به‌ اهل‌ بيت‌ نسبت‌ داده مي‌شوند نگاه‌ كردم‌ چيز عجيبي‌ ديدم‌!! زيرا هيچ‌ مسئله‌ نيافتم‌ مگر مسئله‌ ديگر را ديديم‌ كه‌ با آن‌ مخالف‌ و در تضاد است،‌ طوري كه‌ اين‌ مراجع‌ به ‌ميدان‌ وسيعي‌ تبديل‌ شده‌اند كه‌ هر كس‌ در آن‌ مي‌تازد، صديق باشد يا زنديق‌، و هر كس‌ هر چه‌ بخواهد مي‌گيرد، و هر چه‌ بخواهد به‌ جا مي‌گذارد! و با اينكه‌ وقتي‌ زياد دروغ‌ به‌ امام‌ صادق نسبت‌ مي‌دادند براي‌ اينكه‌ حد فاصلي‌ بين‌ آنچه‌ كه‌ حق‌ است‌ و بين‌ آنچه‌ كه‌ حق‌ نيست‌ بگذارد فرمود: (آنچه‌ با كتاب‌ خدا موافق‌ است‌ آن‌ را بپذيريد و هر چه‌ با كتاب‌ خدا مخالف‌ بود آن‌ را رها كنيد)([[21]](#footnote-21)).**

**اما واقعيت‌ موجود برخلاف‌ اين‌ قاعده‌ طلايي‌ است‌، زيرا در اغلب‌ مسائل‌ متناقض‌ به‌ ويژه‌ در اصول‌ دين‌ و امور مهم‌ آن‌ چيزي‌ انتخاب‌ مي‌شود كه‌ با كتاب‌ خدا مخالف‌ باشد!!**

**اين‌ روايت‌ از امام‌ باقر را بخوان‌: (خداوند روي‌ زمين‌ هيچ‌ مكاني‌ كه‌ آن‌ را از اين‌ بيشتر دوست‌ داشته‌ باشد نيافريده‌ است - سپس‌ به‌ سوي‌ كعبه‌ اشاره‌ كرد - و هيچ‌ جايي‌ نزد خدا از اين‌ مكان‌ محترم‌تر نيست‌، به‌ خاطر كعبه خداوند ماههاي‌ حرام‌ را در كتابش‌ روزي‌ كه‌ آسمانها و زمين‌ را آفريد حرام‌ نموده‌ است‌)([[22]](#footnote-22)).**

**و اين‌ نمونه‌ براي‌ تضاد مسائل‌ با يكديگر بود و نمونه‌ براي‌ اين‌ بود كه‌ در مسائل‌ متناقض‌ به‌ آن‌ چيزي‌ عمل‌مي‌شود كه‌ با كتب‌ خدا مخالف‌ است‌ و چنين‌ تناقضاتي‌ زيادند اما پوشيده‌ مي‌باشند.**

به‌ چه‌ نياز داريم‌

**ما به‌ دسته‌ از علماي‌ شجاع‌ و دلير كه‌ توده‌هاي‌ تشنه‌ حق‌ آن‌ها را حمايت‌ مي‌كنند نياز داريم‌ كه‌ به‌ پاكسازي‌ اين مراجع‌ از روايت‌هاي‌ زشت‌ و احاديث‌... اقدام‌ نمايند و اين‌ كار غيرممكن‌ نيست‌ اگر ما به‌ كتاب‌ خدا پايبند باشيم‌ و كتاب‌ خدا در هر چيز مرجع‌ خود قرار دهيم‌ آن‌ طور كه‌ امام‌ صادق دستور داده‌ است،‌ در حالي‌ كه‌ امام ‌صادق از همين‌ چيزي‌ رنج‌ مي‌برد كه‌ ما رنج‌ مي‌بريم،‌ اما در زمان‌ او اين‌ چيزها در كتابها ثبت‌ نشده‌ بودند.**

**براي ‌حكم‌ كردن‌ بر اين‌ روايت‌ها كافي‌ است‌ كه‌ به‌ متن‌ آن‌ نگاه‌ كنيم‌، (پس‌ هر متني‌ كه‌ با عقل‌ يا قرآن‌ مخالف‌ است‌ يا با اصول‌ دين‌ در تضاد است‌ بدان‌ كه‌ آن‌ متن‌ باطل‌ و ساختگي‌ است)‌.**

خطاب به‌ نسل‌هاي‌ جديد

**من‌ در ميان‌ شما فرياد بر مي‌آورم‌ و همت‌ والاي‌تان‌ را تحريك‌ مي‌كنم‌ تا به‌ قرآن‌ باز گرديد، سپس‌ آنچه‌ در كتابها و مراجع‌ وجود دارد را با قرآن‌ مقايسه‌ كنيد، آنچه‌ كه‌ با قرآن‌ موافق‌ بود آن‌ را بپذيريد و آنچه‌ با قرآن‌ مخالف‌ بود آن‌ را رها كنيد.**

**ديني‌ كه‌ امروز شما داريد اغلب‌ برعكس‌ اين‌ است‌، و كساني‌ كه‌ شما آنها را رهبر خويش‌ قرار داده‌ايد برخي‌ شما را فريب‌ مي‌دهند و برخي‌ چون‌ براي‌ خود مي‌ترسند از گفتن‌ حق‌ ساكت‌اند!**

**و آن‌ جا گروه‌ سومي‌ هست‌ كه‌ بسيار اندك‌ مي‌باشد و به‌ نظر‌ من‌ دارند زياد مي‌شوند. اين‌ گروه‌ حقيقت‌ را مي‌گويند، اما گفته‌هايش‌ در ميان‌ غوغا و تخريب‌ و حملات‌ بازدارنده‌ و تبليغات‌ گمراه‌ كننده‌ به‌ هوا مي‌رود و اثري نمي‌گذارد، و چه‌ بسا كه‌ اين‌ گفته‌ها به‌ قيمت‌ جان‌ گوينده‌ تمام‌ مي‌شود!!**

روش‌ حذف‌ مخالف‌

**حذف‌ مخالف‌ از خطرناكترين‌ روش‌ها در ضايع‌ كردن‌ حق‌ و مشوش‌ نمودن‌ حقيقت‌ است،‌ اما متأسفانه‌ از اين ‌روش‌ استفاده‌ مي‌شود و در ميان‌ ما شيوع‌ پيدا كرده‌ است،‌ تا جايي‌ كه‌ اين‌ روش‌ به‌ خنجر مسمومي‌ تبديل‌ شده‌ كه ‌صاحب‌ اين‌ روش‌ در ترور صداي‌ هر مخالفي‌ ناكام‌ نمي‌ماند. آري،‌ مخالفان‌ را ترور مي‌كنند كه‌ صداي‌ آنها به‌توده‌هاي‌ آسيب‌ ديده‌اي‌ كه‌ در ميان‌ هاله‌اي‌ از غبار فرافكني‌ و دود غليظ‌ تشويه‌ و تخريب‌ زندگي‌ مي‌كند نرسد!**

**ترور و حذف‌ مخالف‌ حربه‌اي‌ قديمي‌ است‌ و قدمت‌ آن‌ به‌ قدمت‌ باطل‌ و باطل‌‌گرايان‌ بر مي‌گردد، و نيز حربه‌اي‌ جديد است‌ چون‌ همواره‌ تكرار مي‌شود، و بسا اوقات‌ اين‌ بازي‌ توطئه‌گرانه‌ در بازداشتن‌ مردم‌ از شناخت‌حقيقت‌ جواب‌ مي‌دهد و موفق‌ مي‌شود، گرچه‌ در ترازوي‌ حق‌ و روش‌ صحيح‌ علمي‌ چنين‌ راهكاري‌ مردود و ناموفق‌ است‌.**

**حذف‌ مخالف‌ كاملاً نماد مفهوم‌ زير است‌: تا زماني‌ كه‌ حق‌ از زبان‌ فلاني‌ گفته‌ مي‌شود من‌ از آن‌ پيروي‌ نمي‌كنم‌!**

**و هر چه‌ فلاني‌ مي‌گويد حق‌ همان‌ است‌!! با اين‌ شيوه‌، مكاران‌ توانسته‌اند كه‌ ميليون‌ها انسان‌ را چون‌ گله‌هاي‌ گوسفند بگردانند كه‌ به‌ هر طرف‌ و هر گونه‌ كه‌ مي‌خواهند آنها را به‌ همان‌ سو مي‌برند! و چرا اينطور نباشد آيا مگر جبه‌ و عصايي‌ مانند جبه‌ و عصاي‌ عمرو ندارند پس‌ وقتي‌ جبه‌ و عصا دارند ندايشان‌ شيرين‌ است‌!**

**«حق‌ با مردان‌ شناخته‌ نمي‌شود و حق‌ را بشناس‌ اهل‌ حق‌ را خود خواهي‌ شناخت‌».**

**اين‌ قاعده‌ محكم‌ علمي‌ است‌ كه‌ اساس‌ آن‌ را امام‌ على**  **نهاده‌ است‌. بنابراين،‌ من‌ بايد ابتدا سخن‌ را گوش‌ كنم سپس‌ اگر گويندة‌ آن‌ برحق‌ بود بپذيرم،‌ و اگرنه‌ نمي‌پذيرم‌، و برعكس‌ اين‌ نيست‌ كه‌ سخن‌ را گوش‌ نكنم‌ و آن‌ را باطل‌ قرار دهم‌.**

**آيا مگر «حكمت‌ گمشده‌ مومن‌ نيست‌ كه‌ هر كجا آن‌ را بيابد او از ديگران‌ به‌ آن‌ سزاوارتر است‌!»؟**

**اما اينكه‌ مي‌گويند: اين‌ كتاب‌ را نخوان‌ چون‌ نويسنده‌ آن‌ مزدور فلان‌ دستگاه‌ اطلاعاتي‌ است‌، آن‌ كتاب‌ را پاره كنيد چون‌ مولف‌ آن‌ در فلان‌ اداره‌ و تشكيلات‌ كار مي‌كند، اين‌ سخنران‌ را ترك‌ كنيد، آن‌ ديگري‌ را بكشيد و آن ديگري‌ را فاسق‌ بدانيد يا كافرش‌ قرار دهيد. نه‌ به‌ خاطر چيزي‌ ديگر، فقط‌ به‌ خاطر اينكه‌ چيزي‌ مي‌گويد كه دوست‌ ندارند. حقا كه‌ چنين‌ دستورها و سخناني‌ يعني‌ توهين‌ به‌ عقل‌ و مصادرة انديشه‌ مردم،‌ و چنين‌ كارهايي ‌تروري‌ فكري‌ و اجبار مردم‌ است‌، و اين‌ كارها مخالف‌ با دين‌ است‌ و دلقك‌‌بازي‌ است‌ كه‌ جز تاجران‌ شايسته كسي‌ نيست‌!**

**روش‌هاي‌ حذف‌ ديگران‌ به‌ حدي‌ رسيده‌ كه‌ گفته‌ مي‌شود: فلاني‌ (در حالي‌ كه‌ او از علماست‌) بزهكار و همجنس‌باز است‌ و مادرش‌ و دخترش‌ فلان‌ فلان‌اند!**

**اما متأسفانه‌ همين‌ وضعيت‌ زندگاني‌ ما را به‌ نابودي‌ كشانده‌ است‌. گيرم‌ كه‌ گوينده‌ يهودي‌ يا آمريكايي‌ يا از هر مليتي‌ كه‌ هست‌ باشد، آيا فقط‌ همين‌ براي‌ مصادرة سخنش‌ و خفه‌ كردن‌ صدايش‌ اگر حق‌ باشد كافي‌ است‌؟! عقلها كجاست‌؟!!**

**و با اين‌ طريقه‌ و روش‌، سخنان‌ دكتر موسي‌ موسوي، نوة‌ مرجع‌ بزرگ‌ ديني‌ ابوالحسن‌ اصفهاني‌ و امثال‌ او به‌ هوا رفت‌ و ضايع‌ شد، و يا نزديك‌ بود در ميان‌ غوغا ضايع‌ شود.**

**به‌ دكتر موسى موسوي گوش‌ فرا ده‌ كه‌ مي‌گويد: «خواستن‌ حاجت‌ از غيرخداوند و شريك‌ كردن‌ كسي‌ ديگر در پادشاهي‌ اوست و ديگر عوامفريبي‌ها و غوغاهايي‌ كه‌ شيعيان‌ در كنار قبرهاي‌ ائمه‌ و اوليا انجام‌ مي‌دهند رابطه‌ مستقيمي‌ با مشكل‌ و اندوهي‌ دارد كه‌ ما از آن‌ در اين‌ دنيا رنج‌ مي‌بريم،‌ و چه‌ رنجي‌ بيشتر از اينكه‌ انسان‌ حاجات‌ و نيازهاي‌ خود را از انسان‌هايي‌ بخواهد كه‌ نمي‌توانند او را اجابت‌ كنند، و چه ‌رنجي‌ بيشتر از اينكه‌ دعا و حاجت‌ خواستن‌ ما بي‌محل‌ است‌، به‌ يقين‌ كه‌ محلي‌ كه‌ دعاها پذيرفته‌ مي‌شود توسل‌ به‌ خداوند است‌، برحسب‌ دستور و گفته‌ صريح‌ خداوند در قرآن‌ كه‌ فرموده‌ است‌:** ﮋ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﮊ **(غافر: 60). «مرا بخوانيد دعاي‌ شما را مي‌پذيرم‌». و نگفته‌ است‌ كسي‌ ديگر غير از من‌ خواه‌ پيامبر باشد، خواه‌ امام‌ را بخوانيد تا من‌ دعاي‌ شما را اجابت‌ كنم‌ يا او دعايتان‌ را اجابت‌ نمايد»([[23]](#footnote-23)).**

**و نيز گفته‌ است:‌ «در وسائل‌ الشيعه‌ اثر امام‌ محقق‌ محدث‌ حر عاملي‌ جلد دوم‌ صفحه‌869 آمده‌ است:‌**

**1ـ از ابوعبدالله ؛ روايت‌ است‌ كه‌ اميرالمؤمنين‌ ؛ گفت‌: «هيچ‌ مجسمه‌ را نگذار مگر اينكه‌ آن‌ را از بين‌ ببرى، و هيچ‌ قبري‌ را نگذار مگر اينكه‌ آن‌ را برابر كني»‌.**

**ب‌: از علي‌ بن‌ جعفر روايت است‌ كه‌ گفت‌: از ابوالحسن‌ موسي‌ ؛ در مورد ساختن‌ بر قبر و نشستن‌ بر آن‌ پرسيدم‌ كه آيا درست‌ است‌؟ گفت‌: ساختن‌ بر آن‌ درست‌ نيست‌.**

**ج‌: از ابي‌ عبدالله ؛ روايت‌ است‌ كه‌ فرمود: «پيامبر ص از اينكه‌ بر قبري‌ نماز خوانده‌ شود يا بر آن‌ نشسته‌ شود نهي‌فرمود». سخن‌ موسوي‌ تمام‌ شد([[24]](#footnote-24)).**

**و شما مي‌بيني‌ كه‌ اين‌ روايت‌ها از دير زمان‌ به‌ فراموشي‌ سپرده‌ شده‌اند، و از چشم‌ و ديد توده‌هاي‌ مردم‌ پنهان داشته‌ شده‌اند، تا جايي‌ كه‌ كسي‌ كه‌ مفهوم‌ اين‌ روايات‌ را بگويد او را به‌ تهمت‌ وهابيت‌ كه‌ زشت‌ترين‌ تهمت‌ در جامعه‌ تشيع‌ است‌ متهم‌ مي‌نمايند، با اينكه‌ اين‌ روايت‌ها از خانة‌ نبوت‌ و از مشكات‌ انوار او سرچشمه مي‌گيرند!!!**

**و همچنين‌ بسياري‌ از اهل‌ شناخت‌ از گفتن‌ اين‌ روايت‌ها پرهيز مي‌نمايند و در نتيجه‌ حقيقت‌ از بين‌ رفته‌ است‌، و روايات‌ صحيح‌ از ائمه‌ از بين‌ رفته‌اند، و اگر نه‌ ما كجا و اين‌ روايت‌ها كجا؟**

**- از امام‌ علي‌ بن‌ حسين‌**  **روايت‌ است‌ كه‌ گفت‌: پيامبر خدا ص فرمود: «جز به‌ نام‌ خدا به‌ نام‌ كسي‌ ديگر سوگند نخوريد، و هر كس‌ به‌ خدا سوگند مي‌خورد بايد راست‌ بگويد، و هر كسي‌ كه‌ براي‌ او سوگند خورده مي‌شود بايد راضي‌ شود، هر كس‌ كه‌ براي‌ او به‌ نام‌ خدا سوگند خورده‌ شود و او قانع‌ نشد او ارتباطي‌ با خداي ‌عزوجل‌ ندارد و از او نيست‌»([[25]](#footnote-25)).**

**- از محمد بن‌ مسلم‌ روايت‌ است‌ كه‌ گفت‌: به‌ ابي‌ جعفر ؛ گفتم:‌ خداوند به‌ شب‌ قسم‌ خورده‌** ﮋ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮊ. **(الليل: 1). و به‌ ستارگان‌ قسم‌ خورده‌** ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﮊ. **(النجم: 1). و امثال‌ اين‌ چگونه‌ است‌؟ فرمود: خداوند به‌ هر چيزي‌ از مخلوقاتش‌ كه‌ بخواهد سوگند مي‌خورد ولي‌ بندگان‌ او حق‌ ندارند جز به‌ او به‌ چيزي‌ ديگر سوگند بخورند([[26]](#footnote-26)).**

**- از سماعه از ابي‌ عبدالله ؛ روايت‌ است‌ كه‌ گفت‌: از ابوعبدالله پرسيدم:‌ آيا درست‌ است كه كسي‌ فردي‌ از يهود و نصاري ‌و مجوس‌ را به‌ خدايانشان‌ قسم‌ بدهد؟ گفت‌: براي‌ هيچ‌ كس‌ درست‌ كه‌ كسي‌ را سوگند بدهد مگر به‌ خداوند عزوجل([[27]](#footnote-27)).‌**

**در حاشيه‌ گفته‌ است:‌ شايد در مورد يهود منظورش‌ عزير باشد آن‌ طور كه‌ برخ‌ى از يهوديان‌ گفته‌اند: عزير پسر خداست‌.**

**آيا پيامبر ما يا امام‌ زين‌ العابدين‌ يا جعفر صادق وهابي‌ هستند؟! يا چپاولگران‌اند!!**

**و نيز يكي‌ از مصلحان‌ كه‌ در تنگنا قرار گرفته‌ و او را بدنام‌ كرده‌اند و به اتهامات‌ نفرت‌انگيز گوناگوني‌ او را متهم ‌كرده‌اند تا او را از مردم‌ دور نمايند و مردم‌ را از او دور كنند، دكتر علي‌ شريعتي‌ در ايران‌ است،‌ كسي‌ كه‌ زندگي‌‌اش ‌با ترور پايان‌ يافت،‌ و او را به‌ خاطر چيزي‌ ديگر ترور نكردند بلكه‌ فقط‌ به‌ خاطر اينكه‌ او با تمام‌ قدرت‌ به‌ اين امر دعوت‌ داد كه‌ اين‌ دو تشيع‌ بايد از هم‌ جدا شوند، يكي‌ تشيع‌ صفوي‌ و ديگري‌ تشيع‌ علوي‌؟**

**شريعتي‌ تشيع‌ صفوي‌ را چنين‌ تعريف‌ مي‌كند كه‌ تشيع‌ صفوي‌ تشيع‌ شرك‌ و جهالت‌ و خرافات‌ است،‌ و چنين‌ آييني‌ را نمي‌توان‌ روشي‌ ديني‌ يا حركتي‌ ديني‌ شمرد، بلكه‌ اين‌ تشيع‌ صفوي‌ تحريفي‌ هدفمند بوده‌ است‌ كه پادشاهان‌ صفوي‌ آن‌ را انجام‌ داده‌اند، و مراسم‌ و عقايدي‌ كه‌ برخي‌ به‌ حد شرك‌ به‌ خدا مي‌رسد. شريعتي مي‌گويد: تحريف‌ عقيدة شفاعت‌ به‌ صورتي‌ كه‌ به‌ شبيه‌ (تقلب‌ در امتحان‌) مي‌ماند، زيرا برخي‌ از مردان‌ ديني‌ و مسئولان‌ امور ديني‌ راه‌ را براي‌ ورود برخي‌ مردم‌ به‌ بهشت‌ بدون‌ اينكه‌ سزاوار بهشت‌ باشند را آسان‌ مي‌كنند، و اينها افكاري‌ منتشر مي‌كنند كه‌ خلاصه‌ آن‌ اين‌ است‌ كه‌ هر چند گناه‌ و بدي‌ انجام‌ دهد مي‌تواند اميد آمرزش‌ و وارد شدن‌ به‌ بهشت‌ را داشته‌ باشد، به‌ شرطي‌ كه‌ ائمه در‌ زمين‌ براي‌ او شفاعت‌ كنند، يعني‌ (روحانيون‌ و مردان‌ دين‌)، و مشخص‌ است‌ كه‌ چنين‌ كاري‌ نياز به‌ پرداخت‌ مبالغي‌ پول‌ و نذرهايي‌ دارد.**

**و مي‌گويد: برخي‌ مراسم‌ احترام‌ به‌ قبرها و ضريح‌هاي‌ طلائي‌ با مراسم‌ عبادت‌ شبيه‌ است،‌ و هدف‌ از آن ‌ترساندن‌ مردم‌ و خوار كردنشان‌، و با قدرت و نيرو نشان دادن آخوندها و مردان ديني و سرپرستان و متوليان اين مؤسسات و قبرها مي‌باشد. و اينگونه‌ آثار و قبرهاي ائمه‌ وسيله‌اي‌ براي‌ ساختن‌ گروهي‌ به‌ عنوان‌ اعيان‌ و اشرف‌ كه‌ بر مردم عوام‌ با نيرو و قدرت‌ دين‌ حكومت مي‌كنند تبديل‌ شده‌اند، اين‌ گروه‌ از دين براي‌ تحميل‌ آنچه‌ آنها معتقدند حلال‌ و حرام‌ است استفاده‌ مي‌نمايند، و از اين‌ قدرت‌ و جايگاه‌ براي‌ ترور و ترساندن‌ هر صاحب‌ انديشه‌اي‌، و در كل‌ براي‌ احتكار انديشه‌ استفاده‌ مي‌كنند، و اين‌ كساني‌ كه‌ مسئول‌ امور ديني‌ هستند و ادعا دارند كه‌ نمايندة خدا هستند مردان ديني‌ صفوي‌ هستند كه‌ با تشيع‌ علوي‌ ارتباط‌ ندارند.**

**و شريعتي‌ مي‌گويد: - سخن‌ او اميدواري‌ نسبت‌ به‌ آينده‌ است ‌- «من‌ اطمينان‌ دارم‌ كه‌ اسلام‌ فردا اسلام‌ آخوندها و مردان‌ دين نخواهد بود، و اسلام‌ ما كه‌‌ منهاي‌ اين‌ آخوندهاست‌ به‌ عنوان‌ اسلام‌ اصيل‌ و ناب‌ باقي‌ خواهد ماند و به‌ صحنه‌ باز خواهد گشت»([[28]](#footnote-28)).**

**و شريعتي‌ گفتگوهايي‌‌ كه‌ با برخي‌ از روحانيون‌ و آخوندها در مورد نذرها و شفاعت‌ و زيارت‌ قبرهاي‌ ائمه‌ انجام‌ داده‌ را بيان‌ مي‌كند، و همچنين‌ گفتگوهايي‌ كه‌ با آنها در مورد پديده‌هاي‌ ديگر كه‌ در شرك‌ داخل‌اند و طرحي ‌مسخره‌ و كاريكاتوري‌ براي‌ اسلام‌ عرضه‌ نموده‌اند انجام‌ داده‌ را بيان‌ مي‌كند. شريعتي‌ مي‌گويد: اينها به‌ باطل ‌بودن‌ اين‌ مراسم‌ اعتراف‌ مي‌كنند و بر همه‌ آنچه‌ مي‌گويي،‌ مي‌گويند ما تو موافق‌ هستيم‌ سپس‌ مي‌گويند: ولي‌!!**

**شريعتي‌ مي‌گويد كه‌ «ولي»‌ و «اما» بيانگر ناتواني‌ نيست،‌ بلكه‌ بيانگر اين‌ است‌ كه‌ اينها علاقه‌اي‌ براي‌ از بين‌ بردن ‌قالب‌هاي عقب‌ مانده‌ و ناقص‌ ندارند،‌ و به‌ اين‌ ايمان‌ ندارند. چرا! چون‌ منافع‌ آنها به‌ عنوان‌ يك‌ گروه‌ و طبقه‌ حاكم‌ بر جامعه‌ چنين‌ اقتضا مي‌نمايد كه‌ اين‌ مراسم‌ باقي‌ بمانند.**

**آخوندها و روحانيون‌ وقتي‌ كه‌ به‌ گروه‌ و طبقه‌اي‌ ويژه‌ و مسلح‌ با وسائل‌ قوي‌ اثر گذاري‌ بر توده‌ مردم‌ تبديل ‌مي‌شوند در حقيقت‌ به‌ موسسه‌اي‌ واپسگر و متعصب‌ و سركوبگر مبدّل‌ مي‌شود كه‌ هيچ ارتباطي‌ با مبادي‌ رسالت آسماني و اهداف‌ آن‌ ندارد، و تمام‌ هدف‌ و هم‌ و غم‌ آن‌ حفاظت‌ از منافع‌ طبقه‌ و سلطه‌ آن‌ است‌.**

**شماري‌ از علماء اين‌ خرافات‌ را انكار نموده‌ و با آن‌ مخالفت‌ نموده‌اند، يا اينكه‌ در مقابل‌ آن‌ تقيه‌ كرده‌ و از گفتن حقيقت‌ اباء ورزيده‌اند، اما بيشترشان‌ جرأت‌ اين‌ را ندارند كه‌ به‌ صراحت‌ و بي‌‌پرده‌ با اين‌ خرافات‌ رو در رو قرار بگيرند([[29]](#footnote-29)).**

**و اينگونه‌...**

**و اينگونه‌ متاسفانه‌ رسوم‌ و عادت‌هاي‌ شرك‌آميز و باطلي‌ كه‌ همه‌ بر اساس‌ مال‌اندوزي‌ و بهره‌وري‌ جنسي‌ استوار‌اند و از دين‌ صحيح‌ و سنت‌ پيامبر ص و از آيين‌ ائمه‌ فرسنگها فاصله‌ دارد اصل‌ بزرگ‌ توحيد كه‌ اساس‌ دين است‌ را احاطه‌ كرده‌ است‌!**

فصل‌ دوم‌  
نماز ستون‌ دين‌

**نماز بعد از توحيد بزرگترين‌ ركن‌ دين‌ است،‌ (هركس‌ نماز را برپا دارد دين‌ را برپا داشته‌ است،‌ و هر كس‌ نماز را برپا ندارد دين‌ را برپا نداشته‌ است‌). و نماز (اولين‌ چيزي‌ است‌ كه‌ روز قيامت‌ در مورد آن‌ از بنده‌ سوال‌ مي‌شود، و اگر نماز فاسد باشد تمام‌ عمل‌ فاسد خواهد بود).**

**ببين‌ كه‌ با تكيه‌ بر اهرم‌ حذف‌ و تنگ‌ كردن‌ دايره‌ با آن‌ چكار كرده‌اند:**

اوقات‌ نماز

**اوقات‌ نماز پنجگانه در سه‌ وقت‌ خلاصه‌ شده‌ است،‌ و با توجه‌ به‌ اين‌ براي‌ نماز اذان‌ گفته‌ نمي‌شود و در غير از اين‌ وقت‌ها ادا نمي‌گردد.**

**نمي‌خواهم‌ در اين‌ مورد بحث‌ كنم‌ كه‌ نماز سه‌ تا هستند يا پنج‌ تا، بلكه‌ مي‌خواهم‌ اين‌ را بگويم‌ كه‌ عقربه‌ در مسائل‌ عبادي‌ به‌ طرف‌ تنگ‌ كردن‌ كج‌ مي‌شود. در صورتي‌ كه‌ در اموري‌ كه‌ منافع‌ مادي‌ يا جنسي‌ يا جسمي دارند عقربه‌ به‌ سوي‌ توسعه‌ و فزوني‌ مي‌رود، و براي‌ كسي‌ كه‌ بخواهد از متشابهات‌ پيروي‌ كند استدلال‌ كردن دشوار نيست‌، چون‌ حكمت‌ الهي‌ چنين‌ اقتضا نموده‌ كه‌ متشابهات‌ وجود داشته‌ باشد تا منحرفين‌ در متشابهات‌ با روي بر تافتن‌ از محكم‌ هلاك‌ شوند، همان‌ طور كه‌ خداوند متعال‌ فرموده‌ است‌:** ﮋ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮊ **(آل عمران: 7). «**او كسى است كه اين كتاب (آسمانى) را بر تو نازل كرد، كه قسمتى از آن، آيات «محكم‏» (صريح و روشن) است; كه اساس اين كتاب مى‏باشد; (و هر گونه پيچيدگى در آيات ديگر، با مراجعه به اينها، برطرف مى‏گردد) و قسمتى از آن، «متشابه‏» است (آياتى كه به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهات ديگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفى در آن مى‏رود; ولى با توجه به آيات محكم، تفسير آنها آشكار مى‏گردد) اما آنها كه در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند، تا فتنه‏انگيزى كنند (و مردم را گمراه سازند)**».**

وضوء

**از وضوء شستن‌ هر دو پا حذف‌ شده‌اند، و در مسح‌ سر اگر به‌ اندازه‌ يك‌ يا دو انگشت‌ مسح‌ شود كافي‌ است،‌ تكرار مسح‌ بيش‌ از يكبار جايز نيست‌!**

نماز جمعه‌

**نماز جمعه‌ از قرن‌ پنجم‌ هجري‌ حذف‌ شده‌ و بطور كلي‌ تعطيل‌ شده‌ است،‌ و اگر فقيهي‌ به‌ اقامه‌ نماز جمعه‌ فتوا بدهد جز مقلدان‌ او كسي‌ آن‌ را نمي‌خواند، و چون‌ آن‌ فقيه‌ بميرد يا كشته‌ شود مقلدانش‌ از فتواي‌ فقيهي‌ ديگر تقليد مي‌كنند كه‌ بسا به‌ مستحب‌ بودن‌ نماز جمعه‌ يا به‌ باطل‌ بودن‌ آن‌ فتوا مي‌دهد، بعد از اينكه‌ فقيهي‌ كه‌ پيش‌ از او بوده‌ است‌ مي‌گويد: خواندن‌ نماز جمعه‌ واجب‌ است‌ و هر يك‌ ادعا مي‌كند كه‌ دليل‌ دارد و هر يك‌ نيز مدعي ‌است‌ كه‌ مذهبش‌ جعفري‌ است‌!!**

**و اينگونه‌ فرمان‌ خدا بر امضاي‌ انساني‌ وابسته‌ است‌ كه‌ گاهي‌ اجازه‌ مي‌دهد به‌ آن‌ عمل‌ شود و گاهي‌ از انجام فرمان‌ الهي‌ منع‌ مي‌كند. و خلاصه‌ اينكه‌ خداوند به‌ فقيه‌ نيازمند است‌ و فقيه‌ به‌ خدا نيازي‌ ندارد! و اگر فقيه چيزي‌ بگويد اجرا مي‌شود گرچه‌ بر خلاف‌ گفتة خداوند باشد، زيرا فقيه‌ از هر قيدي‌ و بندي‌ آزاد است،‌ اما گفته‌ و دستور خداوند اجرا نمي‌شود مگر اينكه‌ فقيه‌ توافق‌ كند، و اين‌ دقيق‌ همان‌ چيزي‌ است‌ كه‌ خداوند در مورد اهل‌كتاب‌ فرموده‌ است‌:** ﮋ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﮊ **(التوبه: 31). «**(آنها) دانشمندان و راهبان خويش را معبودهايى در برابر خدا قرار دادند**». و اين‌ چيزي   
  
است‌ كه‌ اهل‌ جهنم‌ را بر آن‌ مي‌دارد كه مي‌گويند:** ﮋ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ **(الأحزاب: 66- 67). «**در آن روز كه صورتهاى آنان در آتش (دوزخ) دگرگون خواهد شد (از كار خويش پشيمان مى‏شوند و) مى‏گويند: اى كاش خدا و پيامبر را اطاعت كرده بوديم! و مى‏گويند: پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت كرديم و ما را گمراه ساختند**».**

نماز جماعت‌

**نماز جماعت‌ كاملاً حذف‌ شده‌ يا ناديده‌ گرفته‌ مي‌شود، و جز تعداد اندكي‌ كسي‌ به‌ آن اهميتي‌ نمي‌دهد، و يا اينكه آن‌ را مستحب‌ مي‌دانند، و براي‌ اقامه‌ نماز جماعت‌ شرايط‌ سختي‌ گذاشته‌اند و يا شرايطي‌ كه‌ امكان‌ ندارد و يا در توان‌ نيست‌، مثل‌ اينكه‌ شرط‌ صحت‌ نماز جماعت‌ وجود امام‌ غائب‌ يا نائبش‌ مي‌باشد، يا بايد كسي‌ نماز جماعت را برپا كند كه‌ شرايط‌ عدالت‌ به‌ طور كامل‌ در او وجود داشته‌ باشد، و نسبت‌ به‌ مقتدي‌ و نمازگذار از هر عيب‌ و نقصي‌ سالم‌ باشد، و اگر بعضي‌ وقتها نماز جماعت‌ اقامه‌ شود بدون‌ نظم‌ و بدون‌ از اينكه‌ صف‌ها را برابر كنند اقامه‌ مي‌گردد!!**

نماز عيد

**نماز عيد همچنين‌ حذف‌ شده‌ يا به‌ فراموشي‌ سپرده‌ شده‌ است‌. و زيارت‌ قبرها جايگزين‌ نماز عيد شده‌ است‌. زيرا مردم‌ از نيمه‌ شب‌ با جمعي‌ زياد دوان‌ دوان‌ به‌ زيارت‌ قبرها مي‌شتابند، و قبل‌ از سپيده‌ دم‌ و طلوع خورشيد بايد خود را به‌ آنجا برسانند، و اگر دير بروند مرده‌اي‌شان‌ آنها را نخواهد ديد!**

**و با اين‌ كار يكي‌ از شعاير بزرگ‌ دين‌ تعطيل‌ شده‌ است‌.**

**اما عيد براي‌ كسي‌ كه‌ خادم‌ و متولي‌ قبر است‌ گويا دو عيد است‌، و راز آن‌ براي‌ كسي‌ كه‌ دو چشم‌ بينا دارد پوشيده‌ نيست‌! و به‌ نظرم‌ نيازي‌ نيست‌ كه‌ از آنچه‌ ميان‌ زنان‌ و مردان‌ انجام‌ مي‌گيرد حرف‌ بزنم‌ و موشكافي‌ كنم‌! زيرا زبان‌ نمي‌تواند سخن‌ بگويد و مي‌خشكد...**

**فكر كن‌ كه‌ چگونه‌ اين‌ تهمت‌ به‌ امام‌ صادق نسبت‌ داده‌ مي‌شود: از ابي‌ عبدالله ؛ روايت‌ است‌ كه‌ گفت‌: «هر مومني‌ كه‌ در غير از روز عيد به‌ قبر امام‌ حسين‌ بيايد و حق‌ او را بداند برايش‌ بيست‌ حج‌ و عمره‌ مبرور و مقبول،‌ و بيست‌ حج‌ همراه‌ پيامبر‌ يا امام‌ عادل‌ نوشته‌ مي‌شود، و هر كس‌ در روز عيد به‌ قبر حسين‌ بيايد ثواب‌ صد حج و صد عمره‌ و صد غزوه‌ كه‌ همراه‌ با پيامبر يا امامي‌ عادل‌ انجام‌ شده‌اند نوشته‌ مي‌شود.!!»([[30]](#footnote-30)).**

**پس چه نیازی هست به نماز عید!!**

قيام‌ رمضان‌

**قيام‌ رمضان‌ بطور كامل‌ در مسجد و ديگر جاهها تعطيل‌ است‌ به‌ جز شب‌ بيست‌ و سوم‌ كه‌ امكان‌ شب‌ قدر است، اما در بقيه‌ روزهاي‌ رمضان‌ شب‌ها با نوحه‌سرايي‌ و خواندن‌ مقتل‌ زنده‌ داشته‌ مي‌شوند!!**

نوافل‌

**نوافل‌ به‌ طور كلي‌ از برنامه‌ عملي‌ حذف‌ شده‌اند گرچه‌ از نظر تئوري‌ خواندن‌ نوافل‌ را براي‌ بيشتر مردم‌ دشوار نموده‌ است‌.**

قرائت‌

**در نماز همراه‌ با سوره‌ فاتحه‌ جز سوره‌هاي‌ كوتاهي‌ خوانده‌ نمي‌شود، يا سوره‌ اخلاص‌ يا قدر يا نصر خوانده مي‌شود، با اينكه‌ خداوند فرموده‌ است‌:** ﮋﮉ ﮊ ﮋ ﮌﮍ ﮊ **(المزمل: 20) «پس آنچه ميسّر باشد از قرآن بخوانيد». و با وجود كوتاهي‌ اين‌ سوره‌ها در دو ركعت‌ آخر قرائت‌ كاملاً حذف‌ شده‌ است‌، و چند تسبيح‌ به‌ جاي‌ آن‌ كفايت مي‌كند.**

نماز مرده‌

**نماز جنازه‌ جز وسيله‌اي‌ براي‌ جمع‌‌آوري‌ پول‌ و مال‌ بيش‌ نيست، و بدون‌ خشوع‌ خوانده‌ مي‌شود، و به‌ آن‌ اهميت داده‌ نمي‌شود، و يا اينكه‌ تلاش‌ مي‌شود تا تعداد زيادي‌ در آن‌ شركت‌ نمايند، اما بيشترشان‌ نمي‌دانند كه‌ چگونه خوانده‌ مي‌شود، گويا اين‌ رازي‌ است‌ كه‌ جز خادم‌ قبر كه‌ خوش‌ شانس‌ است‌ و جيب‌هايش‌ پر مي‌شود كسي‌ آن را نمي‌داند، پس‌ او چه‌ نيازي‌ دارد كه‌ به‌ مردم‌ بياموزد و خودش‌ را درد سر كند. بنابر اين،‌ نماز جنازه‌ در مسجدها خوانده‌ نمي‌شود و بلكه‌ در كنار قبرها خوانده‌ مي‌شود.**

پول‌ دادن‌ عوض‌ نماز

**اشكال‌ ندارد كه‌ انسان‌ نماز نخواند و بميرد، زيرا به‌ سرعت‌ مي‌توان‌ روزها و سالهايي‌ را كه‌ نماز نخوانده‌ حساب‌كرد، و به‌ (سيد) در مقابل‌ اين‌ روزهاي‌ خجسته‌ مبلغي‌ پول‌ داد، به‌ اميد اينكه او خودش‌ اين‌ نمازها را به‌ جاي‌ مرده مي‌خواند! و اگر روزي‌ ده‌ نفر پيش‌ (سيد) بيايند و از او بخواهند كه‌ به‌ جاي‌ مردگانشان‌ نماز بخواند بدون‌ ترديد مي‌پذيرد!! تو چرا ناراحت‌ مي‌شوي؟ بگذار مردم‌ روزي‌ بدست‌ بياورند!**

**اين‌ بود قيمت‌ نماز كه‌ بدون‌ ترديد بزرگترين‌ ركن‌ دين‌ است،‌ و در مورد آنچه‌ از نماز پايين‌تر هستند چه‌ فكرمي‌كني‌؟!!**

حسينيه‌ها

**حسينيه‌ها جاهايي‌ براي‌ برپايي‌ مراسم‌ عزاداري‌ و نوحه‌سرايي‌ براي‌ مردگان‌ و زنجير كوبي‌ در برخي‌ موسم‌ها هستند كه‌ آب‌ و غذا و سيگار هم‌ فراهم‌ مي‌شود، بدون‌ از اينكه‌ حرمت‌ حسين‌** **مد نظر باشد، و در آن‌ جا صندلي‌ها و مبلهاي‌ بزرگي‌ گذاشته‌ شده‌ است،‌ گويا حسينيه‌ها اماكني‌ براي‌ استراحت‌ هستند كه‌ وقت‌ در آن‌ جا گذرانده مي‌شود، و شب‌ها با داستانسرايي‌ و گفتگو سپري‌ كرده‌ مي‌شود، و آب‌ و غذا صرف‌ مي‌شود، سپس‌ سيگار روشن كرده‌ مي‌شود، و در بعضي‌ حسينيه‌ها وقتي‌ وارد مي‌شوي‌ چنان‌ احساس‌ مي‌كني‌ گويا در يك‌ قهوه‌ خانه‌ هستي‌!**

مساجد

**اغلب‌ نماز جمعه‌ و جماعت‌ در مساجد برگزار نمي‌شود، و روزي‌ فقط‌ سه‌ بار صداي‌ اذان‌ از مسجد به‌ گوش مي‌رسد، و اينچنين‌ مساجد فقط‌ پيكره‌ و اسكلت‌‌هايي‌ هستند كه‌ از هدفي‌ كه‌ خداوند به‌ خاطر آن‌ دستور داده‌ تا مساجد ساخته‌ شوند خبري‌ نيست‌!**

**اهميت‌ ندادن‌ و سردي‌ بازار مساجد را با گستردگي‌ ذلت‌‌بار و شرم‌آور ساخت‌ مزارها و مرقدها و مقام‌ها مقايسه كن، طوري‌ كه‌ هيچ‌ منطقه‌ مسكوني‌ گرچه‌ روستايي‌ دور افتاده‌ باشد، از وجود مزار و بارگاه‌ خالي‌ نيست.‌ آري،‌ آنها چون‌ در مرقدها منافع‌ مادي‌ و غيره‌ دارند ساخت‌ آن‌ را گسترش‌ مي‌دهند.**

**و اين‌ بدبختهايي‌ كه‌ در امور دينشان‌ جز آداب‌ و رسوم‌ زيارت‌ و اداي‌ زيارت‌ كه‌ در آن‌ گنبدها و ساختمانهايي‌ كه آن‌ را مانند خانه‌هاي‌ خدا كرده‌اند و به‌ آن‌ اهميت‌ داده‌ و آن‌ را آراسته‌ و بلند نموده‌اند، و ساخت‌ و ساز تعداد آن‌ را گسترش‌ داده‌اند، نمي‌دانند نزديك‌ است‌ مسجد از زندگي‌ اينها حذف‌ شود.**

**و اينگونه‌ به‌ صورت‌ يك‌ واقعيت‌ كه‌ مشاهده‌ مي‌شود، و كسي‌ نمي‌تواند آن‌ را انكار كند، ما مساجد را تعطيل نموده‌ايم،‌ و به‌ جاي‌ آن‌ زيارتگاهها را آباد كرده‌ايم‌.**

**و آنچه‌ جلب‌ توجه‌ مي‌نمايد اين‌ است كه‌ به‌ هر شهري‌ نزديك‌ شوي‌ اولين‌ چيزي‌ كه‌ مي‌بيني‌ مناره‌هاي‌ زيارتگاهها و گنبدهاي‌ آن‌ است‌، نه‌ مناره‌هاي‌ مساجد!**

**مرقد و مقبره‌ هر چند كه‌ فردي‌ كه‌ در آن‌ به‌ خاك‌ سپرده‌ شده‌ جايگاه‌ بلندي‌ داشته‌ باشد، اما امكان‌ ندارد كه‌ از خانه‌ خدا بزرگتر باشد. و پرچم‌ سرباز نبايد از پرچم‌ امير بلندبر باشد.** ﮋ ﮘ ﮙ ﮚﮛﮊ. (النحل: ٦٠**).** «و براى خدا، صفات عالى است»**.**

ذكر و خواندن‌ قرآن‌

**كمتر به‌ قرآن‌ توجه‌ مي‌شود و اهتمام‌ به‌ قرآن‌ بسيار ضعيف‌ است‌، و در نماز خوانده‌ نمي‌شود و كسي‌ قرآن‌ را حفظ‌ نمي‌كند. زيرا عالم‌ و فقيهي‌ يافت‌ نمي‌شود كه‌ قرآن‌ را حفظ‌ داشته‌ باشد، گذشته‌ از اينكه‌ فردي‌ عادي‌ آن‌ را حفظ‌ نمايد، و اين‌ قضيه‌ايست‌ كه‌ بايد در مورد آن‌ فكر كرد!!**

**قرآن‌ نه‌ به‌ كودكان‌ و نه‌ بزرگترها آموخته‌ مي‌شود، نه‌ در حسينه‌ها آن‌ را تدريس‌ مي‌كنند، و نه‌ در حوزه‌هاي‌ علميه به‌ قواعد تلاوت‌ قرآن‌ اهميتي‌ داده‌ مي‌شود، و حسينيه‌هاي‌ ما هرگز چيزي‌ را به‌ عنوان‌ كلاس‌ حفظ‌ قرآن نمي‌شناسند. بلكه‌ قرآن‌ فقط‌ براي‌ بدست‌ آوردن‌ پول‌ خوانده‌ مي‌شود! كه‌ با خواندن‌ قرآن‌ بر مرده‌ها و قبرها و در فاتحه‌ خواني‌ها مزد معيني‌ گرفته‌ مي‌شود، با اينكه‌ خداوند اهل‌ كتاب‌ را مورد خطاب‌ قرار داده‌ و فرموده‌ است‌:** ﮋ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮊ **(البقره: 41). «**و آيات مرا به بهاى ناچيزى نفروشيد**». و از پيامبرانش‌ خبر داده‌ است‌ كه‌ مي‌گويند:** ﮋ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊﰋ ﮊ **(الشعراء: 109). «**من براى اين دعوت، هيچ مزدى از شما نمى‏طلبم**‌».**

**باري‌ براي‌ يك‌ تشييع‌ جنازه‌ به‌ كربلا رفتم، من‌ دير رسيدم‌ و ديدم‌ كه‌ مردي‌ كنار قبر نشسته‌ و سوره‌ يس را مي‌خواند گفتم‌: آيه‌ به‌ آنچه‌ خداوند در اين‌ سوره‌ مي‌گويد توجه‌ نمي‌كند كه‌ مي‌فرمايد:** ﮋ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮊ  **(يـس: 21). «**از كسانى پيروى كنيد كه از شما مزدى نمى‏خواهند و خود هدايت يافته‏اند**».** ﮋ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﮊ. **(يـس: 69-70). «**اين (كتاب آسمانى) فقط ذكر و قرآن مبين استتا افرادى را كه زنده‏اند بيم دهد**». و تو برعكس،‌ مردگان‌ را با قرآن‌ بيم‌ مي‌دهي‌ و از زنده‌ها پول‌ مي‌خواهي‌!! او با گوشه‌ چشم‌ نگاهي‌ به‌ من‌ انداخت و چيزي‌ نگفت، سپس‌ بلند شد تا مبارزه‌ پيوسته‌ خود را با بيچارگاني‌ ديگر ادامه‌ دهد پس‌ از اينكه‌ يكي‌ از اين بيچاره‌ و بينوايان‌ ما به‌ او مبلغي‌ پول‌ داده‌ بود.**

**و دوستي‌ به‌ من‌ گفت:‌ به‌ ديدار يكي‌ از خويشاوندانم‌ رفته‌ بودم، روز جمعه‌ بود، مردي‌ را ديدم‌ كه‌ كنار قبر - كه‌ هنوز مرده‌ دفن‌ نشده‌ بود - سوره‌ جمعه‌ را مي‌خواند، خنديدم‌ و به‌ او گفتم‌: نماز جمعه‌ بر مرده‌ها فرض‌ نيست‌!! خواننده‌ دعوت‌ دادن‌ زنده‌ها را به‌ پايان‌ رسانده‌ و آمده‌ تا مرده‌ها را دعوت‌ بدهد، پس‌ او گوي‌ سبقت‌ را در زمينه دعوت‌ از پيشينيان‌ و آيندگان‌ برده‌ است، چون‌ مرده‌ها و زنده‌ها را دعوت‌ داده‌ است‌!!!**

**من‌ نگاهي‌ كردم‌ و گفتم‌: خداوند درست‌ فرموده‌ است‌:** ﮋ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮊ. **(فاطر: 14). «**اگر آنها را بخوانيد صداى شما را نمى‏شنوند، و اگر بشنوند به شما پاسخ نمى‏گويند**».**

ﮋ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﮊ. **(الأنفال:23). «**و اگر خداوند خيرى در آنها مى‏دانست، (حرف حق را) به گوش آنها مى‏رساند; ولى (با اين حال كه دارند،) اگر حق را به گوش آنها برساند، سرپيچى كرده و روگردان مى‏شوند**».**

**اين‌ هر دو آيه‌ بر آنها صدق پيدا مي‌كند، و عجيب‌ اينجاست‌ كه‌ زنده‌ها نماز جمعه‌ نمي‌خوانند، آن‌ هم‌ با حكم شرعي‌ آن‌ را نمي‌خوانند!!**

**آري‌، مردم‌ را از قرآن‌ و فهميدن‌ آن‌ با دلايل‌ و ياوه‌هاي‌ مختلفي‌ رويگردان‌ كرده‌اند، و از جمله‌ ياوه‌هايشان‌ يكي‌ اين است‌ كه‌ مي‌گويند: فهميدن‌ قرآن‌ مشكل‌ است، و قرآن‌ فقط‌ براي‌ بركت‌ خوانده‌ مي‌شود.**

**و آنچه‌ خداوند در مورد قرآن‌ گفته‌ است‌ را فراموش‌ كرده‌اند كه‌ فرموده‌ است‌:** ﮋ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﮊ. **(ص: 29). «كتابي‌ است‌ خجسته‌ كه‌ آن‌ را بر تو فرو فرستاده‌ايم‌ تا در آيه‌هايش‌ تدبر كنند و تا خردمندان‌ پند گيرند».**

**خداوند قرآن‌ را هم‌ بابركت‌ خوانده‌ و هم‌ فرموده‌ تا در آن‌ بيانديشند.**

**و يكي‌ از دلائلي‌ كه‌ به‌ مردم‌ ارائه‌ مي‌دهند تا از قرآن‌ رويگردان‌ شوند اين‌ است‌ كه‌ مي‌گويند: قرآن‌ ناقص‌ است‌ و تحريف‌ شده‌ است‌، و قرآن‌ درست‌ و واقعي‌ نزد مهدي‌ است‌. همان‌ طور كه‌ كليني‌ از ابوعبدالله روايت‌ مي‌كند كه گفت‌: (قرآني‌ كه‌ جبرئيل‌ براي‌ محمد ص آورده‌ است‌ هفده‌ هزار آيه‌ است‌)([[31]](#footnote-31)).**

**آيا معني‌ اين‌ سخن‌ را مي‌داني‌؟ قرآني‌ كه‌ در دست‌ ماست‌ شش‌ هزار و اندكي آيه‌ بيش نيست،‌ پس‌ نزديك‌ به‌ يازده‌ هزار آيه‌ ديگر كجاست‌؟!**

**و روايتي‌ روايت‌ شده‌ كه‌ سبب‌ پنهان‌ بودن‌ قرآن‌ درست‌ و واقعي اين‌ است‌ كه‌ امام‌ علي ؛ بر صحابه‌ خشمگين‌ شد، چون ‌آنها آن‌ قرآن‌ را نپذيرفتند. بنابراين،‌ او آن‌ قرآن‌ را از آنها پنهان‌ نمود و آن‌ را جز به‌ فرزندانش‌ به‌ كسي‌ ديگر نداد، و همچنان‌ فرزندان‌ او فقط‌ آن‌ را به‌ يكديگر مي‌دادند تا اينكه‌ به‌ مهدي‌ رسيد، و اين‌ قرآن‌ تا مهدي‌ ظهور نكند براي ‌مردم‌ پديدار نمي‌شود)!!([[32]](#footnote-32)).**

**و از مثالهايي‌ كه‌ براي‌ اثبات‌ وقوع‌ تحريف‌ در قرآن‌ ارائه‌ شده‌ است‌، مطلبي‌ است‌ كه‌ در كافي‌ از ابوعبدالله ؛ روايت ‌شده‌ كه‌ مردي‌ اين‌ آيه‌ را پيش‌ او خواند** ﮋ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥﯦ ﮊ. **(التوبه: 105). «**و بگو: عمل كنيد! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را مى‏بينند**». ابوعبدالله گفت‌: اينطور نيست‌، بلكه‌ (المأمونون‌) درست‌ است،‌ و (مأمونون‌) ما هستيم([[33]](#footnote-33))‌.**

**و نمونه‌هاي‌ ديگر زيادي‌ هست‌ كه‌ مي‌گويند تحريف‌ شده‌ است‌، مثلاً در قرآن‌ آمده‌:** ﮋ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﮊ. **(التكوير: 8- 9). «**و در آن هنگام كه از دختران زنده به گور شده سؤال شود. به كدامين گناه كشته شدند؟**». مي‌گويد: در اصل‌:** ﮋ ﭭ ﭮ ﭯ ﮊ. **يعني‌ وقتي‌ كه‌ از دوستي‌ اهل‌ بيت‌ پرسيده‌ شود كه‌ چرا كشته‌اند. و اين ياوه‌ به‌ امام‌ صادق : نسبت‌ داده‌ مي‌شود([[34]](#footnote-34)).**

**و اينطور اعتماد مردم‌ خواه‌ عالم‌ و خواه‌ افرادي‌ عادي‌ به‌ اين‌ كتاب‌ گرانقدر كم‌ شده‌ است،‌ و بنابراين‌ از قرآن‌ روي‌ برتافته‌اند، و از حفظ‌ قرآن‌ و انديشيدن‌ در قرآن‌ اعراض‌ نموده‌ و به‌ كتابهايي‌ ديگر مانند كتاب‌هاي‌ دعا و زيارتنامه‌ها و كتابچه‌هاي‌ كوچكي‌ كه‌ معتقدند از بيماري‌ شفا مي‌دهد و از چشم‌‌زخم‌ حفاظت‌ مي‌نمايد، و حسد را دور مي‌كند، و از بدي‌ و شر مصون‌ مي‌دارد روي‌ آورده‌اند، و در ضمن‌ اين‌ چيزها وسيله‌اي‌ براي‌ بدست‌ آوردن ‌پول‌ از افراد نادان‌ و جاهل‌ است‌.**

**بدون‌ ترديد، ولي‌ امر وقتي‌ نيت‌ و قصدش‌ فاسد و نادرست‌ باشد و به‌ مال‌ يتيمي‌ كه‌ در تحت‌ سرپرستي‌ او قرار دارد و چشم‌ دوخته‌ باشد نمي‌خواهد كه‌ يتيم‌ به‌ رشد و آگاهي‌ برسد، زيرا مي‌ترسد اگر يتيم‌ به‌ رشد و آگاهي برسد او از مال‌ محروم‌ مي‌شود، امت‌ با فهميدن‌ و انديشيدن‌ قرآن‌ به‌ رشد و بلوغ‌ فكري‌ خود مي‌رسد. بنابراين، ‌بسياري‌ از مردان‌ مذهبي‌ كه‌ به‌ اموال‌ مردم‌ چشم‌ طمع‌ دوخته‌اند يا اهدافي‌ دور و دراز دارند، براي‌ دور كردن‌ امت از قرآن‌ فعاليت‌ كرده‌اند تا امت‌ همواره‌ و هميشه‌ در مرحله‌ كودكي‌ فكري‌ باقي‌ بماند كه‌ سالهاست‌ هر شب خواب‌ مي‌بيند كه‌ پدرش‌ برگشته‌ است‌!**

درس‌هاي‌ موعظه‌ و سخنراني‌

**موعظه‌ها خواه‌ در مساجد يا بيرون‌ از آن‌، مانند فاتحه‌خواني‌ها و مجالس‌ عزا ايراد شوند همه‌ با نوحه‌سرايي‌ و سينه‌زني‌ آغاز مي‌شوند، و با نوحه‌سرايي‌ و سينه‌زني‌ پايان‌ مي‌يابند، و مداح‌ و نوحه‌سرا امكان‌ ندارد كه‌ بدون مزد براي‌ خدا نوحه‌سرايي‌ كند. و از پيش‌ مزد او به‌ طور قطعي‌ مشخص‌ شده‌ حتي‌ در رمضان‌ كه‌ بهترين‌ غذاها و نوشيدني‌ها تقديم‌ مي‌گردد و حتي‌ فتواها در مقابل‌ پول‌ داده‌ مي‌شوند. و عقدهاي‌ ازدواج‌ و ثبت‌ طلاق به‌ جاي ‌خود.**

فصل‌ سوم‌  
روزه‌ی ماه‌ رمضان‌ و حج‌ كعبه‌

روزه‌ی‌ رمضان‌

**بازي‌ با روزه‌ و توهين‌ به‌ آن‌ بسيار شگفت‌انگيز است‌!! آري‌، ماه‌ رمضان‌ و روزه‌ در خدمت‌ اهداف‌ و مقاصد سياسي‌ است، بدون‌ اينكه‌ وجود پروردگار بزرگ‌ مورد ملاحظه‌ قرار بگيرد، و بدون‌ اينكه‌ در برابر ميليون‌ها مسلمان‌ كه‌ در آغاز ماه‌ افطار مي‌نمايند احساس‌ مسئوليت‌ كنند، بلكه‌ آنها حتماً يك‌ و دو روز از روزهاي‌ عيد را روزه‌ بگيرند!! زيرا هلال‌ از جهت‌ مغرب‌ رويت‌ نمي‌شود. - آن‌ گونه‌ كه‌ معروف‌ و مشخص‌ است‌ - بلكه‌ آنها منتظرند تا ماه‌ را از جهت‌ مشرق ببينند، و اين‌ مشرقي‌ها خداوند هدايتشان‌ كند هدفشان‌ اين‌ است‌ كه‌ هر سال‌ با تمام‌ مسلمين‌ جهان‌ مخالفت‌ كنند. بنابراين، روزي‌ كه‌ آنها روزه‌ مي‌گيرند، روزه‌ نمي‌گيرند و روزي‌ كه‌ آنها عيد مي‌گيرند آنان‌ عيد نمي‌گيرند، و اين‌ كار فقط‌ براي‌ اين‌ انجام‌ مي‌گيرد تا تمام‌ شيعيان‌ از بقيه‌ برادران‌ مسلمان‌ خود در عقائد و شرائع‌ و شعائر اسلامي‌ كاملاً جدا باشند. چه‌ بسا ديده‌ايم‌ كه‌ مسلمين‌ روزه‌ مي‌گيرند در حالي‌ كه‌ هلال‌ را به راحتي‌ افرادي‌ كه‌ چشمانشان‌ ضعيف‌ هستند مي‌بينند، اما آنها گويا كور هستند و نمي‌بينند، و همچنين‌ در عيد چنين‌ هستند!!**

**و اينچنين‌ با گذشت‌ ايام‌ و سالها با تراكم‌ اضطراب‌ و ترديد مردم‌ عادي‌ ما به‌ حالتي‌ آميخته‌ از شك ‌و اطمينان‌ نكردن‌ به‌ هيچ‌ چيزي‌ خوي‌ گرفته‌اند. بنابراين‌، مي‌بيني‌ كه‌ آنها چند روز پيش‌ از آغاز ماه‌ رمضان‌ روزه مي‌گيرند تا مطمئن‌ شوند كه‌ چيزي‌ از رمضان‌ را از دست‌ ندهند، و اين‌ به‌ صورت‌ يك‌ عادت‌ در آمده‌ كه‌ آن‌ را (تسبيق‌) يعني‌ پيش‌ رفتن‌ مي‌نامند. و اين‌ دليلي‌ است‌ بر اينكه‌ اين‌ بيچاره‌ها از ته‌ دل‌ اعتمادي‌ ندارند و به‌ تقويم‌ روزي‌ كه‌ هر كس‌ بيان‌ كند قانع نمي‌شوند، گرچه‌ از روي‌ عناد و لجاجت‌ از خود دفاع‌ كنند.**

**چند روز قبل‌ از رمضان‌ روزه‌ گرفتن‌ راه‌ حل‌ ميانه‌ايست‌ تا رشته‌ قانع‌ نشدن‌ و عدم‌ اعتماد با آنچه‌ از اعتماد و قانع ‌شدن‌ كه‌ بايد مي‌داشتند قطع‌ نشود!! اما اين‌ جدايي‌ بين‌ عقيده‌ و عمل‌ و‌ تئوري‌ و تطبيق‌ و اجرا است كه‌ راه‌ را براي تجسم‌ شخصيتي‌ پيچيده‌ كه‌ حق‌ را مي‌بيند و با وجود دليل‌ روشن‌ آن‌ را انكار مي‌نمايد هموار كند و اگر نه‌ چه دليلي‌ صريح‌ و روشن‌تر از هلالي‌ است‌ كه‌ با چشم‌ عادي‌ و غيرمسلح‌ ديده‌ مي‌شود؟!**

**دايى‌ام‌ براي‌ من‌ تعريف‌ نمود كه‌ در دومين‌ يا سومين‌ روز عيد فطر به‌ بازار آمدم‌ و گذرم‌ بر مغازه يكي‌ از دوستانش‌ افتاد وقت‌ غروب‌ بود و خورشيد كم‌كم‌ داشت‌ پشت‌ كوهها پنهان‌ مي‌شد، اما ديدم‌ كه‌ دوست من‌ هنوز روزه‌ است، به‌ او گفتم‌: مگر هلال‌ را نمي‌بيني‌؟!! نگاه‌ كن - و با اشاره‌ دست‌ به‌ او نشان‌ دادم - هلال‌ ماه شوال‌ در آن‌ لحظه‌ چون‌ شمشيري‌ در صفحه‌ آسمان‌ مي‌درخشيد و با اينكه‌ خورشيد داشت‌ غروب‌ مي‌كرد! اما دوست‌ با اينكه‌ خيلي‌ اصرار كردم‌ و چند بار كوشش‌ نمودم‌ از نگاه‌ كردن‌ به‌ سوي‌ آن به‌ شدت‌ ابا ورزيد، و نمي‌دانم‌ چرا مغازه‌اش‌ را بست‌ و بعداً شتابان‌ به‌ سوي‌ خانه‌اش‌ به‌ راه‌ افتاد!!**

**اين‌ چنين‌ اين‌ تراژدي‌ در هر سال‌ تكرار مي‌شود، و مردم‌ اين‌ ركن‌ بزرگ‌ را مورد توهين‌ قرار مي‌دهند، و به‌ اين‌ دو شعيرة‌ بزرگ‌ اسلامي‌ يعني‌ روزه‌ گرفتن‌ در اول‌ رمضان‌ با رويت‌ هلال رمضان،‌ و افطار كردن‌ در اول‌ شوال‌ با رويت‌ هلال‌ ماه شوال‌، ارزش‌ قائل‌ نمي‌شوند.**

عذرهاي‌ شرم‌ آور

**دوستان‌ ما در عذرهايي‌ كه‌ با وجود آن‌ مي‌توان‌ روزه‌ نگرفت‌ بسيار تساهل‌ كرده‌اند، زيرا سفر را حتي‌ در كمترين ‌مسافت‌ عذري‌ قرار داده‌اند كه‌ بايد روزه‌ را شكست‌!! و براي‌ اين‌ كار خود حيله‌هايي‌ مي‌آورند كه‌ بي‌مزه‌ هم نيستند، مثلاً دانشجويي‌ در ايام‌ امتحانات‌ كه‌ مصادف‌ با ماه‌ رمضان‌ است‌ پيش‌ حاج‌ آقا مي‌رود تا راه‌ حل‌ و فتوايي‌ بگيرد، به‌ او فتوا مي‌دهند كه‌ براي‌ اينكه‌ از روزه‌ نجات پیدا‌ كند هر روز سفر كوتاهي‌ به منطقه‌اي‌ نزديك‌ برود، و مسافت‌ رفت‌ و برگشت‌ براي‌ او حساب‌ مي‌شود، و روزه‌اي‌ بر او نيست، و از آن‌ جمله‌ كه مي‌گويند: به‌ محض‌ اينكه‌ كسي‌ از جوي‌ آبي‌ عبور كرد بايد روزه‌اش‌ را بشكند.**

**و نيز شكستن‌ روزه‌ براي‌ كسي‌ كه صبح‌ شد و او هنوز از جنابت‌ غسل‌ نكرده‌ را واجب‌ قرار داده‌اند، و مصيبت‌ اينجاست‌ كه‌ براي‌ قضا گرفتن‌ اين‌ روزه‌ اصلاً تاكيد نمي‌كنند.**

بهره‌ جنسي‌

**در فتواهاي‌ رمضان‌ مسائل‌ جنسي‌ بي‌بهره‌ نيستند!!! اين‌ فتوا را بخوانيد: (اگر كسي‌ هدفش‌ چسباندن‌ ران‌ باشد و ناگهان‌ آله‌ تناسلي‌اش‌ بدون‌ اينكه‌ قصد آن‌ را داشته‌ باشد وارد يكي‌ از دو راه‌ زن‌ شود روزه‌اش‌ نمي‌شكند. و اگر هدفش‌ آميزش‌ جنسي‌ باشد و در داخل‌ شدن‌ آله‌ تناسلي‌ شك‌ داشته‌ باشد و يا اينكه‌ در اينكه‌ آيا به‌ اندازة حشفه‌ (سر آله‌) داخل‌ رفته‌ شك‌ داشته‌ باشد روزه‌اش‌ باطل‌ مي‌شود، اما كفاره‌ بر او واجب‌ نيست‌!)([[35]](#footnote-35)).**

**وقتي‌ اين‌ سخن‌ را مي‌خواني‌ چه‌ احساس‌ مي‌كني‌؟! آيا بعد از اين‌ حرمت‌ و جايگاهي‌ براي‌ ماه‌ رمضان‌ باقي ‌مي‌ماند؟!**

**اين‌ فتوا را بخوان‌:**

**(از جمله‌ چيزهايي‌ كه‌ روزه‌ را مي‌شكند قصد جماعي‌ كه‌ باعث‌ جنابت مي‌شود، و اگر از روي‌ قصد نباشد روزه باطل‌ نمي‌شود)([[36]](#footnote-36)).**

**مصيبت‌ اين‌ فتواها تنها اين‌ نيست‌ كه‌ خواننده‌ براي‌ انجام‌ چنين‌ كارهايي‌ تمرين‌ داده‌ مي‌شود، بلكه‌ مصيبت اينجاست‌ كه‌ شكسته‌ شدن‌ روزه‌ را فقط‌ منحصر به‌ چيزي‌ نموده‌ كه‌ موجب‌ جنابت‌ مي‌گردد. لواطت‌ روزه‌ را نمي‌شكند مگر اينكه‌ كسي‌ از روي‌ احتياط‌ چنين‌ فكر كند كه‌ گويا روزه‌اش‌ شكسته‌ است‌، زيرا حكم‌ به‌ جنب ‌بودن‌ كسي‌ كه‌ لواطت‌ با مردي‌ ديگر كرده‌ يقيني‌ نيست، بلكه‌ از روي‌ احتياط‌ گفته‌ مي‌شود جنب‌ است‌!!!**

**بدان‌ نوعي‌ آميزش‌ جنسي‌ هست كه باعث‌ جنابت‌ مي‌شود و نوعي‌ ديگر است‌ كه‌ باعث‌ جنابت‌ نمي‌شود!!**

**چه‌ تاييد مي‌كني‌ چه‌ تاييد نمي‌كني‌!!**

زنان‌ و مردان‌ ملا

**رمضان‌ موسمي‌ است‌ كه‌ زنان‌ ملا در آن‌ براي‌ سينه‌زني‌ و نوحه‌سرايي‌ زياد مي‌شود كه‌ اين‌ را (قرايه‌) مي‌نامند، و همچنين‌ مردان‌ ملا زياد مي‌شوند و (مقتل‌) را مي‌خوانند و خود را به‌ گريه‌ و ناله‌ مي‌زنند، از اينكه‌ اين‌ رسوم‌ و عادت‌ها با رمضان‌ چه‌ ارتباطي‌ دارند نپرس،‌ زيرا اين‌ مطلبي‌ است‌ كه‌ جز (راسخان‌ در علم‌) آن‌ را نمي‌دانند! اين كارها وسيله‌هاي‌ خوب‌ و سودآوري‌ است‌ براي‌ به‌ دست‌ آوردن‌ پول‌ و سامان‌ بخشيدن‌ به‌ وضعيت‌ خود! مگر رمضان‌ ماه‌ خير و بركت‌ نيست‌؟!**

**پس‌ قرآن‌ در ماه‌ قرآن‌ تعطيل‌ مي‌شود، و اين‌ مانع‌ از سد راه‌ برداشته‌ شده،‌ و نوحه‌سرايي‌ و گريه‌ به‌ جاي‌ آن‌ گذراده شده‌، و رمضان‌ موسمي‌ براي‌ جمع‌‌آوري‌ پول‌ و فرصتي‌ براي‌ اختلاط‌ و سردرگمي‌ شده‌ است‌!**

آيا مذهب‌ اهل‌ بيت‌ همين‌ بوده‌ است‌؟!

**سوگند به‌ خدا كه‌ آنها چنين‌ نبوده‌اند!! بلكه‌ آنها آموخته‌ و به‌ ديگران‌ رسانده‌اند، اما مخالفت‌ كرده‌ و سرپيچي نموده‌ايم‌!!**

**از ابوعبدالله ؛ روايت‌ است‌ كه‌ در مورد اين‌ آيه‌** ﮋ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮﭯﮊ **(الممتحنه: 12). گفت‌: (معروف‌ يعني‌ اينكه‌ گريبان‌ را پاره‌ نكنند و بر گونه‌هايشان‌ نزنند و واويلا سر ندهند و در كنار قبري ‌ننشينند و لباس‌ سياه‌ براي‌ سوگ‌ نپوشند، و موههايشان‌ را باز و ژوليده‌ نكنند)([[37]](#footnote-37)).**

**و از ابي‌جعفر ؛ روايت‌ است‌ كه‌ گفت‌: آيا مي‌دانيد معني‌ گفتة‌ خداوند چيست‌ كه‌ مي‌گويد:** ﮋ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮﭯ ﮊ **(الممتحنه: 12)؟ پيامبر ص به‌ فاطمه ‘‌ گفت:‌ وقتي‌ من‌ مُردم‌ چهره‌ات‌ را با ناخن‌ مخراش‌، و به‌ سوگ‌ من‌ موههايت‌ را باز و ژوليده مكن‌، و واويلا سر مده‌، و براي‌ من‌ نوحه‌سرايي‌ مكن‌. گفت‌: سپس‌ پيامبر فرمود: اين‌ معروفي‌ است‌ كه‌ خداوند گفته‌ است‌)([[38]](#footnote-38)).**

**و در روايتي‌ ديگر از ابوعبدالله ؛ كه‌ او از پيامبر ص روايت‌ مي‌كند آمده‌ كه‌ پيامبر ص گفت‌: (بر گونه‌ات‌ سيلي‌ مزن،‌ و چهره‌ات‌ را با ناخن‌ مخراشان‌، و موهايت‌ را مَكَن‌، و گريبانت‌ را پاره‌ نكن،‌ و سياه‌ نپوش‌ و واويلا سر مده‌)([[39]](#footnote-39)).**

حج‌ كعبه‌

**آنچه‌ من‌ به‌ آن‌ دسته‌ يافته‌ام‌ از روايات‌ و فتواهايي‌ كه‌ بر كاستن‌ از ارزش‌ كعبه‌ و توهين‌ به‌ آن‌ ساخته‌ و وضع ‌شده‌اند گمان‌ نمي‌كنم‌ هيچ‌ عاقلي‌ به‌ آن‌ اطلاع‌ يابد مگر اينكه‌ حيرت‌ و سرگيجه‌ او را فرا مي‌گيرد!! و همه‌ اين ‌روايت‌ها به‌ ائمه‌ يا مذهبشان‌ نسبت‌ داده‌ مي‌شود!!**

**و همواره‌ فتواهايي‌ مي‌خوانيم‌ و مصيبت‌هايي‌ مي‌شنويم‌ كه‌ مي‌گويد: قبر حسين‌ ؛ يا ضريح‌ امام‌ علي ؛ ازكعبه‌ برتر است‌!!**

**بلكه‌ براي‌ اثبات‌ اين‌ برتري‌ فلسفه‌بافي‌ مي‌كنند و قياس‌ها و راهها و تاويلاتي‌ ارائه‌ مي‌دهند:**

**و چون‌ حسين ؛ پسر دختر پيامبر ص است، پس‌ قبرش‌ از كعبه‌ برتر است‌.**

**مي‌گويند: مسجد نبوي‌ از مسجد الحرام بهتر و برتر است‌!! چرا؟**

**چون‌ پيامبر ص در مسجد نبوي‌ دفن‌ شده‌ است.‌ بنابراين، قبر او از كعبه‌ بهتر و برتر است‌، و از آن‌ جا كه‌ امام‌ علي ؛ از حسين‌ ؛ برتر است، پس‌ ضريح‌ او از كعبه‌ برتر است‌!!**

**نفرين‌ خدا بر ابليس‌ باد، او اولين‌ كسي‌ بود كه‌ در برتري‌ دادن‌ از اين‌ شيوه‌ پيروي‌ كرد:** ﮋ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﮊ **(الأعراف: 12). «گفت:** من از او بهترم; مرا از آتش آفريده‏اى و او را از گل**!». پس‌ نص‌ صريح‌ را كه‌** ﮋ ﮩ ﮪ ﮊ **(البقره: 34). «براى آدم سجده كنيد». ترك‌ گفت‌ و از عقل‌ و قياس‌ خودش‌ پيروي‌ كرد.**

**آنها به‌ ما گفته‌ بودند كه‌ قياس‌ در فروع‌ فقهي‌ درست‌ نيست،‌ پس‌ چگونه‌ آن‌ را در امور اعتقادي‌ درست‌ قرار داده‌اند؟!**

**بلكه‌ مسجد منهدم‌ شدة‌ كوفه‌، و بيت‌ الاماره‌ كه‌ در مجاورت‌ آن‌ است‌ كه‌ امروز چون‌ موزه‌اي‌ خالي‌ است، همچنين‌ از كعبه‌ بهتراند!! آري‌!! آن‌ مسجد در قلب‌هاي‌ اين‌ دروغگويان‌ جايگاهي‌ برتر و بزرگتر دارد، چون‌ در دلهايشان‌ كعبه‌ برتري‌ و ارزشي ‌ندارد.**

**آيا مي‌داني‌ كه‌ سبب‌ دشمني‌ آنها با كعبه‌ چيست،‌ كعبه‌اي‌ كه‌ خداوند مشرف‌ و بزرگ‌ قرار داده‌ است‌؟!**

**وقت‌ آن‌ فرا رسيده‌ تا عقلها براي‌ انديشدين‌ آزاد شوند تا وظيفه‌اي‌ را كه‌ براي‌ آن‌ آفريده‌ شده‌اند انجام‌ دهند.**

**اين ‌عقيده‌ها از دين‌ خدا نيستند، و امكان‌ ندارد كه‌ طبق‌ آيين‌ و روش‌ اهل‌ بيت‌ باشند. بلكه‌ اين‌ عقايد را دست‌هاي پنهاني‌ ساخته‌اند تا مراقد ائمه‌ اطهار را جايگزيني‌ براي‌ كعبه‌ قرار دهند، تا دلهاي‌ مردم‌ را از كعبه‌ به‌ سوي‌ اين گنبدها و مزارها بگردانند، و بيانديش‌ كه‌ آنها چگونه‌ در همين‌ حال‌ كه‌ از جايگاه‌ حج‌ مي‌كاهند و به‌ آن‌ توهين مي‌كنند، در مقابل‌ از جايگاه‌ مزارها تقدير مي‌كنند، و آن‌ را به‌ شدت‌ بزرگ‌ و مهم‌ جلوه‌ مي‌دهند، و مردم‌ را طوري ‌كرده‌اند كه‌ براي‌ حج‌ به‌ اين‌ مزارها مي‌آيند و لبيك‌ مي‌گويند و دعا و گريه‌ مي‌كنند، بلكه‌ قرباني‌ مي‌كنند و از قبرها كمك‌ مي‌جويند، و بين‌ آن‌ مي‌دوند و سعي‌ مي‌نمايند، و اطراف‌ آن‌ طواف‌ مي‌كنند، و آن‌ را دست‌ مي‌كشند و آستانه‌هاي‌ آن‌ را مي‌بوسند و قرباني‌هايي‌ را تقديم‌ آن‌ مي‌دارند و به‌ نذرهايشان‌ وفا مي‌كنند و حيوانات‌ را سر مي‌برند، گويا آنها در كعبه‌ مشرفه‌ هستند و هر كس‌ مي‌خواهد معني‌ سخن‌ مرا بداند بايد در روز عرفه‌ به‌ كربلا برود!!**

**بيشتر مردم‌ عوام‌ ما عقيده‌ دارند كه‌ صحت‌ حج‌ وابسته‌ به‌ زيارت‌ ائمه‌ است‌، و اگر بدون‌ زيارت‌ ائمه‌ كسي‌ حج برود حجش‌ باطل‌ است‌، اما برعكس‌ نيست‌!!**

**و مي‌توان‌ در عوض‌ رفتن‌ به‌ حج‌ مبلغي‌ پول‌ به‌ يكي‌ از دجال‌ها داد!!**

**و اختلاط‌ زنان‌ و مردان‌ در مراقد ائمه‌ و وضعيت‌ بد آن‌ تا حدي‌ كه‌ با وجود هيبت‌ محل‌ مرتكب‌ عمل‌ منافي عفت‌ مي‌شوند، داستانهاي‌ معروفي‌ دارد و شايسته‌ نيست‌ دفتر اين‌ داستانها بسته‌ شود و حكايت‌ نشوند!!**

**آيا اين‌ است‌ آيين‌ اهل‌ بيت‌؟!**

**اين‌ چه‌ بيتي‌ است‌ كه‌ دينش‌ اين‌ است، يا دين‌ اهل‌ بيت‌ آن اين‌ است‌؟!! تعلق‌ و وابستگي‌ به‌ قبرها چيز عجيبي‌ شده حتي‌ وقتي‌ كه‌ آنها در بيت‌ الحرام‌ (كعبه‌) هستند به‌ قبرها مشغول‌اند!!**

**و مردم‌ مسخره‌ها و شگفتي‌‌هايي‌ مشاهده‌ مي‌نمايند، مانند سينه‌زدن‌ و نوحه‌سرايي‌ كردن‌ در حالي‌ كه‌ حجاج در زيباترين‌ لحظه‌ ارتباط‌ زمين‌ با آسمان‌ در عرفه‌، به‌ سر مي‌برند كه‌ كارهايشان‌ باعث‌ ننگ‌ و عار براي‌ ما شده است‌.**

**در سرزمين‌ عرفه‌ و در روز عرفه‌ كساني‌ كه‌ ادعا مي‌كنند پيرو اهل‌ بيت‌ هستند نوحه‌سرايي‌ و سينه‌زني‌ مي‌كنند!!**

**به‌ نظر شما مردم‌ اگر بر اين‌ باور باشند كه‌ اين‌ كاري‌ است‌ كه‌ اهل‌ بيت‌ به‌ آن‌ سفارش‌ نموده‌ در مورد اهل‌ بيت‌ چه خواهند گفت‌؟!**

**دايى‌ام به‌ من‌ گفت‌: در حالي‌ كه‌ كعبه‌ را طواف‌ مي‌نمودم‌ مردي‌ را ديدم - كه‌ به‌ گمانم‌ ايراني‌ بود - كه همراهاني‌ را كه‌ داشت‌ صدا مي‌زد و مي‌گفت‌: بياييد، حسين‌ را زيارت‌ مي‌كنيم‌!! پس‌ آن‌ گاه‌ مجموعه‌اي‌ از اين‌ دسته‌هاي‌ گمراه‌ اطراف‌ او جمع‌ ‌شدند و چهره‌هايشان‌ را به‌ سوي‌ كربلا كردند سپس‌ پشت‌ سر او تكرار مي‌كردند: السلام‌ عليكم‌ يا ابن‌ بنت‌ رسول‌ الله!!.. سپس‌ كساني‌ را كه‌ داخل‌ حرم‌ شريف بودند دشنام‌ و ناسزا گفتند!! سپس‌ آن‌ مرد ياوه‌اش‌ را چنين‌ به‌ پايان‌ رساند و گفت‌: اين‌ زيارت‌ حسين‌ ؛ است، و نزد خداوند برابر با هفتاد حج‌ است‌!! كسي‌ كه‌ اين‌ ماجرا را براي‌ من‌ تعريف‌ كرد مي‌گفت‌: نفرت‌ مرا فرا گرفت، خواستم‌ جوابش‌ را بدهم‌، دشنامش‌ بدهم‌ و نفرينش‌ كنم‌، يا به‌ هر راهي‌ كه‌ مي‌توانم‌ ساكتش‌ كنم، زيرا از اين ‌زشتي‌ها خجالت‌ مي‌كشيدم‌ و مي‌خواستم‌ عيبش‌ را بپوشانم، اما ترسيدم‌ كه‌ اين‌ كار من‌ از نوع‌ مجادله‌اي‌ باشد كه ما از مجادله‌ و جر و بحث‌ در حج‌ نهي‌ شده‌ايم‌، بنابراين‌ رهايش‌ كردم‌ و رفتم‌!!**

منابع‌ مصيبت‌

**كليني‌ از ابوجعفر ؛ روايت‌ مي‌كند كه‌ او به‌ مردم‌ نگاه‌ كرد كه‌ اطراف‌ كعبه‌ طواف‌ مي‌كردند گفت‌: در جاهليت اينچنين‌ طواف‌ مي‌كردند. و در روايتي‌ ديگر آمده‌ است‌: كاري‌ است‌ مانند كارهاي‌ جاهليت‌!!([[40]](#footnote-40)).**

**و از ابوعبدالله ؛ روايت‌ مي‌شود كه‌ او به‌ مردي‌ كه‌ پيش‌ او آمده‌ و قبر اميرالمؤمنين‌ را زيارت‌ نكرده‌ اعتراض نموده‌ و گفت‌: كار بسيار بدي‌ كرده‌اي‌!! تو اگر از شيعه‌ ما نبودي‌ به‌ تو نگاه‌ نمي‌كردم، آيا تو كسي‌ را زيارت ‌نمي‌كني‌ كه‌ خدا و فرشتگان‌ و پيامبران‌ و مومنان‌ او را زيارت‌ مي‌كنند([[41]](#footnote-41)).**

**سبحان‌ الله!! طواف‌ كعبه‌ (كاري‌ از كارهاي‌ جاهليت‌ است‌)، و قبر علي‌ را خدا زيارت‌ مي‌كند!!**

**آيا مي‌توان‌ تصديق‌ كرد و يا به‌ عقل‌ مي‌گنجد كه‌ اين‌ سخن‌ كفر از گفته‌هاي‌ پيامبر ص باشد؟!**

فصل‌ چهارم‌  
زكات‌ و خمس‌ و اموال‌

زكات‌

**خداوند به‌ زكات‌ اهميت‌ به‌ سزايي‌ قايل‌ شده‌ است، و زكات‌ پاية‌ سوم‌ از پايه‌هايي‌ است‌ كه‌ اسلام‌ بر آن‌ استوار شده‌ است‌، و در بسياري‌ آيه‌ها و احاديث‌ سخن‌ از زكات‌ به‌ ميان‌ آمده، و به‌ اداي‌ آن‌ دستور داده‌ شده‌ است، با وجود اين‌ همه‌ زكات‌ تعطيل‌ است‌، و به‌ آن‌ اهميتي‌ داده‌ نمي‌شود، و از آن‌ يادي‌ نمي‌شود مگر خيلي‌ اندك، و عموم‌ مردم‌ از احكام‌ ساده‌ و روشن‌ آن‌ هيچ‌ چيز نمي‌دانند. چرا؟**

**به‌ دليل‌ اين‌ امر خيلي‌ فكر كردم، بالآخره‌ يافتم‌ كه‌ دليلش‌ خمس‌ است‌!! زكات‌ عموماً حق‌ نيازمندان‌ است، در صورتي‌ كه‌ خمس‌ را آنها ويژة طبقه‌ مشخصي‌ نموده‌اند، و آن‌ طبقه‌ سادات‌ و فقها مي‌باشند. اين يك طرف قضيه، و از طرفي ديگر ارزش زكات به‌ نسبت‌ خمس‌ چيزي‌ نيست‌ كه‌ بيان‌ شود، و مكلف‌ كردن‌ مردم‌ به‌ هر دو (زكات‌ و خمس‌) بسيار دشوار است، پس‌ بايد يكي‌ را انتخاب‌ كرد، و خمس‌ انتخاب‌ شده‌ است، چون‌ خمس‌ خيلي‌ بيشتر و مخصوص‌ است. بنابراين، آنها زكات‌ را به فراموشي‌ سپرده‌اند، و در مورد آن‌ اهمال‌ ورزيده‌اند گرچه‌ اگر پرداخت‌ شود اشكالي‌ ندارد.**

**و اين‌ چنين‌ دري‌ بزرگ‌ از درهاي‌ نيكوكاري‌ عام‌ را بسته‌اند - و يا نزديك‌ است‌ ببندند - و به‌ جاي‌ آن‌ دري‌ ديگر گشوده‌اند كه‌ آنان‌ را به‌ تالار استفاده‌ شخصي‌ ويژه‌ مي‌رساند و آن‌ در، دروازه‌ خمس‌ است‌.**

**در آغاز اين‌ كتاب‌ گفتم‌ كه‌ تدين‌ وارداتي‌ و غيرواقعي‌ در اين‌ عبارت‌ جامع‌ خلاصه‌ مي‌شود: (ديني‌ است‌ كه‌ در امر عبادت‌ بر اساس‌ تنگ‌ نظري‌ و سخت‌گيري‌ استوار است، و در امور مالي‌ و جنسي‌ اساس‌ كار آن‌ بر توسعه‌ و چشم‌پوشي‌ و تسامح‌ استوار است‌).**

**اما در زمان‌هايي‌ كه‌ فقها اينگونه‌ كه‌ امروز خمس‌ مي‌گيرند خمس‌ نمي‌گرفتند و دروازه‌ خمس‌ كاملاً هنوز باز نشده‌ بود، خمس‌ ذكر مي‌شد و براي‌ دادن‌ آن‌ سخت‌ گرفته‌ نمي‌شد، و تقيه‌ در گرفتن‌ آن‌ دخالتي‌ نداشت، بلكه‌گفته‌ مي‌شد: خمس‌ حق‌ امام‌ غائب‌ است، و صاحب‌ خمس‌ مي‌تواند اصلاً خمس‌ اموالش‌ را بيرون‌ نكند، و اگر آن‌را بيرون‌ كرد - كه‌ بيرون‌ كردن‌ آن‌ بر او واجب‌ نيست -ـ يا آن‌ را در زمين‌ دفن‌ كند و يا به‌ كسي‌ كه‌ به‌ او اعتماد دارد سفارش‌ نمايد كه‌ در هنگام‌ ظهور مهدي‌ آن‌ را بيرون‌ بياورد. در آن‌ روزها راه‌ مصرف‌ خمس‌ در درآمدهاي‌ تجاري شناخته‌ نشده‌ بود، و نه‌ عصاي‌ فقها به‌ غير از تجارت‌ مانند مسكن‌ و ازدواج‌ آن‌ را سوق داده‌ بود، در زمان‌ فقهاي‌ بزرگ‌ مانند مرتضي‌ و مفيد و شيخ‌ الطائفه‌ طوسي‌ چنين‌ بود([[42]](#footnote-42)).**

**بنابراين، منبعي‌ جز زكات‌ نبود از اين‌رو فقها در مورد زكات‌ سخت‌ مي‌گرفتند، و به‌ عنوان‌ مثال‌ و شاهد بر قاعده‌اي‌ كه‌ در عبارت‌ گذشته، من‌ خلاصه نمودم، اين‌ روايت‌ را بخوان‌:**

**از ابوعبدالله ؛ روايت‌ است‌ كه‌ گفت‌: (هر كاري‌ كه‌ او در حالت‌ ناصبي‌ بودن‌ و گمراهي‌اش‌ انجام‌ داده‌ و سپس‌خداوند بر او منت‌ گذارد و ولايت‌ را به‌ او نشان‌ داد به‌ خاطر آن‌ كارها كه‌ در زمان‌ گمراهي‌ انجام‌ داده‌ پاداش‌ مي‌يابد، به‌ جز زكات‌ كه‌ بايد آن‌ را دوباره‌ بپردازد)([[43]](#footnote-43)). تا اينكه‌ دروازه‌ خمس‌ وسيع‌تر شد بلكه‌ شكسته‌ شد و از بيخ‌ درآمد، آن‌ گاه‌ دروازه‌ زكات‌ تا زماني‌ كه‌ نياز مبرم‌ به‌ آن‌ نباشد تنگ‌ گرديد.**

خمس‌

**مفهومي‌ كه‌ علماي‌ ما در مورد خمس‌ گفته‌اند در حقيقت‌ بدعتي‌ است‌ كه‌ اساسي‌ ندارد، و بلكه‌ آنان‌ فقط‌ نام‌ خمس‌ را در يك‌ آيه‌ از قرآن‌ يافته‌اند و آن‌ را دستاويزي‌ قرار داده‌اند تا در باور ساده‌لوحان‌ بگنجانند كه‌ آنچه‌ از اموال‌ مردم‌ كه‌ به‌ نام‌ خمس‌ مي‌خورند چيزي‌ است‌ كه‌ در قرآن‌ ذكر شده‌ است‌! يعني‌ آنان‌ كلمه‌ خمس‌ را به‌ كارگرفته‌ و به‌ آن‌ معني‌ و مفهومي‌ ديگر داده‌اند كه‌ كاملاً با آنچه‌ منظور و خواست‌ خداوند در آيه‌ است‌ فرق مي‌نمايد. خداوند مي‌فرمايد:** ﮋﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﮊ **(الأنفال: 41). «**بدانيد هرگونه غنيمتى به دست آوريد، خمس آن براى خدا، و براى پيامبر، و براى ذى‏القربى و يتيمان و مسكينان و واماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدايى حق از باطل، روز درگيرى دو گروه (باايمان و بى‏ايمان) ( روز جنگ بدر) نازل كرديم، ايمان آورده‏ايد؛ و خداوند بر هر چيزى تواناست**‌«.**

**روز فرقان‌ روز جنگ‌ بدر است‌ كه‌ گروه‌ مسلمين‌ با گروه‌ كافران‌ در آن‌ روز روبرو شدند. پس‌ خمس‌ در اينجا خمس‌ اموالي‌ است‌ كه‌ از كافراني‌ كه‌ با مسلمين‌ مي‌جنگيدند به‌ غنيمت‌ گرفته‌ شده‌ است‌.**

**امام‌ صادق ؛ مي‌گويد: (خمس‌ جز در غنيمت‌ها در ديگر چيزي‌ نيست‌)([[44]](#footnote-44)).**

**گرفتن‌ اموال‌ كافراني‌ كه‌ با مسلمين‌ سر جنگ‌ ندارند به‌ هيچ‌ وجه‌ جايز نيست‌. پس‌ مسلمانان‌ چكار كرده‌اند و چه ‌گناه‌ بزرگي‌ مرتكب‌ شده‌اند كه‌ افرادي‌ خمس‌ مالهايشان‌ را از دستشان‌ مي‌گيرند؟ حتي‌ خمس‌ كفشي‌ كه مي‌پوشند را از آنان‌ مي‌گيرند، حتي‌ از نخ‌ و سوزن‌ خمس‌ مي‌گيرند. بانكها و انبارهاي‌ خمس‌‌خواران‌ از طلا و مال‌ حرامي‌ كه‌ ميان‌ آنها دست‌ به‌ دست‌ مي‌شود، و چيزي‌ از آن‌ به نيازمندان‌ و بيوه‌ها و مستمندان‌ نمي‌رسد بلكه‌ همين‌ فقرا و نيازمندان‌ هستند كه‌ اين‌ خمس‌ را مي‌پردازند، پر شده ‌است، پس‌ مسئله‌ برعكس‌ شده، زيرا فقرا و مستمندان‌ مالهايشان‌ را به‌ ثروتمندان‌ مي‌دهند و اينها از آن‌ استفاده ‌مي‌نمايند و بهره‌ مي‌برند تا جايي‌ كه‌ موسسه‌هاي‌ مالي‌ بزرگي‌ در لندن‌ و ديگر جاها با همين‌ اموال‌ كه ‌ساده‌لوحان‌ و اغفال‌ شدگان‌ گمان‌ مي‌برند كه‌ اين‌ اموال‌ فقط‌ در موارد شرعي‌ صرف‌ مي‌شوند، ساخته‌ مي‌شود.**

**آيا عاقلانه‌ است‌ كه‌ خمس‌ اموال‌ امت - كه‌ امروزه‌ بيش‌ از يك‌ ميليارد نفر و در ثروتمندترين‌ جاههاي‌ دنيا قرار دارند - بر اقليتي‌ از مردم‌ كه‌ خود را مستحق‌ آن‌ مي‌دانند يعني‌ سادات‌ و فقها صرف‌ شود كه‌ اقليتي‌ كه‌ شمارشان از چند صد نفر بيشتر نيست، و اگر هم‌ چند هزار يا صد هزار و حتي‌ اگر يك‌ ميليون‌ باشند، آيا عقل‌ مي‌پذيرد كه خمس‌ اموال‌ امت‌ به‌ اينها داده‌ شود. پيامبر ص دورترين‌ مردم‌ از دنيا و فريبندگي‌ها و اموال‌ و خزانه‌ها و قصرهاي ‌آن‌ بود، خداوند او را چنين‌ خطاب‌ نموده‌ است‌:** ﮋ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﮊ. **(سـبأ: 47). «**بگو: هر اجر و پاداشى از شما خواسته‏ام براى خود شماست; اجر من تنها بر خداوند است، و او بر همه چيز گواه است**‌».**

ﮋ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﮊ. **(المؤمنون: 72). «**يا اينكه تو از آنها مزد و هزينه‏اى (در برابر دعوتت) مى‏خواهى؟ با اينكه مزد پروردگارت بهتر، و او بهترين روزى دهندگان است**»‌.**

ﮋ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﮊ. **(الحجر 87-88). «**ما به تو سوره حمد و قرآن عظيم داديم**.** (بنابر اين،) هرگز چشم خود را به نعمتهاى (مادى)، كه به گروه‏هايى از آنها (كفار) داديم، ميفكن**».**

**پس‌ بخششي‌ كه‌ خداوند براي‌ پيامبرش‌ انتخاب‌ نموده‌ سبع‌ مثاني‌ (سوره‌ فاتحه‌) و قرآن‌ عظيم‌ است‌، نه‌ كالاي‌ دنيا. و اينهايي‌ كه‌ ادعاي‌ جانشيني‌ او را در امت‌ مي‌نمايند در رفاه‌ و آسايشي‌ زندگي ‌مي‌كنند كه‌ نتيجه‌ چپاول‌ اموال‌ مردم‌ به‌ نام‌ خمس‌ است‌.**

**پيامبرمان محمد ص هيچ‌ روزي‌ كسي‌ را به‌ قبيله‌اي‌ از قبيله‌ها‌ يا بازاري‌ از بازارها جهت‌ اينكه‌ برايش‌ خمس‌ اموال ‌مردم‌ را جمع‌ نمايد نفرستاده‌ است‌. و نيز هيچگاه‌ اميرالمؤمنين‌ علي‌ اين‌ كار را نكرد.**

**من‌ نمي‌خواهم‌ در اينجا به‌ رد كردن‌ و باطل‌ نمودن‌ اين‌ بدعت‌ ظالمانه‌ بپردازم‌، بلكه‌ خواستم‌ عقلهاي‌ آزاد را به‌ اين‌ متوجه‌ نمايم‌ كه از خلال‌ نگاه‌ به‌ وضعيت‌ انحرافي‌ به‌ شكاف‌ و فاصله‌ بزرگي‌ كه‌ ميان‌ دينداري‌ انحرافي‌ آنان‌ و دين‌ صحيحي‌ كه پيامبر ص و اهل‌ بيت‌ ن بر آن‌ بوده‌اند پي‌ ببرند.**

**و از صورتهاي‌ خنده‌آور و گريه‌آور انحراف‌ اين‌ است‌ كه‌ اين‌ كساني‌ كه به‌ نام‌ دين‌ شكمشان‌ را سير مي‌كنند وقتي ديدند تطبيق‌ احكام‌ خمس‌ مشكل‌ است‌ از صعوبت‌ قضيه‌ مي‌كاهند و آن‌ را آسان‌ مي‌كنند، طبق‌ ضرب‌ المثل‌ (هرگاه‌ خواستي‌ كه‌ از تو اطاعت‌ شود به‌ چيزي‌ دستور بده‌ كه‌ در توان‌ باشد). بنابراين، آنها خمس‌ را آسان‌ نموده مانند اينكه‌ فردي‌ موظف‌ است‌ يك‌ ميليون‌ خمس‌ بدهد پيش‌ سيد مي‌آيد و مي‌گويد: من‌ بيشتر از پنجاه‌ هزار ندارم.‌ سيد مي‌گويد: اشكالي‌ ندارد، همان‌ پنجاه‌ هزار را بياور و تكرار مي‌كند پنجاه،‌ سپس‌ آن‌ را به‌ او بر مي‌گرداند، و سپس‌ آن‌ را مي‌گيرد و مي‌گويد: صد. و اينچنين‌ اين‌ مبلغ‌ بين‌ آنها رد و بدل‌ مي‌شود تا اينكه‌ شمارش‌ به‌ ميليون‌ مي‌شود. سيد مي‌گويد: رسيد‌.**

**و گاهي‌ سخاوت‌ سيدي‌ (سيد روحاني‌ است‌ كه‌ نسبش‌ به‌ پيامبر مي‌رسد و رسيدن‌ به‌ شجر علي‌ با پول‌ چقدر راحت‌ است‌) او را فرا مي‌گيرد و به‌ خادمش‌ كه‌ در كنار پاهايش‌ سرش‌ پايين‌ و نشسته‌ است‌ از آنچه‌ گرفته‌ چيزي ‌مي‌دهد و خادم‌ آن‌ را مي‌گيرد و تشكر مي‌نمايد و براي‌ سلامتي‌ و طول‌ عمرش‌ دعا مي‌كند!**

**عقلها كجا رفته‌اند؟!**

آيا مي‌داني‌ كه‌؟

**- آيه‌ خمس‌ در مورد تقسيم‌ غنيمت‌هاي‌ جنگ‌ بدر نازل‌ شده‌ است‌؟**

**- آيا مي‌داني كه از فقيه‌ در ميان‌ اصنافي‌ كه‌ در آيه‌ ذكر شده‌اند نامي‌ برده‌ نشده‌ است‌؟**

**- داخل‌ كردن‌ فقيه‌ در موضوع‌ بهره‌برداري‌ از خمس‌ به‌ طريق‌ قياس‌ بر «امام»‌ بوده‌ است، و «قياس» در فقه‌ جعفري معتبر نيست‌؟**

**- از اموال‌ فقيه‌ و سيد خمس‌ گرفته‌ نمي‌شود، و زكاتشان‌ را نيز نمي‌پردازند؟**

**- زكات‌ فقط‌ بر ثروتمندان‌ لازم‌ است، و نيز به‌ شرط‌ اينكه‌ مال‌ به‌ نصاب‌ معيني‌ برسد.**

**- مثلاً زكات‌ در پول‌ مشروط‌ به‌ اين‌ است‌ كه‌ برابر با يك‌ مثقال‌ طلا باشد در صورتي‌ خمس‌ هم‌ از اموال‌ ثروتمندان و هم‌ از اموال‌ فقرا گرفته‌ مي‌شود؟**

**- زكات‌ در انواع‌ مشخصي‌ از اموال‌ واجب‌ است، مثلاً خانه‌ و ماشين‌ زكات‌ ندارند در حالي‌ خمس‌ به‌ طور مطلق‌ از همه‌ اموال‌ و در همه‌ حالات‌ گرفته‌ مي‌شود؟**

عجائب‌ و غرائب‌

**خمس‌ در همه‌ آنچه‌ كه‌ افزون‌ بر مخارج‌ باشد يا از آن‌ بماند از قبيل‌ سودها و سود صنعت‌ها و كشاورزي‌ و تجارت‌ها و اجاره‌ها و پرداختن‌ خمس‌ از هديه‌ و جايزه‌ و مالي‌ كه‌ به‌ آن‌ وصيت‌ شده‌ واجب‌ است‌.**

**و همچنين‌ برنج‌ و آرد و گندم‌ و جو و شكر و چاي‌ و نفت‌ و هيزم‌ و زغال‌ و روغن‌ و شيريني‌ كه‌ در خانه‌ اضافه مي‌شود خمس‌ آن‌ واجب‌ است، و نيز ديگر كالاهاي‌ خانه‌ و نيازهاي‌ كوچك‌ و بزرگ‌ آن‌ خمس‌ دارند.**

**خمس‌ در كتابها و لباسها و اسب‌ها و ظروف‌ غذا خوردن‌ و ليوان‌هايي‌ كه‌ در آن‌ آب‌ خورده‌ مي‌شود كه‌ اضافه‌ بر نياز هستند يا از آن‌ استفاده‌ نمي‌شود واجب‌ است‌. برخي‌ مال‌ها هستند كه‌ خمس‌ آن‌ را دو بار واجب‌ كرده‌اند، مانند اموال‌ حرام،‌ مانند مال‌ دزدي‌ و ربا يكبار خمس‌ آن‌ واجب‌ است، براي‌ اينكه‌ حلال‌ شود، و يكبار بعد از حلال كردن‌ خمس‌ آن‌ واجب‌ است ([[45]](#footnote-45)).**

**چگونه‌ مسلماني‌ تصديق‌ مي‌نمايد كه‌ اين‌ شريعت‌ خداوندي‌ است‌ كه‌ از آسمان‌ نازل‌ شده‌ است‌؟!**

**چگونه‌ دزدي‌ و ربا حلال‌ مي‌شوند؟!**

**و آيا مي‌داني‌ كه‌ ..**

**دادن‌ خمس‌ به‌ فقها در زمان‌ علما گذشته‌ مانند شيخ‌ مفيد و شيخ‌ طوسي‌ رواج‌ نداشته‌ است‌؟**

**و دادن‌ خمس‌ به‌ فقها خيلي‌ بعدها با فتواي‌ برخي‌ از فقهاي‌ متأخرين‌ و بدون‌ هيچ‌ دليل‌ يا نصي‌ از ائمه‌، گذشته‌ از اينكه‌ دليلي‌ از قرآن‌ و سنت‌ وجود داشته‌ باشد صورت‌ گرفته‌ و رواج‌ پيدا نموده‌ است‌؟**

**فتواهاي‌ زمان‌ گذشته‌ و در دوران‌ مفيد و طوسي‌ و شريف‌ مرتضي‌ و تا قرن‌هاي‌ زيادي‌ پس‌ از آنها مضطرب‌ و متناقض است‌.**

**برخي‌ از اين‌ فتواها واجب‌ بودن‌ دادن‌ خمس‌ را منتفي‌ دانسته‌ و ساقط‌ مي‌نمايند، چون‌ امام‌ غائب‌ است، و خمس‌حق‌ امام‌ است، و چون‌ نصوص‌ از ائمه‌ تصريح‌ نموده‌ كه‌ خمس‌ از ذمه‌ مردم‌ ساقط‌ است‌.**

**برخي‌ از فتواها مي‌گويند: خمس‌ را بايد در زمين‌ براي‌ زمان‌ ظهور مهدي‌ دفن‌ كرد.**

**و برخي‌ مي‌گويند: به‌ هنگام‌ مرگ‌ بايد به‌ فرد مورد اعتمادي‌ در مورد خمس‌ وصيت‌ كرد.**

**و اين‌ را شيخ‌ مفيد ترجيح‌ داده‌ است‌.**

**و اما آنچه‌ طوسي‌ ترجيح‌ داده‌ اين‌ است‌ كه‌ خمس‌ به‌ دو نصف‌ تقسيم‌ شود، نيمي‌ از آن‌ به‌ مستحقين‌ آن‌ پرداخته شود، و نيمي‌ ديگر آن‌ در زمين‌ دفن‌ شود، و به‌ فرد مورد اعتمادي‌ وصيت‌ و سفارش‌ شود([[46]](#footnote-46)).**

**بين‌ آنچه‌ در اين‌ فتواها آمده‌، و بين‌ آنچه‌ در رساله‌هاي‌ علمي‌ كه‌ اخيراً ترتيب‌ يافته‌ مقايسه‌ كن‌ تا شگفتي‌ و تناقض ‌و تضاد نظرهايي‌ را كه‌ همه‌ به‌ امام‌ جعفر صادق نسبت‌ داده‌ مي‌شوند مشاهده‌ نمايي‌!!**

ثلث‌ اموات‌

**و از فتواهاي‌ عجيب‌ اين‌ است‌ كه‌ براي‌ مرده‌ مستحب‌ است‌ كه‌ وصيت‌ كند يك‌ سوم‌ اموالش‌ به‌ مرجع‌ ديني‌ داده شود.**

**آيا اين‌ را شنيده‌ايد؟!**

**و چرا يك‌ سوّم‌؟ خدا بداند.**

**و براي‌ ورثه‌ چه‌ باقي‌ خواهد ماند؟!**

**يك‌ سوم‌ اموال‌ به‌ جا مانده‌ براي‌ مرجع‌ ديني‌ وصيت‌ شده،‌ و يك‌ سوم‌ ديگر در كارهاي‌ غسل‌ دادن‌ و دفن‌ كردن‌ و ساختن‌ قبر و مخارج‌ روزهاي‌ عزا (فاتحه‌) و سالگرد و براي‌ اجاره‌ گرفتن‌ نمازگزاري‌ كه‌ به‌ جاي‌ مرده‌ نماز بخواند اگر مرده‌ نماز نمي‌خوانده‌ است‌ خرج‌ مي‌شود...**

**سپس‌ باقي‌ ارث‌ يك‌ پنجم‌ آن‌ به‌ عنوان‌ خمس‌ گرفته‌ مي‌شود!!! چه‌ قبول‌ مي‌كني، چه‌ قبول‌ نمي‌كني‌!**

صدقات‌ (حق‌ جد) و موارد بي‌شمار ديگري‌

**اين‌ افراد كه‌ به‌ نام‌ اهل‌ بيت‌ مي‌خورند و شكم‌ خود را سير مي‌نمايند چيزهاي‌ زيادي‌ را تحت‌ نامهاي‌ شرعي‌ يا نامهاي‌ ساختگي‌ براي‌ خود حلال‌ قرار داده‌اند، مانند صدقات‌ و كفاره‌ها و ذبيحه‌ها، نذرها، و حقوق و هر چه‌ به ‌دست‌ مي‌آيد بدون‌ اينكه‌ به‌ حلال‌ بودن‌ و حرام‌ بودنش‌ نگاه‌ كنند، و بنابر ضرب‌ المثل‌ (حلال‌ چيزي‌ است‌ كه بدست‌ تو بيافتد، و حرام‌ چيزي‌ است‌ كه‌ از آن‌ محروم‌ شده‌ باشي‌!).**

**كاش‌ كه‌ در ايام‌ موسم‌ها آنان‌ را مي‌ديدي‌ و رفتنشان‌ را به‌ مزرعه‌هاي‌ مردم‌ و آمدنشان‌ را پيش‌ مردم‌ براي‌ گرفتن اموالشان‌ از قبيل‌ محصولات‌ و گوسفندان‌ و دانه‌ها و پول‌ها و هر چه‌ به‌ چشم‌ بخورد مشاهده‌ مي‌نمودي‌. از گدايي‌ كردن‌ هيچ‌ چهره‌اي‌ عرق نمي‌كند، و هيچ‌ چشمي‌ نگاهش‌ پايين‌ نمي‌افتد، و نه‌ زباني‌ گير مي‌كند، بلكه‌ مي‌بيني‌ كه‌ بدون‌ خجالت‌ كشيدن‌ و با تمام‌ بي‌حيايي‌ و گستاخي‌ مي‌گويد: من‌ حق‌ جد خود را مي‌خواهم‌، ببين به‌ چه‌ چيز حريص‌ هستند؟ و براي‌ چه‌ چيزي‌ تأسف‌ مي‌خورند و مي‌سوزند؟ آنچه‌ مردم‌ در محيط‌ آنان‌ به‌ آن رسيده‌اند از قبيل‌ دوري‌ وحشتناك‌ مردم‌ از دين‌ و سقوط‌ اخلاقي‌ مردم‌ برايشان‌ مهم‌ نيست‌.**

**آري، در محيط‌ آنان‌ سلوك‌ و رفتار درست‌ ترك‌ شده‌، عقيده‌ تحريف‌ شده‌ است، نماز يا به‌ كلي‌ ترك‌ شده‌ يا از آن ‌كاسته‌ شده‌، امنيت‌ وجود ندارد، اما در مقابل‌ زنا و زشتي‌ها و همه‌ كارهايي‌ كه‌ خداوند حرام‌ قرار داده‌، دزدي، قتل‌، چپاول‌ و غارت‌، ربا، كلاهبرداري‌، سحر، شيّادي‌، غيبت‌، سخن‌‌چيني‌، قطع‌ رابطه‌ و پشت‌ كردن‌ به ‌يكديگر، نافرماني‌ پدر و مادر، بدرفتاري‌ با همسايه‌ به‌ اضافه‌ دروغگويي‌ و نفاق و بداخلاقي‌، و سخن‌ زشت‌، هرزگي‌ زنان‌، و بي‌عفتي‌ و فساد چنان‌ شيوع‌ يافته‌ و منتشر است‌ كه‌ هر چه‌ از آن‌ بگويي‌ كم‌ است‌.**

**مردم‌ از اموري‌ مانند فقر و نيازمندي‌ رنج‌ مي‌برند كه‌ دلها از اين‌ تراژدي‌ تكان‌ مي‌خورد، فقر و نيازمندي‌ باعث‌ شده تا پيوندها و خويشاوندي‌ها قطع‌ شوند، و فساد اخلاقي‌ به‌ حدي‌ رسيده‌ كه‌ عفت‌ و پاكدامني‌ از ميان‌ رفته‌ است، مگر كسي‌ كه‌ خدا بر او رحم‌ كرده‌ باشد، همه‌ اين‌ مشكلات‌ و فسادها وجود دارند، و اينها همه‌ اين‌ مشكلات‌ را تماشا مي‌كنند مشكلاتي‌ كه‌ برادران‌ و هم‌كيشان‌ و هموطنان‌ و پيروان‌ آنها در مذهب‌ به‌ آن‌ گرفتاراند هيچ‌ قلبي اندوهگين‌ نمي‌شود، و هيچ‌ كسي‌ اشكي‌ نمي‌ريزد و ناراحت‌ نمي‌شود، و هيچ‌ كسي‌ از اينها خود را موظف‌ به ‌انجام‌ قسمت‌ اندكي‌ از مسئوليت‌ بزرگي‌ كه‌ خداوند بر او واجب‌ نموده‌ و خودش‌ ادعا مي‌نمايد كه‌ اين‌ مسئوليت را به‌ دوش‌ دارد نمي‌داند. مسئوليت‌ آموختن‌ امور ديني‌ و اساسي‌ زندگي‌ مردم‌ به‌ مردم‌ مانند حفظ‌ آيه‌اي‌ از قرآن، يا فرمان‌ دادن‌ به‌ صدقه‌ يا كار خوب‌ يا اشاعه‌ و پخش‌ عادت‌ و اخلاق خوب‌ و اشاعه‌ ارزشي‌ كه‌ از ميان‌ رفته‌، و احياي‌ فريضه‌اي‌ كه‌ ترك‌ شده‌ يا سنتي‌ كه‌ از ميان‌ رفته‌ است، و احياي‌ خوبي‌ و ارزشي‌ كه‌ به‌ فراموشي‌ سپرده‌ شده است‌ يا پيوند خويشاوندي‌ كه‌ قطع‌ شده يا حقي‌ كه‌ انكار شده‌ يا دانشي‌ كه‌ از بين‌ رفته‌ است، و اصلاح‌ ديني‌ كه تحريف‌ شده‌ يا دنيايي‌ كه‌ بسياري‌ در آن‌ چون‌ حيوانات‌ يا بدتر از حيوانات‌ زندگي‌ به‌ سر مي‌كنند.**

**به‌ جز تعداد اندكي‌ كه‌ فسادها را مشاهده‌ مي‌كند و سكوت‌ اختيار مي‌نمايد يا با صدايي‌ آهسته‌ اعتراض‌ مي‌كند.**

**بلكه‌ همه‌ آنچه‌ كه‌ فكرشان‌ را به‌ خود مشغول‌ مي‌نمايد و اوقات‌ فراغت‌ آنها را پر مي‌نمايد مال‌اندوزي‌ و بهره‌مند شدن‌ از مزايا و دريافت‌ (حقوق) و چيزهايي‌ ديگر از اين‌ قبيل‌ عجيب‌ است‌! چگونه‌ امور دگرگون‌ و برعكس‌ شده‌اند و معيارها مختل‌ گرديده‌اند؟!**

**پيامبر ص كه‌ آنها با نسبت‌ دادن‌ خود به‌ او مي‌بالند، حقوق ديني‌ و دنيوي‌ مردم‌ را به‌ طور كامل‌ ادا نمود، و هيچ نيازي‌ از نيازهاي‌ دنيا و آخرت‌ را نگذاشت‌ مگر اينكه‌ براي‌ رفع‌ آن‌ تمام‌ آنچه‌ در توان‌ داشت‌ صرف‌ نمود، و همه‌ توانايي‌هاي‌ مالي‌ و جاني‌اش‌ را بدون‌ اينكه‌ دست‌ مبارك‌ خود را به‌ يك‌ درهم‌ از اموال‌ مردم‌ در مقابل‌ كوشش و دعوت‌ و جهاد و احسان‌ خود دراز نمايد به‌ كار گرفت‌ و ادعا نكرد كه‌ او بر گردن‌ مردم‌ حقي‌ دارد كه‌ پس‌ از او نوادگان‌ و فرزندانش‌ آن‌ را به‌ ارث‌ مي‌برند، و (حقوق) و خمس‌ها از مردم‌ گرفته‌ نمي‌شد و براي‌ او انبار نمي‌شد و او هيچ‌ درهم‌ و ديناري‌ ذخيره‌ نكرد! و اينهايي‌ كه‌ ادعا مي‌كنند فرزندان‌ او هستند اموال‌ را تصرف‌ مي‌كنند و طلا و جواهر ذخيره‌ مي‌نمايند، و شركت‌ها تأسيس‌ مي‌كنند و بانكهاي‌ خارجي‌ را از اموال‌ مستمندان‌ اغفال‌ شده‌ آباد مي‌كنند، بدون‌ اينكه‌ در مقابل‌ اين‌ پولها به‌ اندازه‌ يك‌ درهم‌ در دين‌ و دنيا حق‌ اين‌ مردم‌ را ادا كرده‌ باشند، مردم اطراف‌ آنها در گرسنگي‌ و فقر و درد به‌ سر مي‌برند و حال‌ آنكه‌ آنان‌ سير و ثروتمند و تندرست‌اند. بلكه‌ از پرخوري‌ شكم‌ دردشان‌ گرفته‌ و در ناز و نعمت‌ و اسراف‌ به‌ سر مي‌برند، و به‌ جاي‌ اينكه‌ به‌ نيازمندان‌ كمك‌ كنند و با آنها احسان‌ نمايند حتي‌ اگر با پرداختن‌ زكات‌ مالها و جواهر و گنجينه‌‌هايي‌ كه‌ اندوخته‌اند باشد، مالهاي‌ اين‌ نيازمندان‌ را مي‌گيرند بدون‌ اينكه‌ رحم‌ داشته‌ باشند و بدون‌ اينكه‌ بين‌ ثروتمند و فقير و بيوه‌ و يتيم‌ فرقي‌ بگذارند!**

**يكي‌ از كشاورزان - كه‌ دوستم‌ بود - به‌ من‌ گفت‌ كه‌ يكي‌ از اين‌ (سيّدها) در موسمي‌ از موسم‌ها پيش‌ من‌ آمد و حق‌ جدش‌ را مي‌خواست، بعد از اينكه‌ مراسم‌ اطاعت‌ و حقوقي‌ كه‌ در مالها و كشاورزي‌ و چهارپايان‌ داشت‌ به‌ او داده‌ شد چند برّه‌ كه‌ مال‌ فرزندان‌ يتيم‌ خواهرم‌ كه‌ همراه‌ با مادر بيوه‌اي‌شان‌ در كنارم‌ زندگي‌ مي‌كردند را ديد، بره‌اي‌ را گرفت‌، كشاورز به‌ او گفت‌: اين‌ برّه‌ها مال‌ فرزندان يتيم‌ خواهرم مي‌باشد كه‌ فقير و نيازمند‌اند. در پاسخ‌ گفت‌: هر كس‌ كه‌ تو دايي‌اش‌ باشي‌ يتيم‌ نيست، سپس‌ بره‌ را گرفت‌ و رفت‌!**

**اما نذرهايي‌ كه‌ براي‌ غير از خداوند نذر مي‌شوند كه‌ چگونه‌ آن‌ را بدست‌ مي‌آورند؟ هر چه‌ از آن‌ بگويي‌ كم است‌.**

**و با وجود اين، آنان‌ به‌ طور مطلق‌ زكات‌ نمي‌دهند و گويا اين‌ ركن‌ بزرگ‌ اسلام‌ از جدول‌ حساب‌ آنان‌ حذف‌ شده ‌است‌.**

ربا

**آنان‌ در حلال‌ قرار دادن‌ و خوردن‌ ربا فتواها و حيله‌هايي‌ به‌ كار مي‌برند، به‌ عنوان‌ مثال‌:**

**(مساله‌ 1) قرض‌ گرفتن‌ از بانك‌ در صورتي‌ كه‌ بهره‌ داشته‌ باشد جايز نيست، چون‌ ربا و حرام است، و براي‌ رهايي ‌از اين‌ تنگنا از حيله‌هاي‌ زير استفاده‌ بايد كرد:**

**مشتري‌ از صاحب‌ بانك‌ يا از وكيلش‌ كالايي‌ را ده‌ درصد 10% يا 20% از قيمتش‌ گرانتر بخرد تا در مقابل‌ به‌ او مبلغ‌ معيني‌ پول‌ بدهد.**

**يا اينكه‌ به‌ صاحب‌ بانك‌ كالايي‌ كمتر از قيمت‌ بازار بفروشد و در معامله‌ شرط‌ بگذارد كه‌ بايد به‌ او مبلغ مشخصي‌ تا مدت‌ معيني‌ قرض‌ بدهد فقط‌ وقتي‌ بر اين‌ اتفاق كردند آن‌ گاه‌ قرض‌ گرفتن‌ از بانك‌ با بهره‌ جايز است‌ و ربايي‌ در آن‌ نيست([[47]](#footnote-47)).**

**در صورتي‌ كه‌ اين‌ بدون‌ شك‌ رباست، زيرا بانك‌ قرض‌ نمي‌دهد مگر به‌ شرط‌ اينكه‌ مشتري‌ از او كالايي‌ 10% يا20% گرانتر از قيمتش‌ بخرد و زيادي‌ در قيمت‌ كه‌ قرض‌ گيرنده‌ مجبور است‌ آن‌ را به‌ گردن‌ بگيرد، سپس‌ آن‌ را به عنوان‌ بهره‌ بدهد رباست، ولي‌ به‌ جاي‌ اينكه‌ زيادي‌ و بهره‌ در خود قرض‌ باشد بر كالا گذاشته‌ شده‌ و در هر دو صورت‌ بايد زيادي‌ از جيب‌ قرض‌ گيرنده‌ پرداخت‌ شود و نيز ضرر مي‌كند، اما به‌ جاي‌ اينكه‌ از جيب‌ راست بدهد دادن‌ از جيب‌ چپ‌ درست‌ است، و همچنين‌ اگر كالايي‌ به‌ بانك‌ كمتر از قيمت‌ آن‌ در بازار، بفروشد! باز هم رباست‌. در حقيقت‌ اينها دام‌ را روز شنبه‌ انداخته‌ و ماهي‌ را يكشنبه‌ شكار مي‌كنند!**

**(مساله‌ 5) سپردن‌ پول‌ به‌ عنوان‌ پس‌ انداز در بانك‌ به‌ شرط‌ بهره‌ و فايده‌ جايز نيست، چون‌ رباست‌.**

**اين‌ سخن‌ سالم‌ و درستي‌ است، اما تكمله‌ آن‌ را بخوان‌ تا بداني‌ چگونه‌ از پنجره‌ وارد مي‌شوي‌ بعد از اينكه‌ از در بيرون‌ آمده‌اي‌: (از اين‌ ممنوعيت‌ اينطور مي‌توان‌ رهايي‌ يافت‌ كه‌ پول‌ را بدون‌ شرط‌ بهره‌ سپرد بانك‌ نمايد، به معني‌ اينكه‌ با خودش‌ چنين‌ فكر كند كه‌ اگر بانك‌ به‌ او بهره‌ ندهد آن‌ را نخواهد. پس‌ اگر بانك‌ به‌ او بهره‌اي‌ بدهد برايش‌ جايز است‌ آن‌ را به‌ عنوان‌ مالي‌ كه‌ صاحبش‌ مشخص‌ نيست‌ با اجازه‌ حاكم‌ شرعي‌ يا وكيلش‌ بردارد)([[48]](#footnote-48)).**

**مهم‌ اين‌ است‌ كه‌ با اجازه‌ حاكم‌ شرعي‌ يا وكيلش‌ باشد، آيا نمي‌داني‌ چرا؟!**

**شكي‌ نيست‌ كه‌ اين‌ نيت‌ معني‌ ندارد چون‌ تاثيري‌ ندارد زيرا بانك‌ معمولاً اين‌ بهره‌ را مي‌دهد چه‌ سپرده‌ گذار بخواهد چه‌ نخواهد.**

**و اين‌ مانند اين‌ است‌ كه‌ چيز حرامي‌ اسمش‌ عوض‌ شود و حلال‌ كرده‌ شود.**

چكهاي‌ آمرزش‌

**هر كسي‌ كه‌ مرتكب‌ ظلمي‌ شده‌ يا در انجام‌ وظيفه‌اي‌ شرعي‌ كوتاهي‌ ورزيده‌ يا آن‌ را ترك‌ كرده‌ است‌ مي‌تواند در مقابل‌ آن‌ مبلغي‌ پول‌ بدهد و با اين‌ كار گناهش‌ بخشوده‌ مي‌شود، و اين‌ را (رد المظالم‌) مي‌نامند. بدون‌ ترديد كه‌ اين كار دقيق‌ همان‌ چكهاي‌ آمرزشي‌ است‌ كه‌ ديرنشينان‌ و دانشمندان‌ مسيحي‌ در قرون‌ وسطي‌ در اروپا انجام‌ مي‌دادند.**

بامزه‌ و خنده‌دار

**كليني‌ از ابوعبدالله ؛ روايت‌ نموده‌ كه‌ او گفت‌: (هيچ‌ چيزي‌ نزد خداوند پسنديده‌تر از دادن‌ پول‌ به‌ امام‌ نيست، و هر كس‌ يك‌ درهم‌ به‌ امام‌ بدهد خداوند در مقابل‌ آن‌ به‌ اندازه‌ كوه‌ اُحد در بهشت‌ مي‌دهد)([[49]](#footnote-49)).**

**و در روايتي‌ آمده‌ است‌: (درهمي‌ كه‌ به‌ امام‌ داده‌ مي‌شود از هزارها درهم‌ كه‌ در ديگر جاهاي‌ نيكوكاري‌ داده مي‌شود برتر و افضل‌ است‌)([[50]](#footnote-50)).**

**و امام‌ وقتي‌ غائب‌ است‌ خوب‌ جانشينان‌ و دوستاني‌ دارد! و كار زيادي‌ نيست‌ جز اينكه‌ چك‌ از اسم‌ غائب‌ به ‌نام‌ نائب‌ تغيير داده‌ شود!**

مناسبت‌‌هايي‌ به نام‌ خوراكها

**مثل‌ نان‌ عباس‌ و چاي‌ عباس‌ و طعام‌ فاطمه‌، و گذشته‌ از مناسبت‌هاي‌ ديگري‌، اما اين‌ مناسبت‌ها بر اساس‌جمع‌ شدن‌ بر غذا و شيريني‌ خوري‌ ترتيب‌ مي‌يابند، مانند شادي‌ زهرا‌، حلال‌ مشكلات، و خضر الياس‌ و روزة ‌زكريا، شلة زرد و حلوا.... . و از امور جالب‌ و شنيدني‌ اين‌ است‌ كتاب‌ كافي‌ از كليني‌ يك‌ جلد كامل‌ آن‌ تقريباً همه‌اش‌ در مورد خوراكها و نوشيدني‌ها و ميوه‌ها بحث‌ مي‌كند، و باب‌هاي‌ اين‌ جلد با نام‌ اين‌ چيزها عنوان‌ بندي ‌شده‌ است‌! باب‌ حلوا، و آن‌ باب‌ تره‌ و باب‌ هويج‌ (و چه‌ مي‌داني‌ كه‌ باب‌ هويج‌ها چيست‌؟!) و باب‌ خيار و باب پياز و باب‌ تره‌فرنگي‌ و باب‌ انار... و باب‌ تريد و باب‌ كباب‌ و كله‌ پاچه‌ و باب‌ تخم‌ مرغ‌ و مرغ‌، باب‌ باقلا و باب‌ كباب‌ و باب‌ ماش‌ و باب‌ گشنيز و باب‌ بادنجان‌ و... خداوند شما را از آنچه‌ شمردن‌ آن‌ دشوار است‌ و بيان‌ آن‌ سنگين‌ است‌ نجات‌ دهد. تنها اين‌ نيست، و بلكه‌ مولف‌ براي‌ اين‌ خوردني‌ها و نوشيدني‌ها فوايد فراوان‌ و اسرارخنده‌آوري‌ بيان‌ كرده‌ است‌ كه‌ برخي‌ به‌ امور جنسي‌ مربوط‌ است‌:**

**به‌ عنوان‌ مثال‌:**

**از ابوعبدالله ؛ روايت‌ است‌ كه‌ گفت‌: (خوردن‌ هويج‌ كليه‌ها را گرم‌ مي‌نمايد و آلت‌ تناسلي‌ را بلند مي‌نمايد)([[51]](#footnote-51)). و در روايتي‌ ديگر آمده‌ است:‌ (و ينصب‌ الذكر)([[52]](#footnote-52)). آلت‌ تناسلي‌ را بلند مي‌دارد. و مي‌گويد: هويج‌ از بيماري‌ قولنج‌ و بواسير در امان‌ مي‌دارد و انسان‌ را براي‌ آميزش‌ جنسي‌ كمك‌ مي‌نمايد([[53]](#footnote-53)).**

**و از او روايت‌ شده‌ كه‌ پيامبري‌ از پيامبران‌ به‌ پيشگاه‌ خداوند از ناتواني‌ و قلّت‌ آميزش‌ جنسي‌ شكايت‌ كرد خداوند او را به‌ خوردن‌ حلوا دستور داد)([[54]](#footnote-54)).**

**تصور كن‌!!**

فصل‌ پنجم‌  
نكاح‌ و همه‌ آنچه‌ كه‌ جائز است‌ يا جايز قرار داده‌ شده‌ است‌

بی بند و باری‌

**بي‌بند و باري‌ و تساهل‌ در آنچه‌ متعلق‌ به‌ اين‌ موضوع‌ (جنسي‌) مي‌باشد از بلاهايي‌ است‌ كه‌ خطر او فراگير و شر آن‌ فزوني‌ يافته، و آتش‌ پاره‌هاي‌ آن‌ به‌ هر كجا رسيده‌ است، بسياري‌ از مردم‌ به‌ حد زيادي‌ دچار انحطاط‌ و بي‌توجهي‌ و ضعيف‌ شدن‌ غيرت‌ يا از بين‌ رفتن‌ آن‌ شده‌اند، و گرفتار كارهاي‌ زشت‌ و نادرستي‌ مانند زنا با محارم‌ و لواطت‌ و امثال‌ آن‌ شده‌اند، وضعيت‌ بسيار فاجعه‌ بار است‌، و آنچه‌ در واقعيت‌ موجود پيش‌ مي‌آيد بزرگتر از آن است‌ كه‌ قابل‌ توصيف‌ باشد، و به‌ تمام‌ جنبه‌هاي‌ آن‌ پرداخته‌ شود! همه‌ اين‌ كارها در مقابل‌ چشم‌ و گوش‌ كساني ‌انجام‌ مي‌شوند كه‌ ادعاي‌ علم‌ و اصلاح‌ مي‌نمايند بدون‌ از اينكه‌ كوچكترين‌ اعتراضي‌ بشود يا تأسفي‌ خورده شود، و بدون‌ اينكه‌ كوششي‌ در راه‌ معالجه‌ كاري‌ انجام‌ شود كه‌ از ضروريات‌ است‌.**

**چقدر زيادند اين‌ (مصلحان‌)! اما چاره‌ چيست، وقتي‌ اين‌ مصيبت‌ها به‌ تناسب‌ كثرت‌ مصلحين‌ بيشتر مي‌شود؟**

**آري، اين‌ يك‌ حقيقت‌ اجتماعي‌ است‌ كه‌ مي‌بايست‌ به‌ آن‌ آگاه‌ بود، شايد بتوانيم‌ منبع‌ فاجعه‌ و مصدر فتوا را بيابيم‌!**

**موضوع‌ امور جنسي‌ را خيلي‌ دامنه‌دار و گسترده كرده‌اند، حتي‌ برخي‌ از ارتباطات‌ جنسي‌ را كه‌ با زنا فرقي‌ ندارد و فقط‌ نامش‌ زنا نيست‌ جايز قرار داده، و روايت‌هايي‌ در مورد آن‌ ساخته‌ و به‌ دروغ‌ به‌ ائمه‌ نسبت‌ داده‌اند - و ائمه از آن‌ روايت‌ها پاك‌اند - تا براي‌ اغفال‌ شدگان‌ انجام‌ آن‌ را آسان‌ كنند و خويشتن‌ را از بار اعتراض‌ به‌ آن‌ سبكدوش ‌نمايند!**

**و از آن‌ جمله‌ يكي‌ ازدواج‌ موقت‌ است‌.**

متعه‌ يا ازدواج‌ موقت‌

**آنچه‌ در واقعيت‌ موجود به‌ نام‌ (متعه‌) انجام‌ مي‌شود به‌ صراحت‌ زناست، و هيچ‌ فرقي‌ با زنا ندارد!**

**و اگر نه‌ چرا اين‌ نمونه‌ ارتباطات‌ جنسي‌ كه‌ حلال‌ قرار داده‌ شده‌اند به‌ نام‌ (متعه‌) انجام‌ مي‌گيرند!**

**برخي‌ از آن‌ را در اينجا نقل‌ مي‌كنم‌ تا خودم‌ و شما را در مجادله‌اي‌ بيزانسي‌ در مورد دلائل‌ و اينكه‌ آيا در قرآن‌ و سنت‌ چيزي‌ در مورد حلال‌ بودن‌ متعه‌ آمده‌ يا نيامده‌ وارد نكنم‌ تا در دام‌ بازيچه‌اي‌ نيافتيم‌ كه‌ مي‌خواهند بوسيله‌ آن‌ ما را از ديدن‌ واقعيت‌ غم‌انگيز و تأسف‌‌بار و كارهايي‌ كه‌ انجام‌ مي‌گيرد باز دارند، كارهايي‌ فكر نمي‌كنم در مورد ندرت‌ و دور بودن‌ آن‌ از وجدان‌ سالم‌ گذشته‌ از شريعت‌ كسي‌ اختلافي‌ داشته‌ باشد.**

**بيا تا با هم‌ صورتهاي‌ منحطي‌ از ارتباط‌ جنسي‌ كه‌ ميان‌ فرزندان‌ آدم‌ بنام‌ متعه‌ انجام‌ مي‌شود بخوانيم، انسانهايي ‌كه‌ خداوند آنان‌ را بر ديگر آفريده‌ها‌ برتري‌ داده‌ است‌.**

**اگر اين‌ سوال‌ را بپرسي‌ كه‌:**

**آيا براي‌ هر مردي‌ جايز است‌ كه‌ با هر زني‌ كه‌ مي‌خواهد در هر جايي‌ و در هر زماني‌ آنچه‌ مي‌خواهد انجام‌ دهد؟ و سپس‌ آن‌ را رها كند تا به‌ زني‌ ديگر روي‌ بياورد و اين‌ كار را فقط‌ با تبادل‌ چند كلمه‌ كه‌ زن‌ و مرد با يكديگر سخن ‌مي‌گويند از پول‌ و از تعداد مرتبه‌ها (خودم‌ را به‌ تو متعه‌ دادم‌) سخن‌ مي‌گويند و بدون‌ نياز به‌ شاهد و سرپرست زن‌ انجام‌ مي‌شود. و اگر زن‌ شوهردار باشد يا روسپيگري‌ را زشت‌ مي‌داند‌ سؤالي‌ نيست‌؟**

**از معتمدترين‌ منبع‌ چنين‌ پاسخ‌ داده‌ مي‌شود:**

**(باسمه‌ تعالي‌ اين‌ جايز است‌)!!([[55]](#footnote-55)).**

**استفاده‌ و بهره‌برداري‌ جنسي‌ با دختر بچه‌ دوشيزه‌ جايز است‌ اگر نه‌ سال‌ سن‌ داشته‌ باشد - يا طبق‌ روايتي‌ ديگر هفت‌ سال‌ داشته‌ باشد - به‌ شرط‌ اينكه‌ آلت تناسلي را در داخل شرمگاهش نكند، نه اينكه حرام‌ است‌ يا از نظر اخلاقي‌ و وجداني‌ زشت‌ است‌، بلكه‌ براي‌ اينكه نوعي‌ عيب‌ براي‌ خانواده‌اش‌ شمرده‌ مي‌شود([[56]](#footnote-56)).**

**شما فكر كنيد كه‌ آيندة اخلاقي‌ اين‌ دختربچه‌ با اين‌ سن‌ و سال‌ كه‌ روي‌ آلت‌هاي‌ تناسلي‌ مردان‌ زير و رو مي‌شود و حركت‌هاي‌ جنسي‌ ايشان‌ را مشاهده‌ مي‌كند، و مردان‌ هر كاري‌ با او مي‌كنند به‌ جز جماع‌ و آميزش‌!! چه‌ خواهد بود.**

**و جماع‌ و آميزش‌ با اين‌ دختربچه‌ فقط‌ از راه‌ جلو ناپسند است‌ يعني‌ آميزش‌ و مجامعت‌ از پشت‌ (دبر) جايز است‌!**

**آيا انسان‌ با غيرت‌ و بزرگواري‌ چنين‌ چيزي‌ را براي‌ دختر يا خواهر يا فاميل‌ يا بر هر بچه‌ از بچه‌هاي‌ دنيا مي‌پسندد؟!!!**

**به‌ راستي‌ اگر چنين‌ چيزي‌ را در مورد دختر بچه‌ معصوم‌ خود تصور كني‌ چه‌ احساس‌ خواهي‌ كرد؟!! فقط‌ اگر تصور كني،‌ نه‌ اينكه‌ چنين‌ چيزي‌ انجام‌ شود.**

**حلال‌ قرار دادن‌ چنين‌ عمل‌ حيواني‌ حتي‌ از شيطان‌ سر نمي‌زند و هيچ‌ وحشي‌ و دشمن‌ انساني‌ چنين‌ چيزي‌ را حلال‌ قرار نمي‌دهد، پس‌ چگونه‌ چنين‌ چيزي‌ به‌ امامان‌ ما نسبت‌ داده‌ مي‌شود، و به‌ شريعت‌ ما چسبانده ‌مي‌شود؟ چگونه‌؟!**

**آيا اين‌ اخلاق مزدك‌ و اباحي‌گري‌ و بي‌بند و باري‌ مجوس‌ نيست؟!‌ چگونه‌ از زبان‌ پاك‌ قومي‌ اين‌ سخن‌ پليد بيرون مي‌آيد كه‌ خداوند درباره‌شان‌ فرموده‌ است‌:** ﮋ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮊ. **(الأحزاب: 33). «**خداوند فقط مى‏خواهد پليدى و گناه را از شما اهل بيت دور كند و كاملا شما را پاك سازد**».**

**آيا پليديي‌ پليدتر از اين‌ هست‌؟!!**

**اما (امام‌ زمان‌) و (راهنماي‌ امت‌) مسئله‌ را چنين‌ آب‌ و تاب‌ مي‌دهد:**

**آميزش‌ كردن‌ با زن‌ قبل‌ از كامل‌ شدن‌ نه‌ سالگي‌ جايز نيست، خواه‌ نكاح‌ دائم‌ باشد يا موقّت‌. اما ساير لذت‌ جويي‌ها مانند دست‌ زدن‌ با شهوت‌ بغل‌ كردن‌ و ران‌ چسباندن‌ حتي‌ با دختر شيرخوار اشكالي‌ندارد(!!!!!)([[57]](#footnote-57)).**

**حتي‌ دختر شيرخوار نجات‌ نيافته‌ است‌!!**

**سوگند به‌ خدا كه‌ اين‌ اخلاق مزدك‌ و بابك‌ است‌ كه‌ آن‌ را پوشش‌ مي‌دهند و بدون‌ اينكه‌ خجالت‌ بكشند آن‌ را به‌ اهل‌ بيت‌ نسبت‌ مي‌دهند تا بلعيدن‌ و فرو بردن‌ آن‌ براي‌ بيچارگان‌ آسان‌ باشد.**

**از خوابتان‌ بيدار شويد!! اي‌ بيچارگان‌ فرو رفته‌ در خواب‌!**

**مجموعه‌‌اي از طلاب‌ در (بخش‌ داخلي‌) زن‌ هرزه‌اي‌ را مي‌آورند يكي‌ با او آميزش‌ مي‌كند و بقيه‌ در سالن‌ منتظر‌اند تا اينكه‌ زن‌ بيرون‌ مي‌شود و آن‌ گاه‌ ديگري‌ آن‌ را مي‌برد...**

**و اينطور ادامه‌ دارد تا اينكه‌ در يك‌ جا و در يك‌ ساعت‌ شب‌ يا روز آمار تكميل‌ مي‌شود! چگونه‌ چنين‌ كاري‌ جايز است‌؟! اين‌ كار متعه‌ (صيغه‌) مي‌باشد!!**

**در مورد عدة‌ (خيالي‌) كه‌ زن‌ بايد بگذراند مي‌توان‌ از اين‌ حيله‌ استفاده‌ كرد كه‌ مرد از زن‌ استفاده‌ كند تا اينكه وقت‌ تمام‌ مي‌شود، آن‌ گاه‌ بار ديگر او را به‌ عقد دائم‌ در بياورد و سپس‌ قبل‌ از آميزش‌ كردن‌ با او، وي‌ را طلاق دهد تا براي‌ هر كس‌ (به‌ خيال‌ آنها) كه‌ مي‌خواهد از آن‌ استفاده‌ جنسي‌ نمايد و هر زماني‌ كه‌ بخواهد حلال‌ شود اين‌ حيله‌ را در مقابل‌ اين‌ نص‌ قرآني‌ درست‌ كرده‌اند:** ﮋﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮊ. **(الأحزاب: 49). «**اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! هنگامى كه با زنان با ايمان ازدواج‏ كرديد و قبل از همبستر شدن طلاق داديد، عده‏اى براى شما بر آنها نيست كه بخواهيد حساب آن را نگاه داريد; آنها را با هديه مناسبى بهره‏مند سازيد و بطرز شايسته‏اى رهايشان كنيد**».**

**اين‌ را نعمت‌ الله الجزائري در كتابش‌ (زهر الربيع‌) ذكر كرده‌ است‌!!**

**برادران‌ تاجري‌ به‌ كشورهاي‌ همسايه‌ مسافرت‌ مي‌نمايند خانه‌اي‌ اجاره‌ نموده‌اند و زني‌ را آن‌ جا نشانده‌اند تا برايشان‌ كار كند و همه‌ آن‌ را به‌ اين‌ صورت‌ زشت‌ نكاح‌ كرده‌اند، اولي‌ مي‌آيد و در طول‌ روزهايي‌ كه‌ در آن‌ اقامت دارد از آن‌ استفاده‌ جنسي‌ مي‌كند تا اينكه‌ برادرش‌ مي‌آيد تا در جاي‌ او قرار بگيرد و او آن‌ را براي‌ برادرش‌ ترك مي‌كند و به‌ كشورش‌ باز مي‌گردد تا نفر سوم‌ بيايد... و اين‌ چنين‌. خداوند شما را نجات‌ دهد!!**

**مردي‌ همسرش‌ را در بيمارستان‌ بستري‌ نموده‌ و خواهرزنش‌ به‌ جاي‌ زنش‌ آمده‌ تا خدمت‌ فرزندانش‌ را بكند. آيا مي‌داني‌ كه‌ شوهر خواهرش‌ چگونه‌ مي‌تواند با او زنا كند؟**

**فقيه‌ به‌ او مي‌گويد: زنت‌ را طلاق بده‌ بدون‌ اينكه‌ كسي‌ را خبر كني‌ كه‌ ممكن‌ است‌ به‌ زن‌ تو خبر بدهد. تا وقتي زنت‌ به‌ خانه‌اش‌ بر مي‌گردد آن‌ وقت‌ بازگرداندن‌ او را به‌ همسري‌‌ات‌ نيت‌ كن‌، و مشكل‌ حل‌ است‌!**

**و اينگونه‌ اين‌ فرد پليد با خواهر زنش‌ به‌ مدت‌ چهل‌ روز كه‌ زنش‌ در بيمارستان‌ به‌ سر مي‌برد آميزش‌ جنسي ‌مي‌نمايد، و همواره‌ اين‌ مرد بدون‌ اينكه‌ خجالت‌ بكشد در گوش‌ برخي‌ از دوستانش‌ در حالي‌ كه‌ لب‌هايش‌ را از روي‌ لذت‌ بردن‌ و حسرت‌ خوردن‌ بر آن‌ دوران‌ زيبا مي‌ليسد ماجرا را زمزمه‌ مي‌كند و همواره‌ به‌ آن‌ شكار دلبسته ‌است‌!**

**به‌ نظر شما اگر خواهر زنش‌ باري‌ ديگر به‌ ديدار خواهرش‌ به‌ خانه‌ او برود - كه‌ حتماً اتفاق مي‌افتد - به‌ نظر شما وقتي‌ با شوهر خواهرش‌ روبرو شود يا تنها باشد چه‌ اتفاق خواهد افتاد؟!**

**ديني‌ كه‌ چيز حرامي‌ در آن‌ نيست‌! محارم‌ وجود ندارد! حرمتي‌ نيست‌! چگونه‌ اين‌ دين‌ به‌ اهل‌ بيت‌ نسبت‌ داده مي‌شود؟!!**

**اين‌ پرسش‌ و پاسخ‌ آن‌ را كه‌ با عبارتش‌ نقل‌ مي‌كنم‌، بخوان‌: آيا استفاده‌ جنسي‌ و متعه‌ با دختر دوشيزة‌ مسلماني بدون‌ اجازه‌ ولي‌ آن‌ جايز است‌ اگر دختر بيم‌ آن‌ را داشته‌ باشد كه‌ مرتكب‌ حرام‌ خواهد شد؟**

**بله، اگر ولي‌ دختر او را از ازدواج‌ با كفو منع‌ كند با اينكه‌ دختر به‌ آن‌ علاقه‌ دارد جايز است، و اين‌ منع‌ كردن‌ چون برخلاف‌ مصلحت‌ دختر است، اعتبار اذن‌ ولي‌ ساقط‌ مي‌شود، و نيز اگر عقد موقت‌ به‌ شرط‌ داخل‌ نكردن‌ آله ‌تناسلي‌ در راه‌ جلو و راه‌ عقب‌ باشد جايز است‌!([[58]](#footnote-58)).**

**آيا اجازه‌ ولي‌ در مورد دوشيزه‌ اگر بدون‌ شرط‌ دخول‌ باشد شرط‌ است‌؟ در عقد موقت‌ اگر لفظاً عدم‌ دخول ‌شرط‌ كرده‌ شود اجازه‌ ولي‌ شرط‌ نيست‌([[59]](#footnote-59)).**

**اى شيعان با غيرت بفهميد كه اينان گرگ‌هايی هستند در لباس ميش مي‌خواهند ناموس و شرف شما را فاسد كنند، خانه‌هايتان را ويران كنند و شما در غفلت بسر مي‌بريد، بفهميد كه دزدان ناموس بسيار خطر ناكتر از دزدان اموال هستند، اينها مانند شيطان‌ها انسان‌ را گام‌ به‌ گام‌ به‌ پايين‌ مي‌برند از آنها بپرهيزيد.** ﮋ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﮊ **(البقره: 168). «**و از گامهاى شيطان، پيروى نكنيد! چه اينكه او، دشمن آشكار شماست**».**

**اجراي‌ عملي‌ اين‌ فتواها صورتهاي‌ زيادي‌ از ارتباطات‌ جنسي‌ را جايز قرار مي‌دهد، برخي‌ از آن‌ اين‌ است‌:**

**دانشجويي‌ در دانشكده‌ با دوست‌ دخترش‌ روبرو مي‌شود، روزي‌ از دختر دانشجو مي‌خواهد كه‌ با هم‌ به ‌گوشه‌اي‌ دور از ديد و نگاهها بروند و در مكاني‌ وارد شوند تا دختر بدنش‌ را به‌ او نشان‌ بدهد، و سپس‌ همه شيوه‌هاي‌ جنسي‌ را به‌ كار بگيرند - كه‌ نيازي‌ به‌ بيان‌ تفاصيل‌ تحريك‌آميز آن‌ نيست - دختر اعتراض‌ نموده‌ و مي‌گويد: او هنوز دوشيزه‌ و بكر است‌ و مي‌ترسد رسوا شود، پسر به‌ او اطمينان‌ مي‌دهد و مي‌گويد: نترس‌ ما مي‌توانيم‌ از قسمت‌‌هايي‌ از وجود خود استفاده‌ كنيم‌ و بهره‌مند شويم‌ بدون‌ اينكه‌ دخولي‌ صورت‌ بگيرد، و اگر دوست‌ داري‌ از راه‌ ديگر كار مي‌گيريم‌، پسر براي‌ اينكه‌ ترديد او را از بين‌ ببرد و بر حياي‌ او چيره‌ شود از ميان‌ كتابهايش‌ كتابي‌ از (جناب سيد...) در مي‌آورد كه‌ عنوانش‌ اين‌ است‌ (مسائل‌ و ردود ـ پرسش‌ها و پاسخ‌ها ـ) و تحت‌ عنوان‌ (مسائل‌ حول‌ النكاح‌ ـ پرسش‌‌هايي‌ در مورد ازدواج‌) فتوايي‌ كه‌ پيش‌تر بيان‌ شد را مي‌خواند! پس‌ وقتي كه‌ (سيد) چنين‌ چيزي‌ را حلال‌ قرار مي‌دهد چرا بايد به‌ خود ترديد راه‌ داد؟! آيا مگر اينطور نيست‌ كه‌ آنها سايه‌ خدا در زمين‌ هستند و امناي‌ خدا بر شريعتش‌ مي‌باشند؟! و اينجاست‌ كه‌ دختر مي‌پذيرد و جسم‌ها گرم‌ و فروزان‌ به‌ هم‌ بر مي‌خورند تا آتش‌ شعله‌ور شهوت‌ حرام‌ را به‌ بركت‌ علما در زير دستمال‌ (ازدواج‌ موقت‌) خاموش‌ كنند.**

**در ديدارهاي‌ خانوادگي‌ بين‌ خويشاوندان‌ و دوستان‌ مي‌بينيم‌ كه‌ فتواهاي‌ گذشته‌ براي‌ هر جواني‌ از آنها جايز قرار مي‌دهد كه‌ با هر دختر جواني‌ از خانوادة‌ مهمان‌ يا ميزبان‌ اتفاق كنند تا در مكاني‌ دورتر باشند سپس‌ هر چه آنجا مي‌خواهند از قبيل‌ بغل‌ كردن‌، بوسيدن‌، لخت‌ كردن‌، انجام‌ دهند و فراتر از اين‌ هم‌ اشكالي‌ ندارد تا زماني‌كه‌ دخول‌ نشده‌ است‌، و پدر محترم‌ در اين‌ لحظه‌ با كمال‌ تشريفات‌ در سالن‌ پذيرايي‌ نشسته‌ است‌ و با ميزبانش ‌به‌ گفتگو مشغول‌ است‌ و چاي‌ مي‌نوشد تا اينكه‌ دخترش‌ كشمكش‌ و نبرد شريف‌ خود را به‌ پايان‌ مي‌رساند، اين ‌وقتي‌ است‌ كه‌ دختر دوشيزه‌ باشد اما اگر بيوه‌ باشد به‌ اين‌ صورت‌ كه‌ مادر مهمان‌ يا خواهر بيوه‌اش‌ يا دختر طلاق گرفته‌اش‌ باشد در اينجا همه‌ چيز حلال‌ و گوارا است، و از هر راهي‌ كه‌ بخواهد عمل‌ جنسي‌ را مي‌تواند انجام‌ دهد!!**

ملاحظه‌اي‌ مهم‌:

**وقتي‌ دختر باكره‌ باشد مي‌توان‌ از راه‌ پشت‌ آميزش‌ كرد ـ يك‌ بار ديگر به‌ فتوا مراجعه‌ كنيد ـ اما اگر شوهر داشته ‌باشد مي‌توان‌ از آن‌ استفاده‌ كرد بدون‌ اينكه‌ نياز باشد در مورد حالتش‌ پرسيده‌ شود.**

**اين‌ بي‌بند و باري‌ است‌ و جامعه‌ جنگل‌ است‌ كه‌ حيوانات‌ روي‌ يكديگر سوار مي‌شوند!!**

**اعتماد كرده‌اند كه‌ فتواي‌ (سيد) و موضوع‌ (دبر) در فتواي‌ گذشته‌اش‌ اشاره‌اي‌ لطيف‌ به‌ دختر جواني‌ پاكدامن‌است‌ كه‌ او مي‌تواند كارهاي‌ جنسي‌ را از راه‌ (دبر) انجام‌ دهد ـ اگر بخواهد ـ تا بتواند راه‌ جلويش‌ را تا زمان‌ نياز سالم‌ نگاه‌ دارد زماني‌ كه‌ شاه‌ داماد در شب‌ زفاف‌ مي‌آيد تا همسر (پاكدامن‌) (شريف‌) به‌ (حفظ‌) و (نگاهداري‌) را ببيند!!**

**اي‌ شرافتمندان‌! اي‌ مسلمانان‌ مذاهب‌ ديگر!**

**اميدوارم‌ كه‌ به‌ برادران‌ شيعه‌اي‌تان‌ بدگمان‌ نشويد، زيرا آنها چنين‌ بي‌بند و باري‌ و حيواني‌‌گري‌ را نمي‌پسندند و تصور نمي‌كنند كه‌ فتواهاي‌ اين‌ (سيدها) تا اين‌ حد به‌ انحطاط‌ منجر مي‌شود، بلكه‌ اغلب‌ شيعيان‌ از آن‌ چيزي نمي‌دانند، و بسياري‌ وقتي‌ به‌ اين‌ فتواها بر مي‌خورند زياد در آن‌ توقف‌ نمي‌كنند و نيز جرأت‌ مناقشه‌ يا اشتباه‌ قرار دادن‌ آن‌ را ندارند، گذشته‌ از اينكه‌ آن‌ را انكار نمايند و در مقابلش‌ بايستند.**

**آنان‌ بر مقدس‌ دانستن‌ علماء يا علمانماها و ترس‌ از آنها تربيت‌ شده‌اند تا جايي‌ كه‌ به‌ آنها چون‌ انسان‌هاي معصوم‌ مي‌نگرند و رفتار مي‌نمايند!**

**و اگرنه‌ كدام‌ انسان‌ باغيرت‌ چنين‌ چيزهايي‌ را براي‌ ناموس‌ خود قبول‌ مي‌كند؟! و ازدواج‌ با زني‌ كه‌ چندين‌ سال در اين‌ رسوايي‌ها به‌ سر برده‌ و از آغوش‌ اين‌ مرد به‌ آغوش‌ آن‌ يكي‌ منتقل‌ و زير و رو مي‌شده‌ گوارا مي‌كند!!**

**آيا تو تصديق‌ مي‌كني‌ كه‌ اين‌ دين‌ محمد ص است‌؟ و آيا قبول‌ مي‌كني‌ كه‌ اهل‌ بيت‌ چنين‌ چيزي‌ را مي‌پسندند؟ و يا خوبيهاي‌ اخلاق عرب‌ كه‌ پيامبر ص آمد تا آن‌ را تكميل‌ نمايد اين‌ را گوارا مي‌كند و تائيد مي‌نمايد؟**

**پيامبر بزرگوار ص مي‌فرمايد: (من‌ آمده‌ام‌ تا خوبيهاي‌ اخلاق را كامل‌ كنم‌). كامل‌ كنم‌ نه‌ اينكه‌ منهدم‌ كنم‌!**

بي‌بند و باري‌ اروپايي‌:

**و براي‌ اينكه‌ نقاب‌ ـ نه‌ بيشتر از اين‌ ـ از حقيقت‌ ماجرا دور شود تا مقصود و هدف‌ آشكار شود بدون‌ اينكه‌ به تفسير و پرده‌برداري‌ نيازي‌ باشد اين‌ فتوا را با عبارتش‌ برايتان‌ نقل‌ مي‌كنم‌:**

**مسأله ( 289) آيا متعه‌ كردن‌ و استفاده‌ جنسي‌ از دختر اروپايي‌ غربي‌ بدون‌ اجازه‌ ولي‌اش‌ جايز است‌؟**

**جواب‌: اگر فرض‌ كنيم‌ كه‌ ولي‌ او را رها كرده‌ و در همه‌ كارهايش‌ او را به‌ خودش‌ سپرده‌ است‌ نيازي‌ به‌ اجازه‌گرفتن‌ نيست‌ حتي‌ در مورد دختر مسلمان(!!!) و همچنين‌ اگر مذهب‌ دختر چنين‌ بود كه‌ اجازه‌ گرفتن‌ لزومي ‌نداشت‌ بدون‌ مراجعه‌ به‌ ولي‌ جايز است‌ حتي‌ در مورد دختر مسلمان‌ نيز(!!!)**

**چنان‌ كه‌ اگر ولي‌ دختر را از ازدواج‌ كردن‌ با كفو منع‌ كند در صورتي‌ ديگر كفوي‌ نباشد اعتبار اذن‌ او ساقط‌ مي‌شود([[60]](#footnote-60)).**

**آيا اين‌ جايز قرار دادن‌ همه‌ هرج‌ و مرج‌ جنسي‌ و بي‌بند و باري‌ حيواني‌ كه‌ در اروپا و غرب‌ انجام‌ مي‌شود نيست‌؟!**

**آيا اين‌ فتوا تلاشي‌ ننگين‌ نيست‌ كه‌ جناب‌ سيد براي‌ نقل‌ بي‌بند و باري‌ به‌ جامعه‌ مسلمان‌ مي‌نمايد؟!**

**سوال‌ كننده‌ از جامعه‌ اروپايي‌ غربي‌ و دختر جوان‌ اروپايي‌ مي‌پرسد و (سيد) او را راهنمايي‌ مي‌كند كه‌ اين‌ كار حتي‌ اگر با دختر مسلمان‌ در جامعه‌ اسلامي‌ شرقي‌ انجام‌ شود اشكالي‌ ندارد زماني‌ كه‌ ولي‌ ديوث‌ (دختر را رها كرده‌ باشد و او را به‌ خودش‌ سپرده‌ باشد)!!! و يا اگر دختر از تحت‌ سرپرستي‌ و اطاعت‌ ولي‌اش‌ بيرون‌ باشد (تا ولي‌ را با خواست‌ و توجيه‌ مرجع‌ خود ديوث‌ كند، زيرا (مذهب‌ دختر اين‌ است‌ اجازه‌ گرفتن‌ لازم‌ نيست‌)، اما (سيد) به‌ ما نگفت‌ حكم‌ ولي‌ كه‌ دخترش‌ را رها مي‌كند و او را به‌ خودش‌ واگذار مي‌نمايد تا هر چه‌ مي‌خواهد انجام‌ دهد چيست، و در شريعت‌ سيد حكم‌ ولي‌ چيست‌؟!!**

**چنين‌ جامعه‌اي‌ نياز دارد كه‌ با اتو معالجه‌ شود تا با دستمال‌ كاغذي‌ خشك‌ كننده‌ كه‌ بوسيله‌ آن‌ زخمهايي‌ كه‌ چرك‌ و گندگي‌ از آن‌ بيرون‌ مي‌آيد عطرآگين‌ گردد.**

**اطلاع‌ داشتن‌ ما از چنين‌ فتواهايي‌ كه‌ پاكدامني‌ جامعه‌ را ترور مي‌نمايد و شناخت‌ ما از آنچه‌ پشت‌ پرده‌ مي‌گذرد يكي‌ از بزرگترين‌ عواملي‌ است‌ كه‌ ما را وادار مي‌نمايد كه‌ فرياد بزنيم‌ (آيين‌ و شيوه‌ اهل‌ بيت‌ را نجات‌ دهيد).**

**چرا برادران‌مان‌ را از مذاهب‌ ديگر وقتي‌ مذهبي‌ را كه‌ فتواي‌ علمايش‌ اين‌ است‌ به‌ ريشخند و تمسخر مي‌گيرند سرزنش‌ مي‌كنيم‌؟**

**چرا از تنفر آنها از اين‌ مذهب‌ خشمگين‌ مي‌شويم‌؟**

**در حالي‌ كه‌ آنها آنچه‌ اتفاق مي‌افتد را با چشمان‌ خودشان‌ مشاهده‌ مي‌كنند، و آنچه‌ خوار و رسوا مي‌نمايد را مي‌خوانند، و همه‌ آنچه‌ ما انجام‌ مي‌دهيم‌ اين‌ است‌ كه‌ تلاش‌ مي‌كنيم‌ تا واقعيت‌ و وضعيت‌ ننگين‌ و خفت‌‌باري ‌را با كاغذ پاره‌هايي‌ كه‌ روي‌ آن‌ نوشته‌ شده: فقيه‌ گفت‌، مرجع‌ فتوا داد، گفت‌ و شنيد، و گفت‌: روايت‌ و حكايت‌ مي‌شود! پيوند بزنيم‌ و بپوشانيم‌.**

**چگونه‌ مي‌خواهي‌ مرا قانع‌ كني‌ كه‌ به‌ پزشكي‌ اعتماد كنم‌ كه‌ بيماران‌ از پيش‌ او همراه‌ با بيماري‌ها و ميكروب‌هاي‌ واگيردار بيرون‌ مي‌آيند و سپس‌ به‌ من‌ مي‌گويي‌: اين‌ اصول‌ پزشكي‌ و روش‌ آن‌ است‌؟!**

**من‌ به‌ عنوان‌ يك‌ انسان‌ خداوند عقل‌ انديشه‌گر و پويا به‌ من‌ ارزاني‌ داشته‌ است، و در ميان‌ دو راه‌ قرار دارم‌ كه‌ راه سومي‌ نيست‌. يا اينكه‌ اين‌ پزشك‌ فقط‌ ادعا مي‌كند و معالجه‌ بلد نيست،‌ و يا اينكه‌ ما بايد در اين‌ اصول‌ و شيوه كه‌ چنين‌ پزشكي‌ را تحويل‌ جامعه‌ داده‌ بازبيني‌ كنيم‌.**

بخوان‌ و تعجب‌ كن‌:

**1ـ مساله‌ (237) كشورهاي‌ زيادي‌ هستند كه‌ زنا در آن‌ مشهور است، و زنا براي‌ بسياري‌ از دختران‌ اين‌ كشورها منبع‌ درآمد است، پس‌ اگر شخصي‌ بخواهد با دختري‌ از دختران‌ اين‌ كشورها ازدواج‌ كند آيا لازم‌ است‌ از آن بپرسد كه‌ متأهل‌ است‌ يا زناكار است‌؟ و آيا عادت ماهیانه گذرانده‌ يا نه‌؟**

**پاسخ‌: پرسيدن‌ از حالت‌ آن‌ در صورتي‌ كه‌ اشكالي‌ داشته‌ باشد لازم‌ نيست‌ مگر اينكه‌ به‌ يقين‌ معلوم‌ باشد كه متأهل‌ است(!!) يا طلاق گرفته‌ است، پس‌ اگر در مرحله‌ اول‌ در مورد طلاق گرفته‌ بودنش‌ شك‌ كرد بايد بپرسد كه‌ آيا او طلاق گرفته‌ است‌ يا نه‌؟ پس‌ اگر گفت‌: بله،‌ من‌ طلاق گرفته‌ام، كافي‌ است‌، و در بار دوم‌ اگر شك‌ داشت‌ كه‌ از عده‌ بيرون‌ آمده‌ يا نه‌ بايد بپرسد، وقتي‌ گفت‌: بله‌، به‌ همين‌ كفايت‌ كند. اما زنان‌ زناكار معروف‌ ازدواج‌ با آنها بنابر قول‌ احوط‌ درست‌ نيست، مگر زني‌ كه‌ واقعاً توبه‌ كرده‌ باشد، پس‌ آن‌ وقت‌ ازدواج‌ موقت‌ و دائم‌ با آنها درست‌ است([[61]](#footnote-61)).**

**توجه‌ كن‌ (طبق‌ قول‌ احوط‌) يعني‌ لازم‌ نيست، بلكه‌ از روي‌ احتياط‌ چنين‌ است‌. بدون‌ شك‌ چنين‌ موانع‌ اختياري كه‌ لازم‌ نيستند در چنين‌ مسائلي‌ از بين‌ مي‌رود و ارزش‌ واقعي‌ نخواهند داشت‌ مگر به‌ نزد اندك‌ بسيار كمي‌ و بسا چنين‌ افرادي‌ يافت‌ نمي‌شود!**

**به‌ كار بردن‌ چنين‌ كلماتي‌ مانند (از روي‌ احتياط‌) و (مكروه‌ است‌)، و امثال‌ آن‌ از طرف‌ فقيه‌ در چنين‌ مسائلي وسيله‌هايي‌ براي‌ تقيه‌ بيش‌ نيستند، اما برعكس‌ ـ يعني‌ موافق‌ است‌ مخالف‌ نيست‌ ـ تا از نفرت‌ يا اعتراضي‌ كه‌ در وجودش‌ پديد مي‌آيد بپرهيزد! با اينكه‌ برخي‌ ازدواج‌ با زناكار را بدون‌ (از روي‌ احتياط‌) به‌ طور مطلق‌ جايز مي‌دانند!!**

**11ـ مساله‌ (293) آيا خبر كردن‌ مردي‌ كه‌ مي‌خواهد زني‌ را صيغه‌ كند به‌ اينكه‌ اين‌ زن‌ از مردي‌ كه‌ پيش‌تر او را صيغه‌ كرده‌ عده‌ نگذرانيده‌ است‌ واجب‌ است‌؟**

**پاسخ‌: خبر كردن‌ واجب‌ نيست(!!!)([[62]](#footnote-62)).**

**چگونه‌ واجب‌ نيست‌!! بر اساس‌ كدام‌ دين‌ و آيين‌ واجب‌ نيست‌؟! چگونه‌ در صورتي‌ كه‌ ممكن‌ است‌ زن‌ از شوهر قبلي‌ حامله‌ شده‌ باشد! و اگر بعداً حامله‌ بودنش‌ مشخص‌ گرديد فرزند به‌ چه‌ كسي‌ نسبت‌ داده‌ مي‌شود؟!**

فاجعه‌اي‌ ديگر:

**12ـ مساله ‌(290): آيا مي‌توان‌ با دختر جوان‌ دوشيزه‌اي‌ كه‌ پدرش‌ وفات‌ نموده‌ و مادرش‌ زنده‌ است‌ و دختر نيز به سن‌ رشد رسيده، بدون‌ اجازه‌ كسي‌ ازدواج‌ كرد؟**

**جواب‌: اشكالي‌ ندارد(!!!!) اگر پدربزرگي‌ از طرف‌ پدر نداشته‌ باشد، و اگرنه‌ احتياط‌ اين‌ است‌ كه‌ از او اجازه گرفته‌ شود([[63]](#footnote-63)).**

**فكر كن‌ چگونه‌ انسان‌ مي‌تواند در چنين‌ جامعه‌اي‌ در مورد دخترانش‌ ايمن‌ باشد؟!**

**اگر اين‌ بيوه‌ بيچاره‌ روزي‌ افراد ناشناسي‌ را در خانه‌اش‌ ببيند كه‌ با دخترانش‌ آميزش‌ جنسي‌ مي‌نمايند و آنها را بر بستر دخترش‌ مشاهده‌ كند چكار خواهد كرد؟! اگر به‌ او بگوييم‌ ـ يا بگويند ـ آنها متعه‌ مي‌كنند؟! و وقتي‌ به‌ نزد (سيد) برد و جوابش‌ اين‌ باشد: باسمه‌ تعالي‌، اين‌ جايز است‌؟!!**

**جامعه‌اي‌ كه‌ رهبرانش‌ (و كدام‌ رهبران‌!! روحاني‌هاي‌ مقدس‌) به‌ زشتي‌ دستور مي‌دهد و فساد را تحريك‌ مي‌نمايند، و قافله‌ فسادكاران‌ را رهبري‌ مي‌نمايند، به‌ راستي‌ كه‌ چنين‌ جامعه‌اي‌ حالتش‌ از جامعه‌ اروپايي‌ بدتر است‌، چون‌ آنها كارهايي‌ كه‌ مي‌كنند به‌ نام‌ دين‌ انجام‌ نمي‌دهند بلكه‌ دينشان‌ را از اين‌ زشتي‌ پاك‌ كرده‌اند و با كمال‌ شجاعت‌ مسئوليت‌ آلوده‌ شدن‌ به‌ اين‌ زشتي‌ها را به‌ گردن گرفته‌اند.**

**فردي‌ كه‌ شراب‌ مي‌نوشد و به‌ حرام‌ بودن‌ آن‌ عقيده‌ دارد مرتكب‌ يك‌ گناه‌ مي‌شود، و فردي‌ كه‌ بنام‌ دين‌ آن‌ را حلال‌ قرار مي‌دهد و مي‌خورد مرتكب‌ دو گناه‌ شده،‌ بلكه‌ او كافر است‌.**

**اگر حرمت‌ شراب‌ را مي‌دانسته‌ است‌.**

**پس‌ در مورد كسي‌ كه‌ آن‌ را بنام‌ شريعت‌ پاك‌ خوردنش‌ را واجب‌ مي‌داند چه‌ فكر مي‌كني‌؟!!!**

**جامعه‌ بي‌بند و بار آمريكا پاك‌تر و شريف‌تر و صداقتش‌ با خودش‌ بيشتر است،‌ و اين‌ جامعه‌ رئيس‌ جمهورش‌ (كلينتون‌) را به‌ خاطر ارتباط‌ مشكوك‌ وي‌ با كارمند كاخ‌ سفيد (مونيكا لوينسكي‌) محاكمه‌ مي‌نمايد.**

**اگر كلينتون‌ ديني‌ مي‌داشت‌ مانند اين‌ فتواها كه‌ اين‌ كار را برايش‌ جايز قرار مي‌داد مشكلي‌ برايش‌ پيش‌ نمي‌آمد، چون‌ او با تمام‌ سادگي‌ و خيلي‌ راحت‌ ادعا مي‌كرد كه‌ او را صيغه‌ كرده‌ است، و به‌ صورت‌ موقت‌ ازدواج‌ نموده ‌است‌. شكي‌ نيست‌ كه‌ چنين‌ خواهد شد (مردان‌ دين‌) را مي‌بيني‌ كه‌ اين‌ شرايط‌ ظاهري‌ را اجرا مي‌كنند و كلمه ‌(خودم‌ را به‌ متعه‌ تو دادم‌) را تلفظ‌ مي‌نمايد و قبول‌ كردم‌ را بيان‌ دارند و مزد و مدت‌ را ذكر مي‌كنند، و با اين ارتباط‌ صحيح‌ و شرعي‌ مي‌شود و اشكال‌ برطرف‌ مي‌شود، و (روحاني‌ها و مردان‌ ديني‌ ما) هر روز و بي‌ پرده آنچه‌ را كلينتون‌ با مونيكا لونيسكي‌ انجام‌ داده‌ انجام‌ مي‌دهند! آيا قبول‌ مي‌كني‌؟!!**

حلال‌ زاده‌!

**13ـ مساله‌ (194): اگر شوهر با زنش‌ بعد از پايان‌ يافتن‌ مدت‌ عقد موقت‌ به‌ باور اينكه‌ هنوز مدت‌ باقي‌ است‌ و تمام‌ نشده‌ آميزش‌ كرد، حكم‌ فرزندي‌ كه‌ به‌ دنيا مي‌آيد چيست‌؟**

**جواب‌: فرزند مذكور در اين‌ صورت‌ حلال‌ زاده‌ است([[64]](#footnote-64)).**

**باز به‌ پژوهش‌ و جستجو پرداختم:‌**

**گفتم:‌ آيا معقول‌ است‌ كه‌ اسلام‌ برابر خود چنين‌ بي‌بند و باري‌ عجيبي‌ را در جامعه‌ غربي‌ ببيند سپس‌ آن‌ را تاييد نمايد و تشويق‌ كند؟!!**

**و مي‌گفتم‌ كه‌ يك‌ مرد از تمام‌ اين‌ جامعه‌ غيرتش‌ بوجود مي‌آيد و مردانگي‌‌اش‌ حركت‌ مي‌كند و آن‌ را حرام‌ قرار مي‌دهد!**

يكي‌ فقط‌؟!!

**به‌ منابع‌ بازگشته‌ و آن‌ را مي‌خواندم‌ و فكر مي‌نمودم و جستجو مي‌كردم‌ در آن‌ چيزها يافتم‌ كه‌ موجب‌ خوشنودي‌ام‌ شده‌ و آرام‌ گرفتم‌.**

**نخست‌ يافتم‌: كه‌ ازدواج‌ (متعه‌) كه‌ به‌ هنگام‌ بعثت‌ پيامبر ص وجود داشته‌ است، ازدواجي‌ است‌ كه‌ با ازدواج شرعي‌ هيچ‌ فرقي‌ ندارد مگر در وقت‌ و ارث، يعني‌ موافقت‌ ولي‌ و گرفتن‌ شاهد در آن‌ شرط‌ است‌، اما اين صورتهاي‌ زشتي‌ كه‌ فقها امروز اجازه‌ مي‌دهند از متعه‌ نيست، فقط‌ نام‌ متعه‌ را بر آن‌ يدك‌ مي‌كشند. (متعه‌اي‌) كه در ابتداي‌ امر بود يك‌ چيز بود، و اين‌ چيزي‌ كه‌ اتفاق مي‌افتد چيزي‌ ديگر است، پس‌ استدلال‌ كردن‌ آن‌ از متعه نوعي‌ مغالطه‌ است‌ كه‌ اساس‌ آن‌ جز بازيچه‌ اشتراك‌ لفظي‌ ديگر چيزي‌ بيش‌ نيست. با وجود اين‌، پيامبر ص در آخر زندگي‌‌اش‌ ازدواج‌ موقت‌ را حرام‌ قرار داد، و هنوز وفات‌ نكرده‌ بود كه‌ ازدواج‌ موقت‌ را حرام‌ نمود آن‌ طور كه‌ در آخر كار شراب‌ را حرام‌ نمود.**

**و دليل‌ قطعي‌ حرام‌ بودن‌ ازدواج‌ موقت‌ اين‌ است‌ كه‌ هيچ‌ يك‌ از ائمه‌ و هيچ‌ يك‌ از فرزندان‌ و نوادگانشان‌ صيغه‌زاده‌ و محصول‌ ازدواج‌ موقت‌ نبوده‌ است، و در طول‌ مدت‌ زماني‌ طولاني‌ كه‌ سه‌ قرن‌ كه‌ با آنچه‌ معروف‌ به ‌(غيبت‌ كبري‌) است‌ پايان‌ مي‌يابد، و با وجود اينكه‌ در خلال‌ اين‌ مدت‌ طولاني‌ آنان‌ صدها زن‌ گرفته‌اند، و از آنها صاحب‌ صدها پسر و دختر شده‌اند، هيچ‌ فرزندي‌ از فرزندانشان‌ صيغه‌زاده‌ و محصول‌ ازدواج‌ موقت‌ نبوده‌ است‌! و كتابهايي‌ از نسب‌ صحبت‌ مي‌نمايند كه‌ مخصوص‌ آنها مي‌باشند و فرزندان‌ و مادر فرزندانشان‌ را ذكر مي‌كنند و آنها را به‌ دو گروه‌ تقسيم‌ مي‌نمايند، مي‌گويند: اين‌ مادرش‌ آزاد بود، و اين‌ مادرش‌ كنيز بوده‌ است، و بعضي‌ وقت‌ها مي‌گويند: فلاني‌ مادرش‌ ام‌ ولد است‌، يعني كنيز است. صرف‌ نظر از نوادگان‌ اهل‌ بيت‌ غير از ائمه‌. پس‌ اگر ازدواج موقت‌ (متعه‌) حلال‌ مي‌بود آنها آن‌ را انجام‌ مي‌دادند، و از راه‌ ازدواج‌ موقت‌ صاحب‌ صدها فرزند مي‌شدند، و اين كتابها چنين‌ مي‌نوشتند كه‌ فلاني‌ مادرش‌ فلاني‌ است، پدرش‌ (امام‌ يا غير از او هر كس‌ كه‌ باشد) مادرش‌ را به صورت‌ موقت‌ به‌ ازدواج‌ خود در آورده‌ بود.**

**آيا از من‌ مي‌خواهي‌ تصديق‌ كنم‌ يا درك‌ نمايم‌ كه‌ آنها صدها زن‌ صيغه‌ كرده‌اند اما به‌ قدرت‌ خداوند قادر سبحان هيچ‌ يك‌ از اين‌ زنها حامله‌ نشده‌ و فرزندي‌ به‌ دنيا نياورده‌ است‌؟!**

**اتفاق ائمه‌ و ديگر اهل‌ بيت‌ بر پرهيز ازدواج‌ موقت‌ دليل‌ قاطعي‌ است‌ بر اينكه‌ ازدواج‌ موقت‌ نزد آنها حرام‌ بوده است‌. و در اين‌ مورد، روايت‌هاي‌ زياد از آنها در كتابها آمده‌ كه‌ پوشيده‌ نگاه‌ داشته‌ شده‌اند، به‌ جز شيعيان‌ زيدي‌ آنان‌ اين‌ را از امام‌ زين‌ العابدين : روايت‌ و اظهار نموده‌ و آشكار كرده‌اند، و ازدواج‌ موقت‌ در مذهبشان‌ حرام‌ است‌.**

**در كتاب‌ (الروض‌ النضير شرح‌ مجموع‌ الفقه‌ الكبير) در فقه‌ زيديه‌ 4/218 آمده‌ است‌:**

**- از امام‌ زيد ؛ روايت است‌ او از پدرش‌ علي‌ ؛، و پدرش‌ از پدر بزرگش‌ حسين‌ ؛ و او از علي‌ ؛ روايت‌ مي‌نمايد كه‌ گفت‌: «پيامبر خدا ص در سال‌ خيبر از ازدواج‌ متعه‌ نهي‌ كرد». و در روايتي‌ ديگر به‌ جاي‌ نهي‌ كرد آمده‌ كه‌ حرام‌ قرار داد.**

**- نوه‌ امام‌ زيد ؛ حسن‌ بن‌ يحيي‌، فقيه‌ عراق در زمان‌ خودش‌، گفته‌ است‌: (خاندان‌ پيامبر ص بر كراهيت‌ ازدواج‌ و نهي‌ كردن‌ از آن‌ اجماع‌ كرده‌اند). به‌ كلمه‌ اجماع‌ كرده‌اند توجه‌ كنيد.**

**- و از امام‌ صادق : در مورد متعه‌ (ازدواج موقت‌) روايت‌ شده‌ كه‌ گفت:‌ (آن‌ زناست‌).**

**- و امام‌ باقر : در مورد آن‌ فرموده‌: (متعه‌ همان‌ زناست‌).**

**و وقتي‌ به‌ منابع‌ اثناعشري‌ مراجعه‌ كنيم‌ اين‌ مطالب‌ را مي‌بينيم‌.**

**كليني‌ با سند خودش‌ از مفضل‌ بن‌ عمر روايت مي‌نمايد كه‌ گفت:‌ از ابو عبدالله ؛ شنيدم‌ كه‌ مي‌گفت:‌ (ازدواج‌ موقت‌ را ترك‌ كنيد، آيا فردي‌ از شما حيا نمي‌كند كه‌ در جاي‌ عورتي‌ ديده‌ شود و اين‌ بر برادران‌ و ياران‌ صالح‌ او حمل‌ شود)([[65]](#footnote-65)).**

**و از مام‌ زيد ؛، از پدرانش،‌ از امير المؤمنين‌ علي‌ ؛ روايت‌ است‌ كه‌ گفت‌: «پيامبر خدا ص روز خيبر گوشت خرهاي‌ اهلي‌ و ازدواج‌ موقت‌ را حرام‌ قرار داد»([[66]](#footnote-66)).**

**و اين‌ موافق‌ با آنچه‌ كه‌ اينك‌ به‌ روايت‌ زيدي‌ها ذكر شد.**

**و از صادق : روايت‌ است‌ كه‌ او در مورد متعه‌ پرسيده ‌شد؟ گفت‌: (نزد ما جز انسانهاي‌ فاسق‌ كسي‌ آن‌ را انجام‌ نمي‌دهد)([[67]](#footnote-67)).**

**امام ابو الحسن‌ نكته‌ زيبايي‌ از اسرار باطل‌ بودن‌ نكاح‌ متعه‌ (ازدواج‌ موقت‌) را بيان‌ مي‌نمايد و آن‌ اين‌ است‌ كه‌ با ازدواج‌ موقت‌ مردان‌ از زنهاي‌ خود روي‌ گردان‌ شده‌ و زنان‌ زيان‌ مي‌بينند، و اين‌ چيزي‌ است‌ كه‌ هر زني‌ كه شورهش‌ با زنان‌ ديگر صيغه‌ مي‌كند رنج‌ مي‌برد، و اين‌ چيزي‌ است‌ كه‌ مشاهده‌ شده‌ - اگر مي‌خواهيد بپرسيد - و بسا اين‌ كار باعث‌ مي‌شود تا زن‌ به‌ انحراف‌ كشانده‌ شود، او از ازدواج‌ موقت‌ سخن‌ مي‌گويد و بيان‌ مي‌دارد (با مشغول‌ شدن‌ به‌ ازدواج‌ موقت‌ از زنان‌ خود روي‌ گردان‌ نشويد، آنگاه‌ زنانتان‌ ناسپاسي‌ مي‌كنند و بيزاري مي‌جويند، و كسي‌ را كه‌ به‌ اين‌ كار فرمان‌ مي‌دهد دعاي‌ بد مي‌كنند و ما را نفرين‌ خواهند كرد)([[68]](#footnote-68)).**

**عمل‌ كردن‌ به‌ روايت‌هايي‌ كه‌ ازدواج‌ موقت‌ را حرام‌ قرار مي‌دهد شيعه‌ را از مذهبش‌ بيرون‌ نمي‌كند، چون‌ در بين‌ روايت‌هاي‌ متضاد با يكديگر او برخي‌ را بر برخي‌ ترجيح‌ مي‌دهد، و اين‌ ترجيح‌ دادن‌ چيزي‌ نيست‌ كه‌ از مذهب‌ يا دين‌ بيرون‌ كند، بلكه‌ تمام‌ مذهب‌ ـ در واقع‌ ـ بر اساس‌ ترجيح‌ قائم‌ است، زيرا هيچ‌ مسئله‌اي‌ يافت ‌نمي‌شود مگر اينكه‌ روايت‌ها از ائمه‌ در مورد آن‌ متعارض‌ و متضاد هستند، و اين‌ قضيه‌اي‌ است‌ كه‌ گذشتگان‌ از آن‌ رنج ‌برده‌اند، و به‌ خاطر همين‌ قضيه‌، شيخ‌ طوسي‌ شيخ‌ طائفه‌ كتابش‌ (تهذيب‌ الاحكام‌) را نوشت، پس‌ چگونه اگر قول‌ مرجوح چيزي‌ باشد كه‌ عقل‌ و دين‌ آن‌ را نمي‌پذيرد؟!**

**بگو: شما را به‌ يك‌ چيز پند مي‌دهم‌.**

**اگر زني‌ كه‌ شوهر ندارد حامله‌ شود ـ مانند اينكه‌ بيوه‌ يا طلاق گرفته‌ باشد ـ يا حتي‌ دختري‌ دوشيزه‌ باشد ـ كه‌ به ‌علت‌ زنا ـ حامله‌ شده‌ باشد سپس‌ خانواده‌اش‌ پي‌ برد و او رسوا شد پس‌ بر آنها ـ تا خودش‌ را از عذاب‌ برهاند - اعتراض‌ كرد و گفت‌: كه‌ او با ازدواج‌ شرعي‌ حامله‌ شده‌ و ازدواج‌ شرعي‌ (متعه‌) است، چگونه‌ مي‌توانيم‌ ميان‌ دوچيز فرق بگذاريم‌؟!!**

اي‌ ملت‌!

**ديني‌ كه‌ آنچه‌ بين‌ منكر و معروف‌ فرق مي‌گذارد در آن‌ دين‌ پوشيده‌ است‌، و حدود مرزهاي‌ شرك‌ و توحيد يا دروغ‌ و راست‌ و ازدواج‌ و زنا در آن‌ شناخته‌ نمي‌شود!**

**ديني‌ كه‌ در آن‌ هر مردي‌ مي‌تواند دمِ‌ درِ خانه‌اش‌ بايستد، و زناني‌ كه‌ صبح‌ و شام‌ از آنجا مي‌گذرند خود را به آنها عرضه نمايد تا يكي توافق‌ نمايد كه‌ يك‌ ساعت‌ فقط‌ يا كمتر از يك‌ ساعت‌ با او داخل‌ خانه‌ بيايد و او درِ اتاقش‌ را ببندد تا غريزة خود را اشباع‌ كند، سپس‌ او را رها كند تا با سلامتي‌ برود و به‌ دنبال‌ كسي‌ ديگر غير از او باشد، و او نيز به‌ جستجوي‌ زني‌ ديگر بپردازد. دقيق‌ مانند كار زناكاران‌ و هيچ‌ فرقي‌ جز چند كلمه‌ كه‌ ايجاب‌ و قبول‌ وقت‌ است‌ ندارد، و نيز مي‌تواند مشتي‌ آرد يا يك‌ نان‌ به‌ عنوان‌ مهريه‌ بدهد.**

**ديني‌ كه‌ چيزي‌ را درست‌ مي‌داند و تاييد‌ مي‌كند امكان‌ ندارد كه‌ دين‌ خدا باشد، و امكان‌ ندارد كه‌ چنين‌ ديني‌ را خداوند براي‌ اهل‌ بيت‌ پيامبرش‌ به‌ عنوان‌ شريعت‌ ارائه‌ دهد.**

**مرد ديگر كه‌ همين‌ كار را با زني‌ كه‌ آن‌ را از خيابان ‌آورده‌ انجام‌ داده‌ زناكار شمرده‌ مي‌شود، و بر او حد جاري‌ مي‌گردد كه‌ گاهي‌ به‌ سنگسار كردنش‌ تا اينكه‌ بميرد مي‌رسد، چون‌ اين‌ كارهاي‌ ظاهري‌ را انجام‌ نداده‌ است، با اينكه معمولاً زنا در هر حالتي انجام شود زمان‌ و پول‌ آن‌ مشخص‌ مي‌گردد.**

عقلها كجا رفته‌اند؟!

**اين‌ روايت‌ را در روضه‌ كافي‌ كليني‌ بخوانيد:**

**از محمد بن‌ مسلم‌ روايت‌ است‌ كه‌ مي‌گويد: «به‌ نزد ابوعبدالله ؛ رفتم‌ و به‌ او گفتم:‌ در خواب‌ ديدم‌ كه‌ وارد خانه‌ام‌ شدم‌ و همسرم‌ به‌ سوي‌ من‌ آمد و گردوهاي‌ زيادي‌ شكست و روي‌ من‌ ريخت،‌ از اين‌ خواب‌ شگفت‌ زده شدم‌... تعبيرش‌ چيست‌؟ گفت‌: اي‌ پسر مسلم، زني‌ را صيغه‌ مي‌كني‌ همسرت‌ باخبر مي‌شود و لباسهاي‌ نو‌ تو را پاره‌ پاره‌ مي‌نمايد، زيرا پوست‌ لباس‌ مغز است‌. ابن‌ مسلم‌ گفت‌: سوگند به‌ خدا بين‌ تعبير او جز صبح‌ جمعه فاصله‌ نبود، صبح‌ جمعه‌ من‌ دمِ‌ در نشسته‌ بودم‌ ناگهان‌ كنيزي‌ از كنار من‌ رد شد، پسندم‌ آمد به‌ غلام‌ خود دستور دادم‌ كنيز را برگرداند، و سپس‌ آن‌ را وارد خانه‌ام‌ كردم، من‌ با آن‌ آميزش‌ كردم، همسرم‌ باخبر شد، و وارد خانه‌اي‌ شد كه‌ در آن‌ بوديم، كنيز به‌ سوي‌ در شتافت، و من‌ باقي‌ ماندم‌ و همسرم‌ لباسهاي‌ نو‌ مرا كه‌ در روزهاي‌ عيد مي‌پوشيدم‌ پاره‌ كرد»([[69]](#footnote-69)).**

ارتباط‌ زناشويي‌

**نگاه‌ كن‌ چگونه‌ آن‌ را توسعه‌ و بسط‌ داده‌اند!**

**- آميزش‌ با زن‌ از راه‌ عقب‌ جايز است‌. و به‌ گمان‌ من‌ اگر زن‌ راه‌ سوم‌ يا چهارم‌ و حتي‌ اگر راه‌ دهمي‌ مي‌داشت‌ كه‌ آميزش‌ در آن‌ ممكن‌ بود آن‌ را حلال قرار مي‌دادند، و چرا نه‌؟**

**كليني‌ از رضا ؛ روايت‌ كرده‌ كه‌ از او پرسيده‌ شد: مردي‌ با زنش‌ از راه‌ عقب‌ آميزش‌ مي‌كند؟ گفت‌: مي‌تواند([[70]](#footnote-70)).**

**و اين‌ ـ بدون‌ شك‌ ـ تهمتي‌ است‌ كه‌ امكان‌ ندارد امام‌ رضا ؛ چنين‌ ياوه‌اي‌ را به‌ زبان‌ بياورد.**

**- آميزش‌ با زن‌ حائض‌ را در زمان‌ حيضش‌ را سهل‌ مي‌انگارند به‌ صورتي‌ كه‌ مي‌توان‌ پس‌ از انجام‌ اين‌ كار مبلغي پول‌ پرداخت‌! اما اگر از راه‌ عقب‌ آميزش‌ كرد بر او چيزي‌ لازم‌ نيست‌!**

**نهايت‌ آنچه‌ فقها در (مسائل‌ عملي‌) گفته‌اند اين‌ است‌ كه‌ چنين‌ كاري‌ مكروه‌ است‌.**

**و من‌ معني‌ گفته‌ خداوند متعال‌ را نمي‌دانم‌ كه‌ فرموده‌ است‌:** ﮋﮧ ﮨ ﮩ ﮪﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮊ. **(البقره: 222). «**از اين‏رو در حالت قاعدگى، از آنان كناره‏گيرى كنيد! و با آنها نزديكى ننمايد، تا پاك شوند**». وقتي‌ ارتباط‌ جنسي‌ برقرار كردن‌ از راه‌ عقب‌ به‌ هر حال‌ جايز است‌! پس‌ دوري‌ كردن‌ با وجود ارتباط‌ جنسي برقرار كردن‌ چگونه‌ انجام‌ مي‌شود؟! سپس‌ از دو راه‌ كدام‌ يك‌ آلودگي‌ بيشتري‌ دارد؟! و خداوند متعال‌ مي‌گويد:** ﮋ ﮠ ﮡ ﮢﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪﮫ ﮊ. **(البقره: 222). «**و از تو، در باره خون حيض سؤال مى‏كنند، بگو: «چيز زيانبار و آلوده‏اى است; از اين‏رو در حالت قاعدگى، از آنان كناره‏گيرى كنيد**».**

**سبب‌ دوري‌ كردن‌ را وجود آلودگي و اذيت‌ در شرمگاه‌ زن‌ قرار داده‌ است، آيا راه‌ ديگري‌ هميشه‌ آلوده و اذيت‌ نيست‌؟!! بلكه‌ آلوده‌تر است، گمان‌ مي‌كني‌ كسي‌ در اين‌ مورد با من‌ مخالفت‌ نمايد.**

**اين‌ فتوا را بخوان‌:**

**مساله (267) آميزش‌ با زن‌ حائض‌ از راه‌ جلو در روزهاي‌ عادت‌ ماهانگي‌ حرام‌ است‌... اما آميزش‌ با آن‌ از راه‌ عقب‌ اشكال‌ دارد، گرچه‌ بيشتر آنچه‌ به‌ نظر مي‌آيد اين‌ است‌ كه‌ در صورت‌ رضايت‌ داشتن خانم‌ به‌ طور مطلق‌ جايز است‌، اما در صورت‌ عدم‌ رضايت‌ زن‌ از روي‌ احتياط‌ بهتر اين‌ است‌ كه‌ انجام‌ نشود.!!!([[71]](#footnote-71)).**

**مسئله (68) از روي‌ احتياط‌ و بهتر اين‌ است‌ كه‌ اگر كسي‌ در حالت‌ حيض‌ با اينكه‌ مي‌دانست‌ زنش‌ حيض‌ دارد با زنش‌ آميزش‌ كرد كفاره‌ بدهد([[72]](#footnote-72)).**

**پس‌ اين‌ از روي‌ احتياط‌ است‌ نه‌ به‌ طور لزوم‌!!**

**اما شيخ‌ الطائفه‌ ابوجعفر طوسي‌ چنين‌ روايت‌ مي‌كند:**

**- از ابويعفور روايت‌ است‌ كه‌ گفت‌: از ابوعبدالله ؛ در مورد مردي‌ كه‌ از راه‌ عقب‌ با زن‌ جماع‌ مي‌كند پرسيدم. گفت‌: اگر زن‌ راضي‌ باشد اشكالي‌ ندارد.**

**- از ابوالحسن‌ رضا ؛ در مورد مجامعت‌ مرد با زن‌ از راه‌ عقب‌ پرسيدم.‌ گفت‌: آيه‌اي‌ از كتاب‌ خدا آن‌ را حلال‌ كرده‌است‌؛ قول‌ لوط‌ ؛ كه‌** ﮋ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱﯓ ﮊ. **(هود: 78) و لوط‌ مي‌دانست‌ كه‌ آنها جز دبر چيزي‌ نمي‌خواهند.**

**طوسي‌ با شرحي‌ بر دو روايتي‌ كه‌ در مورد تحريم‌ آميزش‌ با زن‌ از راه‌ عقب‌ آمده‌اند، يكي‌ روايتي‌ است‌ از سدير كه گفت‌: از ابوعبدالله ؛ شنيدم‌ كه‌ مي‌گفت‌: پيامبر خدا ص فرمود: (راه‌ پشت‌ زنان‌ بر امت‌ من‌ حرام‌ است‌).**

**مي‌گويد: توجيه‌ اين‌ دو روايت‌ اين‌ است‌ كه‌ نوعي‌ كراهت‌ است، زيرا بهتر اين‌ است‌ كه‌ از اين‌ كار گرچه‌ ممنوع نباشد پرهيز شود، و آنچه‌ احمد بن‌ محمد بن‌ عيسي‌ از برقي‌ و او از ابويعفور روايت‌ مي‌نمايد بر همين‌ دلالت‌ مي‌كند او مي‌گويد: از آميزش‌ با زنان‌ در راه‌ عقب‌ پرسيدم‌؟ گفت‌: اشكالي‌ ندارد، و دوست‌ ندارم‌ تو انجام‌ دهي‌... و احتمال‌ دارد كه‌ اين‌ روايت‌ كه‌ اين‌ كار را حرام‌ قرار مي‌دهند به‌ صورت‌ تقيه‌ گفته‌ شده‌اند([[73]](#footnote-73)).**

خلوت‌ گزيني‌ با زنان‌

**از پديده‌هاي‌ شايع‌ يكي‌ اين‌ است‌ كه‌ بسياري‌ از كساني‌ كه‌ ادعاي‌ ديانت‌ و سيّدي‌ مي‌كنند وقتي‌ يكي‌ از آن‌ها بخواهد زني‌ را دم‌ و افسون‌ كند شرط‌ مي‌گذارد كه‌ با او تنها باشد، پس‌ حاضران‌ بيرون‌ مي‌روند و او با زن‌ تنها مي‌ماند.**

**و در منطقه‌ ما يكي‌ از اين‌ نوع‌ افراد هست‌ كه‌ هرگاه‌ مردي‌ با زن‌ يا خواهرش‌ پيش‌ او برود به‌ او مي‌گويد: ما جز زنان‌ كسي‌ را نمي‌پذيريم‌! و نمي‌گذارد او داخل‌ شود.**

**بلكه‌ عرفهاي‌ اجتماعي‌ خطرناكي‌ در جامعه‌ ريشه‌ دوانيده‌ است، پسردايي‌ام‌ برايم‌ تعريف‌ نمود و گفت‌: به‌ همراه‌ يكي‌ از دوستانم‌ در بازار بودم‌ او مرا به‌ خانه‌اش‌ دعوت‌ كرد، به‌ خانه‌ آمديم، در خانه‌ جواني‌ را ديديم‌ كه براي‌ رفتن‌ به‌ حمام‌ كه‌ خواهر دوستم‌ در همين‌ لحظه‌ برايش‌ تدارك‌ ديده‌ بود خودش‌ را آماده‌ كرده‌ بود، دوستم گرم‌ به‌ او خوش‌ آمد گفت، و بار بار مي‌گفت‌: خوش‌ آمدي‌ سيّد، بركت‌ پيش‌ ما آمده‌ (سيد)... و سيد جز يك‌ شلوار چيزي‌ بر بدنش‌ نبود! چاق و زيبا بود. سپس‌ كمي‌ بعد ما بيرون‌ رفتيم‌ و سيد را در خانه‌ گذاشتيم‌، و در خانه‌ جز سه‌ تا خواهر جوان‌ دوستم‌ كسي‌ نبود!!**

**در بين‌ راه‌ در گوش‌ دوستم‌ زمزمه‌ كردم‌: چگونه‌ مرد غريبه‌اي‌ را در خانه‌اي‌ مي‌گذاري‌ و در خانه‌ جز زنان‌ كسي نيست‌؟ ديدم‌ ناگهان‌ با اعتراض‌ و خشمگين‌ در حالي‌ كه‌ نزديك‌ بود از چشمهايش‌ آتش‌ ببارد گفت‌: آيا در سيّد شك داري‌؟!!**

نذر زن‌ براي‌ (سيد)

**اين‌ امر شايع‌ و معروفي‌ است‌ با وجود اينكه‌ زنان‌ مورد توهين‌ قرار مي‌گيرند و شخصيت‌ و انسانيت‌ زن‌ از بين مي‌رود، و نوعي‌ زورگويي‌ در سرنوشت‌ و ارادة زن‌ است‌. باري‌ زني‌ پيش‌ من‌ آمد و گفت‌: مادرش‌ او را در كودكي براي‌ (سيد) نذر كرده‌ است، اما او به‌ نذرش‌ وفا نكرده‌ و اينك‌ از روابط‌ ناراحت‌ كننده‌ زناشويي‌ رنج‌ مي‌برد، بيچاره از من‌ پرسيد: آيا ممكن‌ است‌ سبب‌ آن‌ وفا نكردن‌ به‌ نذر باشد؟!!**

عجائب‌ و غرائب‌ و كم‌ يافت‌ها

**- جايز بودن‌ نگاه‌ كردن‌ به‌ چهرة زنان‌ زيبا([[74]](#footnote-74)).**

**- جايز بودن‌ نگاه‌ كردن‌ به‌ شرمگاههاي‌ زنان‌ غيرمسلمان‌([[75]](#footnote-75)).**

**و بسيار راحت‌ از اين‌ نص‌ كه‌ به‌ دروغ‌ به‌ اهل‌ بيت‌ نسبت‌ داده‌ شده‌ براي‌ جايز بودن‌ تماشاي‌ فيلم‌هاي‌ جنسي ‌بيگانه‌ مي‌توان‌ استناد كرد.**

**اما در عورت‌ مسلمان‌ در پوشيدن‌ آن‌ فقط‌ همين‌ قدر كافي‌ است‌ كه‌ دست‌ بر شرمگاه‌ گذاشته‌ شود، اما دبر نياز به پوشش‌ ندارد، زيرا دنبه‌ها آن‌ را پوشانده‌اند([[76]](#footnote-76)).**

**در نماز، عورت‌ بايد پوشانده‌ شود و عورت‌ مرد آله‌ تناسلي‌ و دبر و بيضه‌ها هستند(!!!)([[77]](#footnote-77)). و اين‌ در نماز است‌!!! تصور كنيد نمازگزاري‌ به‌ اين‌ صورت‌ نماز مي‌خواند!! يا گروهي‌ از نمازگزاران‌ با اين‌ وضعيت‌ نماز مي‌خوانند!! و تو مي‌تواني‌ لخت‌ وارد حمام‌ بشوي‌ به‌ محض‌ اينكه بدنت‌ را با داروي‌ نظافت‌ بمالي، و آن‌ ماده‌اي‌ است‌ موبر كه‌ كاملاً مانند پودر است‌!!!([[78]](#footnote-78)).**

**بلكه‌ نگاه‌ كردن‌ به‌ زنان‌ نيمه‌ عريان‌ هرزه‌ و خودفروش‌ به‌ شرط‌ لذت‌ نبردن‌ جايز است، و در اين‌ مورد زنان‌ كافر و ديگران‌ فرقي‌ ندارند، همان‌ طور فرقي‌ بين‌ چهره‌ و دست‌ها و بين‌ ساير اعضاي‌ بدن‌ كه‌ عادت‌ اينگونه‌ زنان‌ است كه‌ آن‌ را نمي‌پوشانند وجود ندارد([[79]](#footnote-79)). بلكه‌ و حتي‌ نگاه‌ كردن‌ به‌ ران‌ها يا بالاتر يا پايين‌تر تا زماني‌ كه‌ عادت‌ باشد اشكالي‌ ندارد! اما شرط‌ اين‌ است‌ كه نگاه‌ كردن‌ از روي‌ شهوت‌ و لذت‌ بردن‌ نباشد، مثل‌ اينكه‌ بگويي‌ نوشيدن‌ شراب‌ جايز است‌ به‌ شرط‌ اينكه‌ مست‌ نكند.**

**و تنها بودن‌ با زن‌ بيگانه‌ (به‌ شرط‌ ايمن‌ بودن‌ از فساد!!!) اشكالي‌ ندارد([[80]](#footnote-80)). چه‌ شرطي‌!**

**براي‌ زن‌ جايز است‌ كه‌ نزد مرد بيگانه‌ رانندگي‌ بياموزد، به‌ اينصورت‌ كه‌ با هم‌ به‌ محل‌هاي‌ مناسب‌ براي‌ تمرين‌ و آموزش‌ رانندگي‌ بروند گرچه‌ آن‌ جا از مردم‌ خالي‌ باشد، اما به‌ شرط‌ اينكه‌ (مهم‌ شرط‌ است‌) مستلزم‌ ارتكاب‌ حرام‌ نباشد!!([[81]](#footnote-81)).**

**مثل‌ اينكه‌ بگويي‌ نوشيدن‌ شراب‌ جايز است‌ به‌ شرط‌ اينكه‌ مست‌ نكند.**

**و براي مرد جايز است كه در ميان دو زن در يك بستر بخوابد([[82]](#footnote-82)).**

**و نيز براي‌ مرد جايز است‌ (و همه‌ چيز جايز است‌) وقتي‌ به‌ زن‌ غلامش‌ نگاه‌ كرد و آن‌ را پسنديد با آن‌ آميزش‌ كند و غلامش‌ را دستور دهد آن‌ را رها كند، سپس‌ هر وقت‌ خواست‌ زن‌ غلامش‌ را به‌ او برگرداند([[83]](#footnote-83)). (استعاره‌ است‌!!).**

**و همچنين‌ جايز است‌ كه‌ مرد به‌ برادرش‌ عاريه‌ بدهد... چه‌ چيزي‌ را به‌ امانت‌ و عاريه‌ مي‌دهد... شرمگاه كنيزش‌ را به‌ برادرش‌ عاريه‌ مي‌دهد، تا با آن‌ آميزش‌ كند سپس‌ آن‌ را به‌ او برگرداند([[84]](#footnote-84)).**

**و عمر دختر علي‌ ؛ را غصب‌ كرد و علي‌ ؛ از ترس‌ عمر به‌ اين‌ راضي‌ شد. و اين‌ ياوه‌ به‌ امام‌ صادق ؛ نسبت‌ داده‌اند و با كلماتي‌ آن‌ را ترتيب‌ داده‌اند كه‌ انسان‌ وحشت‌ مي‌كند: (آن‌ شرمگاهي‌ بود كه‌ از ما غصب شده است)([[85]](#footnote-85)).**

**با اينكه به زور گرفتن حتي در شريعت و آيين كلينتون و تاچر و باراك زشت و ناپسند است، و همواره جوامع ـ حتي بي‌بند و بار ـ اين كار را جنايتي قرار مي‌دهند كه مرتكب آن مورد پيگرد قانوني قرار مي‌گيرد!!!. غير از اينكه‌ علي‌ ـ آن‌ طور كه‌ مشخص‌ مي‌شود ـ يك‌ كيلو را دو كيلو كرده‌ است‌ ـ بر حسب‌ روايت‌ شائع‌ ـ وقتي شبي‌ را نزد عمر گذراند صبح‌ كرد در حالي‌ كه‌ او در آغوش‌ خواهر عمر شب‌ را گذرانده‌ بود، بدون‌ اينكه‌ عمر بداند و با هم‌ روبرو شدند در حالي‌ كه‌ هر يك‌ براي‌ ديگر در سرش‌ كلك‌ و نيرنگي‌ پرورانده‌ بود:**

**عمر: مگر من‌ نگفتم‌ هر كس‌ در شهر است‌ نبايد شب‌ را مجرد سپري‌ كند؟!!**

**علي‌: از خواهرت‌ بپرس‌!!([[86]](#footnote-86)).**

**و شايد بعد از اين‌ افطار را با هم‌ صرف‌ كرده‌اند، و با يكديگر خداحافظي‌ كرده‌اند در حالي‌ كه‌ مي‌خنديده‌اند!**

**آيا سيماي‌ جامعه‌ نبوي‌ اين‌ است‌؟! يا اين‌ ديوثي‌ است‌؟!**

**به‌ نظر شما! اگر دوستي‌ پيش‌ شما بخوابد سپس‌ بعد از نصف‌ شب‌ بيدار شوي‌ و او را در آغوش‌ خواهرت‌ ببيني چه‌ موضعي‌ خواهي‌ داشت‌؟!!**

**آيا عذرخواهي‌ مي‌كني‌ و دوبار درِ اتاق آنها را مي‌بندي‌ يا چيزي‌ ديگر؟! و علي‌ آن‌ گونه‌ كه‌ روايت‌هاي‌ دروغين‌ ادعا مي‌كنند چنين‌ كرده‌ است، و فتواهايي‌ كه‌ اندكي‌ پيش‌ خوانديم‌ اين‌ را جايز مي‌داند؟!!**

كمرشكن‌

**در كتاب‌ كافي‌ از كليني‌ خواندم‌ ـ چه‌ زشت‌ بود آنچه‌ خواندم‌ ـ كه‌ انسان‌ برگزيدة خداوند و بزرگترين‌ مردمان‌ از نظر اخلاق و حيا وقتي‌ مي‌خواست‌ با زني‌ ازدواج‌ كند زني‌ را مي‌فرستاد كه‌ به‌ آن‌ نگاه‌ كند و او را سفارش‌ مي‌كرد و مي‌گفت‌: (به‌ شتالنگ‌ پايش‌ نگاه‌ كن‌ اگر بزرگ‌ و بر آمده‌ بود شرمگاهش‌ بزرگ‌ خواهد بود)([[87]](#footnote-87)).**

**و در حاشيه‌ آمده‌ كه‌ كلمه‌ (كعبث‌) كه‌ در روايت‌ آمده‌ يعني‌ فرج‌ بزرگ، و زشتي‌ها را به‌ زنان‌ پيامبران‌ نسبت ‌داده‌اند([[88]](#footnote-88)). پس‌ وقتي‌ حال‌ پيشوا اين‌ باشد عموم‌ مردم‌ چگونه‌ خواهند بود؟!**

زياد سخن‌گفتن‌ از امور جنسي در كتابها و رساله‌هاي‌ فقهي‌ (عملي‌)

**آنچه‌ در اين‌ منابع‌ جلب‌ توجه‌ مي‌كند اين‌ است‌ كه امور جنسي‌ زياد سخن‌ گفته‌ شده، و با كلمات‌ و اوصاف‌ زشتي‌ بيان‌ شده‌ است‌.**

**و همچنين‌ در اين‌ منابع‌ كارهاي‌ زشتي‌ بيان‌ مي‌شود كه‌ نفس‌هاي‌ سالم‌ از آن‌ متنفر مي‌شوند، نه‌ به‌ خاطر چيزي ديگر، بلكه‌ فقط‌ به‌ خاطر بيان‌ حيله‌ها و راههاي‌ شرعي‌ تا از گناه‌ آن‌ آزاد گردد! و چنان‌ احساس‌ مي‌كني‌ كه‌ گويا اين‌ جنايت‌ها و زشتي‌ها كارهاي‌ عادي‌ هستند كه‌ مردم‌ به‌ انجام‌ آن‌ عادت‌ كرده‌اند، و مي‌توان‌ بدون‌ هيچ ‌اعتراضي‌ آن‌ را انجام‌ داد و مرتكب‌ شد، حتي‌ علما دست‌ به‌ ارتكاب‌ آن‌ مي‌زنند! همه‌ آنچه‌ كه‌ در جنايتي‌ مانند لواطت‌ فكر فقيه‌ را به‌ خود مشغول‌ مي‌كند اين‌ است‌ كه‌ آيا غسل‌ كردن‌ بعد از لواطت‌ واجب‌ است‌ يا بايد از روي ‌احتياط‌ غسل‌ كرد!! و در ذكر اموري‌ كه‌ قلم‌ از نوشتن‌ آن‌ خجالت‌ مي‌كشد زياده‌روي‌ مي‌كنند. مانند: لواطت‌ با پدر زن‌ يا برادر زن‌ يا عموي‌ زن‌ يا پدربزرگ‌ زن‌ و يا مجامعت‌ با مادر و خاله‌ زن‌ و ديگر مصيبت‌ها و بلاهايي‌ كه فراگير شده‌ است‌.**

**(پسربچه‌ گفت،‌ مرد کوسه حكايت‌ كرد، و نزديكي كردند،‌ و در چاله‌ فرو رفت، ‌و چنين مزخرفاتي).**

**و چيزهايي‌ از اين‌ قبيل‌ كه‌ به‌ انسان‌ جرات‌ مي‌دهد تا مرتكب‌ آن‌ بشود و انجامش‌ براي‌ او آسان‌ مي‌گردد، و گوش به‌ شنيدن‌ آن‌ عادت‌ مي‌كند، و جامعه‌ براي‌ پذيرفتن‌ آن‌ حاضر مي‌شود، بلكه‌ در حالي‌ كه‌ صفحه‌ كتابهاي‌ فقهي‌ كه ويژه‌ اين‌ بحث‌ها هستند ورق مي‌زني ‌ احساس‌ مي‌كني‌ كه‌ تو براي‌ نزديك‌ شدن‌ به‌ اين‌ جنايت‌ها اكنون‌ بعد از خواندن‌ كتاب‌ بيشتر علاقمند هستي‌! كه‌ قبل‌ از خواندن‌ چنين‌ نبودي‌.**

**اين‌ فتواها را بخوان‌:**

**وط كردن‌ (آميزش‌) در دبر خنثي‌ باعث‌ جنابت‌ مي‌شود، از روي‌ احتياط‌ بايد غسل‌ كرد... اگر خنثي‌ آلة خودش‌ را در مردي‌ داخل‌ كرد يا در زني‌ و آب‌ بيرون‌ نيامد غسل‌ بر خنثي‌ واجب‌ نيست، اما بر مرد و زن‌ واجب‌ است([[89]](#footnote-89)).**

**جماع‌ در راه‌ جلو و عقب‌ زن‌ باعث‌ جنابت‌ مي‌شود هم‌ براي‌ مرد و هم‌ براي‌ زن‌، و احتياط‌ را در مجامعت‌ كسي ديگر غير از زن‌ براي‌ هر دو نبايد ترك‌ شود([[90]](#footnote-90)). غير از زن‌؟!!**

**مفهوم‌ عملي‌ اين‌ فتوا و امثال‌ آن‌ بيش‌ از راهنمايي‌ كردن‌ به‌ وجود راهي‌ ديگر چون‌ راه‌ ترافيك است‌ چيزي‌ نيست، و فقيه‌ راهنمايي‌ مي‌كند و پاداش‌ مي‌يابد و چرا پاداش‌ نيابد؟! راهنمايي‌ به‌ خوبي‌ مانند انجام‌ دهنده‌ آن‌ است‌.**

**مساله‌ (982) اگر كسي‌ با خاله‌اش‌ زنا كرد قبل‌ از اينكه‌ دخترش‌ را عقد كند دختر خاله‌اش‌ بر او حرام‌ مي‌شود، و همين‌ طور در مورد عمه‌ از روي‌ احتياط‌ (چرا؟) اگر با عمه‌ و خاله‌ زنا كرد بعد از اينكه‌ دختر را عقد كرده‌ بود و با او مجامعت‌ نموده‌ بود بر او حرام‌ نمي‌شود، و نيز اگر زنا بعد از عقد ازدواج‌ و قبل‌ از مجامعت‌ رخ‌ داد طبق‌ قول ارجح‌!([[91]](#footnote-91)).**

**مساله‌ (983): اگر با زني‌ بيگانه‌ زنا كرد بهتر اين‌ است‌ و احتياط‌ اين‌ است‌ (توجه‌ كن‌ احتياط‌ اين‌ است‌) كه‌ با دخترش‌ ازدواج‌ نكند. و اگر دخترش‌ را عقد كرده‌ بود سپس‌ با مادرش‌ زنا كرد بدون‌ هيچ‌ اشكالي‌ براي‌ او حرام نيست([[92]](#footnote-92))‌.**

**مساله‌ (985): اگر با زني‌ شوهردار يا زني‌ كه‌ در عده‌ طلاق رجعي‌ بود زنا كرد از روي‌ احتياط‌ براي‌ هميشه‌ بر او حرام‌ است‌، اما زنا با زني‌ كه‌ در عده‌اي‌ غير از عده‌ طلاق رجعي‌ به‌ سر مي‌برد باعث‌ حرمت‌ زني‌ كه‌ با آن‌ زنا شده نمي‌گردد، و زنا كننده‌ مي‌تواند بعد از تمام‌ شدن‌ عده‌اش‌ با او ازدواج‌ كند([[93]](#footnote-93)).**

**اين‌ فتوا كجا و فرموده‌ الهي‌ كجا كه‌ مي‌فرمايد:** ﮋ**...** ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅﮆ ﮊ**(النور: 3)؟!! «... و زن زناكار را، جز مرد زناكار يا مشرك، به ازدواج خود درنمى‏آورد».**

**مساله‌ (986): و اگر با زني‌ ازدواج‌ كرد كه‌ شوهر نداشت‌ و در عده‌ نبود جايز است‌ كه‌ با او ازدواج‌ كند، و احتياط‌ اين است‌ كه‌ عقد را به‌ تاخير بياندازد تا زن‌ حيض‌ شود. بله، براي‌ غير از زناكار قبل‌ از اين‌ ازدواج‌ با آن‌ زن‌ جايز است، گرچه‌ احتياط‌ اين‌ است‌ كه‌ تاخير شود([[94]](#footnote-94)) طبق‌ يك‌ قول‌، و طبق‌ قولي‌ ديگر: غير از زاني‌ براي‌ كسي‌ ديگر جايز است‌ كه‌ آن‌ را قبل‌ از آمدن‌ عادت‌ ماهانگي‌ به‌ ازدواج‌ خود در بياورد، مگر اينكه‌ زن‌ به زنا كردن‌ معروف‌ باشد، در اين‌ صورت‌ احتياط‌ اين‌ است‌ كه‌ با آن‌ قبل‌ از اينكه‌ توبه‌ كند ازدواج‌ نكند، همان‌ طور كه ‌احتياط‌ اين‌ است‌ كه‌ با مردي‌ كه‌ با زنا كردن‌ معروف‌ است‌ ازدواج‌ نشود مگر بعد از اينكه‌ توبه كرده‌ باشد. و احتياط‌ و بهتر اين‌ است‌ كه‌ رحم‌ زن‌ زناكار قبل‌ از ازدواج‌ از آب‌ حرام‌ بوسيله‌ آمدن‌ خون‌ حيض‌ خالي‌ و صاف‌ شود خواه‌ با مرد زناكار ازدواج‌ كند و خواه‌ با كسي‌ ديگر (!!!!)([[95]](#footnote-95)).**

**مساله‌ (989): اگر زن‌ زنا كند بر شوهرش‌ حرام‌ نمي‌شود گرچه‌ به‌ زنا كردن‌ اصرار بورزد اما بهتر اين‌ است‌ (بهتر است‌!!) در صورت‌ عدم‌ توبه،‌ شوهر آن‌ را طلاق بدهد(!!)([[96]](#footnote-96)).**

**نمي‌دانم‌ فقيه‌ در اين‌ فتوا چه‌ كسي‌ را مخاطب‌ خود قرار مي‌دهد؟ آيا جز فرد ديوثي‌ كسي‌ مي‌تواند مخاطب‌ او باشد؟ و آيا ديوث‌ از حلال‌ و حرام‌ مي‌پرسد مگر در جامعه‌اي‌ كه‌ منكر در آن‌ معروف‌ شده‌ و معروف‌ منكر شده ‌است، و مردم‌ ديگر چنين‌ زشتي‌‌هايي‌ را آسان‌ مي‌پندارند و با آن‌ زندگي‌ مي‌كنند؟ گويا چيزهاي‌ عادي‌ هستند؟ و اگر نه‌ اين‌ انسان‌ با چنين‌ فتواهايي‌ چكار مي‌كند در حالي‌ كه‌ او به‌ چيزي‌ راضي‌ است‌ كه‌ چهارپايان‌ به‌ ديدن‌ آن راضي‌ نيستند؟!**

**ارزش‌ جامعه‌اي‌ كه‌ همه‌ اين‌ زشتي‌ها بدون‌ اعتراضي‌ در آن‌ انجام‌ مي‌شود چيست‌؟ فتواها چه‌ فايده‌اي‌ دارند؟!**

**اين‌ فتواها جز امضاهايي‌ به‌ نشان‌ راضي‌ بودن،‌ يا چشم‌‌پوشي‌ كردن،‌ چيزي‌ بيش‌ نيستند، و فقها اين‌ زشتي‌ها را اجرا مي‌كنند!**

**پس‌ آيا نقش‌ آنها اين‌ است‌؟!!**

**چرا اين‌ ميكروب‌ها در مناطق‌ ديگر يافته‌ نمي‌شوند، و فقهاي‌ آن‌ به‌ سخن‌ گفتن‌ از اين‌ زشتي‌ها نياز ندارند، و نيازي به‌ صدور فتوايي‌ در مورد اين‌ چيزها ندارند؟ فقيه‌ در فتواي‌ خود سخن‌ را بر لب‌ مطلب‌ متمركز نمي‌كند، بلكه‌ به اموري‌ حاشيه‌اي‌ مي‌پردازد و آن‌ را محل‌ سخن‌ و محور فتواي‌ خود قرار مي‌دهد.**

**به‌ عنوان‌ مثال، فقيه‌ از بزرگي‌ جنايت‌ ديوثي‌ سخن‌ نمي‌گويد و كسي‌ كه‌ راضي‌ است‌ در خانه‌اش‌ عملي‌ زشت‌ و منافي‌ عفت‌ انجام‌ شود ديوث‌ است، و ديوث‌ وارد بهشت‌ نمي‌گردد، اين‌ جوهر و هستة‌ فقيه‌ است، اما فقيه‌ سخن گفتن‌ از اين‌ را به‌ طور كامل‌ به‌ فراموشي‌ مي‌سپارد تا به‌ سوي‌ كارهاي‌ حاشيه‌اي‌ بي‌ارزشي‌ برود.**

**اين‌ فتوا را بخوان‌:**

**مساله‌ (991): هرگاه‌ فرد بالغي‌ با بچه‌اي‌ لواطت‌ كرد و فرو برد، بر جماع‌ كننده‌ مادر جماع‌ شده‌ و خواهرش‌ و دخترش‌ (خويشاوندان‌ درجه‌ يك‌ فقط‌!) حرام‌ مي‌شوند، و اگر در داخل‌ شدن‌ آله‌ شكي‌ بود يا گمان‌ داخل‌ شدن آن‌ مي‌رفت‌ بر او حرام‌ نمي‌شوند، همچنان‌ كه‌ اگر جماع‌ كننده‌ نابالغ‌ بود و فرد جماع‌ شده‌ بالغ‌ بود حرام نمي‌شوند(!!!!!!)([[97]](#footnote-97)).**

**و ديگري‌ مي‌گويد: و اين‌ سه‌ تاي‌ مذكور اگر در دخول‌ شك‌ بود حرام‌ نمي‌شوند بلكه‌ اگر گمان‌ داخل‌ شدن مي‌رفت‌ نيز حرام‌ نمي‌گردند([[98]](#footnote-98)).**

**مساله‌ (992): هرگاه‌ با زني‌ ازدواج‌ كرد سپس‌ با پدرش‌ يا برادرش‌ يا پسرش‌ لواطت‌ كرد زن‌ بر او حرام‌ نمي‌شود([[99]](#footnote-99)).**

**جامعه‌اي‌ كه‌ به‌ چنين‌ فتواهايي‌ نياز دارد جامعه‌اي‌ منحط‌ و از بين‌ رفته‌ مي‌باشد، و علماء و فقهايي‌ كه‌ وجودشان ‌در جامعه‌اي‌شان‌ مانع‌ سقوط‌ در ورطه‌ هلاكت‌ نشده‌ است‌ بايد بار و بنه‌ خود را جمع‌ كرده‌ و جامعه‌ را ترك‌ بگويند، بعد از اينكه‌ از محقق‌ كردن‌ آنچه‌ از امثال‌ آنها مطلوب‌ است‌ شكست‌ خورده‌اند، به‌ خصوص‌ كه‌ آنها با اموال‌ فرزندان‌ جامعه‌ خود و تلاش‌ و عرق آنها زندگي‌ مي‌كنند!!**

**آيا وظيفه‌ فقيه‌ اين‌ است‌ كه‌ با شاذ و نادري‌ بنگرد يا اينكه‌ به‌ وضعيت‌ كنوني‌ نگاه‌ كند و سپس‌ فتوا وضع ‌نمايد و يا ـ بهتر بگوييم‌ ـ به‌ نتيجه‌گيري‌هاي‌ شرعي‌ بپردازند؟**

**و يا اينكه‌ وظيفه‌ فقيه‌ اين‌ است‌ كه بين‌ جامعه‌ و گرفتار شدن‌ به‌ منجلاب‌ زشتي‌ها مانع‌ شود، يا حداقل‌ براي‌ راه‌ حل موفقيت‌آميز جستجو نمايد، اگر حالت‌ از دست‌ او در رفته‌ است‌ يا حالت‌هايي‌ هست‌ كه‌ راههاي‌ پيشگيري‌ مفيد واقع‌ نمي‌شود؟ اما اينكه‌ انحراف‌ به‌ واقعيتي‌ تبديل‌ شود كه‌ گريزي‌ از آن‌ نيست،‌ و به‌ صورت‌ يك‌ وضعيت‌ قرار يافته‌ شود بدون‌ اينكه‌ بر آن‌ اعتراضي‌ بشود و با فتواها رشد كند و فعال‌ شود و مفتي‌‌هايي‌ كه‌ به‌ منكر با آرامي و خونسردي‌ نگاه‌ مي‌كنند گويا كه‌ برايشان‌ مهم‌ نيست، و جامعه‌ جامعه‌ آنها نيست، اين‌ چيزي‌ است‌ كه‌ مانندي‌ بر آن‌ جز در تورات‌ يهوديها كه‌ آن‌ را كتاب‌ مقدس‌! مي‌دانند نديده‌ام، آنها منكر را مقدس‌ مي‌دانند!!**

**اگر به‌ مردي‌ گفته‌ شود كه‌ دخترت‌ بر اثر زنا حامله‌ است، و مي‌خواهد جنين‌ خود را بياندازد و سقط‌ كند؟ او بگويد: اين‌ حق‌ را دارد يا بگويد: نه‌ جايز نيست، سپس‌ پتو را روي‌ خود بياندازد و به‌ خواب‌ راحت‌ و عميقي‌ فرو برود!! من‌ در پدر بودن‌ او شك‌ مي‌كنم‌ يا به‌ ديوث‌ بودنش‌ يقين‌ مي‌نمايم‌ و شيرين‌ترين‌ هر يك‌ از اين‌ دو مورد از تلخ‌ تلخ‌تر است‌! و بر اين‌ قياس‌ كن‌.**

**اينطور اين‌ فقها با جامعه‌يشان‌ و با جنايت‌ها و منكراتي‌ كه‌ در آن‌ انجام‌ مي‌شود رفتار مي‌نمايند!!**

**شايد با اين‌ سخنان‌ قلب‌ شما گويا با كارد تكه‌ تكه‌ مي‌شود! مگر به‌ تو نگفتم‌ كه‌ حقيقت‌ تلخ‌ است‌؟ اما...**

**كاردهايي‌ در دنيا از كاردهاي‌ آخرت‌ راحت‌تراند!**

**و در آخر اين‌ مصيبت‌ را بخوان، و امثال‌ آن‌ زياداند:**

**و از جمله‌ چيزهايي‌ كه‌ به‌ سبب‌ آن‌ انسان‌ جنب‌ مي‌شود جماع‌ است‌: و جنابت‌ با داخل‌ شدن‌ سر آله‌ در راه‌ جلو يا راه‌ عقب‌ زن‌ محقق‌ مي‌شود، اما اگر در جايي‌ ديگر داخل‌ شود احتياط‌ اين‌ است‌ كه‌ وط‌ كننده‌ و وط‌ شده‌ هردو هم‌ وضو بگيرند و هم‌ غسل‌ كنند، اگر وضو نداشتند، و اگر وضو داشتند فقط‌ به‌ غسل‌ اكتفا شود([[100]](#footnote-100)).**

**پرهيزگاري‌ چنين‌ است‌ و اگر نه‌، نه‌!**

**يعني‌ فردي‌ كه‌ لواطت‌ انجام‌ مي‌دهد و فردي‌ كه‌ با او لواطت‌ مي‌شود اگر قبل‌ از لواطت‌ وضو داشته‌ باشند غسل ‌كردن‌ بر آنها واجب‌ است، نه‌ وضو، و اين‌ از روي‌ احتياط‌ است‌. آيا مسئله‌ را تصور كردي‌؟! لوطي‌ وضو دارد گويا كه‌ براي‌ خواندن‌ نماز آمادگي‌ گرفته‌ است، نه‌ براي‌ كاري‌ كه‌ از زشت‌ترين‌ و بدترين‌ منكرات‌ است‌! اينگونه‌ اين ‌(فقهاء) كه‌ امين‌ دين‌ جامعه‌ هستند زشتي‌ و منكر را ترويج‌ مي‌نمايند!**

**اجراي‌ عملي‌ اين‌ فتوا را جز به‌ يكي‌ از صورتهاي‌ زير نمي‌توان‌ ممكن‌ دانست‌، يا فاعل‌ و مفعول‌ براي‌ خواندن نماز آمادگي‌ كرده‌اند و به‌ فكر افتاده‌اند كه‌ در جايي‌ شايد هم‌ در اتاقي‌ كه‌ كنار حرم‌ است‌ يكديگر را سوار شوند، و از آن‌ جا كه‌ غسل‌ كردن‌ بر آن‌ها از روي‌ احتياط‌ واجب‌ است، و چون‌ آنها قبل‌ از لواطت‌ وضو داشته‌اند. بنابراين، به وضو و غسل‌ نيازي‌ ندارند و مي‌توانند با تمام‌ فروتني‌ و خشوع‌ نماز را ادا نمايند!**

**و يا اينكه‌ كار لواطت‌ را بعد از نماز انجام‌ داده‌اند، و يا قبل‌ از اينكه‌ اين‌ كار را با يكديگر انجام‌ دهند وضو گرفته‌اند، و در اين‌ صورت‌ مستحب‌ اين‌ است‌ كه‌ وضو بگيرند، اين‌ در كتاب (منهاج الصالحين = شيوة‌ صالحان‌) است، اما در شيوه‌ و برنامه‌ فاسدان نمي‌دانم‌ كه‌ قضيه‌ چطور است‌؟**

**آيا به‌ تو حالت‌ تهوع‌ دست‌ داده‌ است‌؟ اگر خواستي‌ استفراغ‌ كني‌ از اين‌ نسخه‌ استفاده‌ كن‌:**

**پيامبر خدا ص علي‌ بن‌ ابي‌ طالب ؛ را سفارش‌ نمود و گفت‌: «اي‌ علي، وقتي‌ عروس‌ وارد اتاق تو شد، وقتي مي‌نشيند كفشهايش‌ را در بياور و پاهايش‌ را بشوي‌ (اميرالمومنين‌ كفشهاي‌ عروس‌ را بيرون‌ مي‌آورد و پاهايش‌ را مي‌شويد!!!). اي‌ علي، با زنت‌ در ابتداي‌ ماه‌ و وسط‌ ماه‌ و آخر ماه‌ آميزش‌ نكن، زيرا ديوانگي‌ و جذام‌ به‌ سراغ‌ او و فرزندش‌خواهد رفت‌. اي‌ علي، بعد از ظهر با همسرت‌ آميزش‌ نكن، زيرا در اين‌ وقت‌ اگر همسرت‌ بچه‌دار شود فرزندش‌ چپ چشم‌ خواهد شد...**

**اي‌ علي، هنگامي‌ نزديكي‌ با زن‌ حرف‌ نزن، زيرا اگر صاحب‌ فرزندي‌ بشويد از لال‌ شدن‌ در امان‌ نخواهد بود. و هيچكس‌ از شما به‌ شرمگاه‌ زنش‌ نگاه‌ نكند و به‌ هنگام‌ آميزش‌ بايد نگاهش‌ را پايين‌ بياندازد زيرا نگاه‌ كردن‌ به شرمگاه‌ بچه‌ را كور مي‌نمايد. اي‌ علي، با زنت‌ با خيال‌ شهوت‌ و عشق‌ زني‌ ديگر آميزش‌ مكن‌، زيرا مي‌ترسم‌ اگر صاحب‌ فرزندي‌ بشويد فرزندتان‌ مخنث‌ يا دختر ديوانه‌اي‌ باشد... اي‌ علي، با همسر خود آميزش‌ مكن‌ مگر اينكه‌ تكه‌ پارچه‌اي‌ با تو باشد و تكه‌ پارچه‌ با زنت‌ همراه‌ باشد، و با يك‌ تكه‌ پارچه‌ خودتان‌ را پاك‌ نكنيد، زيرا شهوت‌ روي‌ شهوت‌ قرار مي‌گيرد، و باعث‌ به‌ وجود آمدن‌ دشمني‌ ميان‌ شما مي‌گردد، و منجر به‌ طلاق و جدايي‌ مي‌شود.**

**اي‌ علي، در حالت‌ ايستاده‌ با زن‌ خود آميزش‌ نكن، زيرا اين‌ كار خرهاست، و اگر صاحب‌ فرزندي‌ بشويد همواره‌ بر رختخواب‌ ادرار خواهد كرد مانند خر كه‌ در هر جا ادرار مي‌كند.**

**اي‌ علي، در شب‌ عيد قربان‌ با زن‌ خود نزديكي‌ نكن، زيرا اگر صاحب‌ فرزندي‌ بشويد يا شش‌ انگشت‌ خواهد داشت‌ يا چهار انگشت‌ خواهد داشت‌.**

**اي‌ علي، زير درخت‌ ميوه‌ داري‌ با زن‌ خود نزديكي‌ نكن، زيرا اگر صاحب‌ فرزندي‌ بشويد فرزندتان‌ جلاد و آدمكش‌ يا طالع‌‌بين‌ خواهد شد.**

**اي‌ علي، در آفتاب‌ و جايي‌ كه‌ خورشيد مي‌تابد با زن‌ خود آميزش‌ مكن، مگر اينكه‌ با پارچه‌اي‌ خود را بپوشاني‌.**

**اي‌ علي، در ميان‌ اذان‌ و اقامت‌ با زن‌ خود نزديكي‌ مكن‌... اي‌ علي، با زن‌ خود وقتي‌ كه‌ حامله‌ است‌ آميزش‌ مكن، ‌مگر اينكه‌ وضو داشته‌ باشي‌.**

**اي‌ علي، در نيمه‌ شعبان‌ با زن‌ خود نزديكي‌ نكن،‌ زيرا اگر صاحب‌ فرزندي‌ شويد بدشگون‌ خواهد بود.**

**اي‌ علي‌، بالاي‌ سقف‌ خانه‌ها با زن‌ خود نزديكي‌ نكن‌... اي‌ علي، چون‌ به‌ سفري‌ كه‌ به‌ اندازة سه‌ شب‌ و روز بود رفتي‌ با زن‌ خود نزديكي‌ نكن‌...**

**اي‌ علي، دوشنبه‌ شب‌ با همسر خود نزديكي‌ كن‌، زيرا اگر صاحب‌ فرزند شويد فرزندتان‌ حافظ‌ كتاب‌ خدا خواهد شد... اي‌ علي، اگر در شب‌ سه‌شنبه‌ با زن‌ خود نزديكي‌ نمودي‌ و صاحب فرزندي‌ شديد شهادت‌ نصيب‌ او خواهد شد. اي‌ علي، اگر در شب‌ پنجشنبه‌ با زن‌ خود آميزش‌ كردي‌ و حامله شد فرزندتان‌ حاكمي‌ از حكام‌ يا عالمي‌ از علما خواهد بود، و اگر روز پنجشنبه‌ به‌ هنگام‌ زوال‌ خورشيد از وسط ‌آسمان‌ آميزش‌ كردي‌ و داراي‌ فرزندي‌ شديد شيطان‌ به‌ نزديك‌ بچه‌ي‌تان‌ نخواهد رفت‌ تا اينكه‌ جوان‌ مي‌شود.**

**اي‌ علي، اگر در شب‌ جمعه‌ با زن‌ خود آميزش‌ كردي‌ و همسرت‌ حامله‌ شد فرزندتان‌ سخنران‌ خواهد بود، و اگر بعد از عصر با زن‌ خود جماع‌ كردي‌ و داراي‌ فرزندي‌ شديد فرزندتان‌ معروف‌ و مشهور و عالم‌ خواهد شد، و اگر در شب‌ جمعه‌ بعد از عشاء با زن‌ خود آميزش‌ كردي‌ اميد مي‌رود كه‌ فرزندتان‌ از ابدال‌ شود...**

**اي‌ علي، در نخستين‌ لحظه‌هاي‌ شب‌ با زن‌ خود آميزش‌ نكن، زيرا اگر صاحب‌ فرزندي‌ شويد بيم‌ آن‌ مي‌رود كه جادوگر باشد... اي‌ علي، اين‌ وصيت‌ مرا به‌ خاطر بسپار آن‌ طور كه‌ من‌ آن‌ را از جبريل‌ به‌ خاطر سپردم‌»([[101]](#footnote-101)).**

**قمي‌ فراموش‌ كرده‌ است‌ كه‌ به‌ ما ياد دهد كه‌ با كدام‌ آميزش‌ معصوم‌ به‌ دنيا مي‌آيد.**

**امام‌ عصر حاضر (با اينكه‌ او نماز عصر را نمي‌خواند) اين‌ وصيت‌ را اجرا نموده‌ و فتوايي‌ داده‌ است‌ كه‌ همه‌ اين امور را به‌ طور كامل‌ در بر گرفته‌ است‌. و از آن‌ جمله‌ اين‌ است‌: آميزش‌ و نزديكي‌ كردن‌ با زن‌ در حالت‌ ايستاده‌ و زير تابش‌ خورشيد و زير درخت‌ ميوه‌دار مكروه‌ است، و نيز مكروه‌ است‌ كه‌ تكه‌ پارچه‌ زن‌ و مرد يكي‌ باشد. بلكه‌ مرد بايد يك‌ تكه‌ پارچه‌اي‌ داشته‌ باشد و زن‌ يكي‌ ديگر داشته‌ باشد، و با يك‌ تكه‌ پارچه‌ خود را پاك‌ نكنند، زيرا شهوت‌ بر شهوت‌ مي‌افتد، و در حديث‌ آمده‌ است‌ (اين‌ كا در ميان‌ آنها دشمني‌ ايجاد مي‌نمايد)([[102]](#footnote-102)).**

**اما او ـ به‌ خاطر شدت‌ پرهيزگاري‌ و پاكدامني‌اش‌ استغفرالله ـ سخن‌ گفتن‌ به‌ هنگام‌ آميزش‌ جز ذكر نام‌ خدا را مكروه‌ دانسته‌ است([[103]](#footnote-103))‌.**

خداوند همه‌ گناهان‌ را مي‌آمرزد

**با وجود اين‌ همه، گناهها بخشوده‌ شده‌ هستند! هرچند بزرگ‌ باشند، و هر چند زياد باشند بخشيده‌ شده‌اند! و گناهان‌ صغيره‌ و كبيره‌ فرقي‌ ندارند. آيا مگر ائمه‌ را دوست‌ نداري‌ و به‌ آنها عقيده‌ نداري‌؟ و آيا اين‌ براي‌ نجات‌ از عذاب‌ خدا كافي‌ است‌؟ بله، امامان‌ براي‌ هر دوستداري‌ كه‌ آنها را دوست‌ دارد شفاعت‌ مي‌كنند، هر كس‌ كه‌ باشد و هر چند گناه‌ كه‌ انجام‌ داده‌ باشد، هرگز او را نمي‌گذارند كه‌ وارد جهنم‌ شود. چگونه‌ مي‌گذارند كه‌ او به‌ جهنم‌ برود حال‌ آنكه‌ او به‌ ولايت‌ آنها عقيده‌ دارد و آنها را دوست‌ مي‌دارد، و به‌ محبت‌ و ياري‌ كردن‌ آنها باور دارد!**

**آيا مگر امام علي‌ تقسيم‌ كنندة‌ بهشت‌ و جهنم‌ نيست‌؟!! آيا مگر اينطور نيست‌ كه‌ هر كس‌ كه‌ به‌ بهشت‌ مي‌رود بايد بليطي‌ از علي‌ گرفته‌ باشد؟! و علي ؛ هيچ‌ يك‌ از شيعيان‌ خود را نمي‌گذارد مگر اينكه‌ به‌ او بليط‌ نجات‌ را خواهد داد، هر عملي‌ هم‌ كه‌ داشته‌ باشد!! و اينطور دين‌ به‌ انديشه‌اي‌ خالي‌ و بدون‌ عمل‌ و پايبندي‌ تبديل‌ گرديده‌ است‌.**

**اين‌ روايت‌ها را بخوان، روايت‌هايي‌ كه‌ از معتبرترين‌ منابع‌ هستند سپس‌ به‌ وضعيت‌ موجود و آنچه‌ در آن‌ مي‌گذرد بيانديش‌ كه‌ واقعيت‌ موجود چگونه‌ با اين‌ روايت‌ها مطابقت‌ مي‌نمايد و بر روش‌ و شيوة آن ‌حركت‌ مي‌كند!**

**- خداوند به‌ پيامبر ص تعهد داده‌ است‌ كه‌ هيچ‌ گناه‌ صغير و كبيره‌اي‌ براي‌ شيعيان‌ علي‌ نگذارد، و بديهاي‌ آنان‌ به نيكي‌ تبديل‌ مي‌گردد([[104]](#footnote-104)).**

**- خداوند از عذاب‌ دادن‌ امتي‌ كه‌ ولايت‌ امام‌ عادلي‌ را پذيرفته‌ شرم‌ مي‌نمايد، گرچه‌ آن‌ امت‌ ستمگر و بد باشد([[105]](#footnote-105)).**

**- بدي‌ شيعه‌ از نيكي‌ ديگران‌ بهتر است([[106]](#footnote-106)).**

**- و از ابوعبدالله ؛ روايت‌ است‌: هيچ‌ مومني‌ نيست‌ كه‌ در شب‌ و روز خود مرتكب‌ چهل‌ گناه‌ كبيره‌ شود، و ايستاده ‌بگويد: «أستغفر الله الذي لا إله إلا هو الحي القيوم، بديع السموات والأرض ذو الجلال والإكرام، وأسأله أن يصلي على محمد وأن يتوب علي» مگر اينكه‌ خداوند او را مي‌آمرزد و كسي‌ كه‌ در روزي‌ بيش‌ از چهل‌ گناه‌ كبيره مرتكب‌ شود در او چيزي‌ نيست‌([[107]](#footnote-107)).**

**فكر كن‌! مومن‌ است‌ و در شب‌ و روز مرتكب‌ چهل‌ بدي‌ مي‌شود نه‌ از گناهان‌ صغيره‌ بلكه‌ از گناهان‌ كبيره‌ مانند زنا، لواطت‌ يا نوشيدن‌ شراب‌، دزدي‌ و... پس‌ وقتي‌ چنين‌ كسي‌ مومن‌ است‌ كافران‌ چگونه‌ خواهند بود؟!!**

**(و در روايت‌ها آمده كه‌ زني‌ زناكار از همسايگان‌ گناهكاران‌ و از همسايگان‌ عزاداران‌ حسين‌ رفت‌ كه‌ آتشي‌ از مجالس‌ عزا بياورد وقتي‌ آن‌ جا رفت‌ ديد كه‌ آتش‌ خاموش‌ شده‌، آتش‌ را روشن‌ كرد و بر اثر دود آتش‌ اشك چشمهايش‌ سرازير شد و خداوند او را بخشيد)([[108]](#footnote-108)).**

**دوستي‌ به‌ ما گفت‌ كه‌: در عاشورا در يكي‌ از مجلس‌هاي‌ عزا حاضر شدم‌ از (مداح‌) شنيدم‌ كه‌ مي‌گفت‌: زن ‌زناكاري‌ از خانه‌اش‌ بيرون‌ آمد تا آتش‌ بياورد از كنار ديگ‌ حلوايي‌ كه‌ آتش‌ آن‌ خاموش‌ شده‌ بود گذشت، او زير ديگ‌ دميد تا اينكه‌ آتش‌ را روشن‌ كرد، و سپس‌ از آن‌ شعلة‌ آتشي‌ براي‌ خود گرفت‌ و رفت، در خواب‌ ديد كه ‌كسي‌ به‌ او مي‌گفت‌: خداوند همه‌ گناهاني‌ را كه‌ مرتكب‌ شده‌اي‌ بخشيد، چون‌ تو آتش‌ زير ديگ‌ حلوا را روشن نمودي‌! گفت:‌ اين‌ پاداش‌ كسي‌ است‌ كه‌ قصد روشن‌ كردن‌ آتش‌ را نداشته‌ باشد، پس‌ پاداش‌ كسي‌ كه‌ قصد او پختن‌ حلواي‌ ابوعبدالله باشد، چه‌ خواهد بود!!**

**صدا از هر طرف‌ بلند شد و فرياد مي‌زدند: (اللهم‌ صلي‌ علي‌ محمد وآل‌ محمد).**

**دوستم‌ مي‌گفت‌: من‌ به‌ سخنران‌ و مداح‌ گفتم‌: شايد تو نمي‌داني‌ ـ يا مي‌داني‌ ـ كه‌ هشتاد درصد يا بيشتر حاضران در مجلس‌ گرفتار گناهاني‌ چون‌ زنا و شراب‌ و غيره‌ هستند، آيا اين‌ سخن‌ تو دعوتي‌ براي‌ ادامه‌ دادن‌ راه‌ زشتي نيست وقتي‌ كه‌ همه‌ چيز با يك‌ هيزم‌ كه‌ زير ديگ‌ حلوا گذارده‌ مي‌شود بخشيده‌ مي‌شوند، پس‌ توبه‌ چه‌ معني‌دارد؟! و اين‌ هشدار و وعيد سخت‌ در قرآن‌ و حديث‌ كه‌ براي‌ زنا و قتل‌ و شراب‌ و غيبت‌ و دروغ‌ آمده‌ براي‌ چه‌ كسي ‌است‌؟!**

**مي‌گفت‌: ناگهان‌ ـ براي‌ اولين‌ بار ـ از اينكه‌ كسي‌ تخت‌ كبريا و بزرگي‌ او را تكان‌ مي‌دهد وحشت‌ زده‌ شد، و اين چيز بود كه‌ او خودش‌ را براي‌ چنين‌ اعتراضي‌ آماده‌ نكرده‌ بود چون‌ او انتظارش‌ را نداشت، پس‌ ساكت‌ شد، گويا سنگي‌ به‌ دهانش‌ گذاشته‌ شد.**

**من‌ مي‌گويم‌: اگر در هر مجلسي‌ يك‌ نفر مانند اين‌ مرد مي‌بود كه‌ فكرش‌ آزاد و شخصيت‌ او قوي‌ بود و بر بندهاي تقليد كوركورانه‌ بند نمي‌بود حمله‌ مي‌برد امثال‌ چنين‌ سخنران‌هايي‌ جرات‌ نمي‌كردند مردم‌ را فاسد كنند و مالهايشان‌ را به نام‌ اهل‌ بيت‌ از دستشان‌ بگيرند، و مردم‌ به‌ تدريج‌ مي‌دانستند كه‌ اينها در راهي‌ هستند و اهل‌ بيت‌ در راهي‌ ديگر.**

**واقعيت‌ و وضعيت‌ موجود گواهي‌ مي‌دهد كه‌ درخت‌ روايت‌هاي‌ دروغين‌ از دير زمان‌ به‌ بار نشسته‌ و ميوه‌ داده ‌است‌.**

**مرا تصديق‌ كنيد كه‌ اين‌ واقعه‌ نفرت‌‌انگيزي‌ كه‌ هم‌ اينك‌ حكايت‌ خواهم‌ كرد با يكي‌ از خويشاوندانم‌ پيش‌ آمده ‌است‌:**

**من‌ آن‌ را حكايت‌ مي‌كنم‌ تا شايد عزت‌ را در دلهاي‌ شرافتمندان‌ تحريك‌ كنم‌، و نظر غيرتمندان‌ را به‌ چاله‌ عميقي كه‌ بسياري‌ از كساني‌ كه‌ فريب‌ آنچه‌ را كه‌ گفته‌ مي‌شود و به‌ اهل‌ بيت‌ نسبت‌ داده‌ مي‌شود خورده‌اند، و در اين‌ سياهچال‌ افتاده‌اند جلب‌ مي‌كنم‌.**

**با توجه‌ به‌ اينكه‌ اين‌ واقعه‌ جز قطره‌اي‌ از فاضلاب‌ متعفني‌ كه‌ بسياري‌ آن‌ را مي‌دانند اما جرات‌ سخن‌ گفتن ‌از آن‌ را به‌ خاطر دلائلي‌ ندارند، بيش‌ نيست‌.**

**اين‌ خويشاوندم‌ به‌ من‌ گفت‌ كه‌ او به‌ ديدار يكي‌ از دوستان‌ سرباز معلم‌ خود رفته‌ بود و از آن‌ جا كه‌ بايد مهمان‌ را گرامي‌ داشت، اين‌ معلم‌ به‌ مهمان‌ خود پيشنهاد مي‌كرد كه‌ موهاي‌ تنش‌ برخاست‌! به‌ او گفت:‌ دانش‌ آموزي‌ دارم ‌كه‌ مورد پسند تو خواهد بود بسيار زيباست‌!!**

**چه‌ مي‌گوي‌؟؟!!**

**اگر از گناه‌ مي‌ترسي‌ اين‌ حمام‌ آماده‌ است‌ غسل‌ مي‌كنيم، سپس‌ به‌ همين‌ نزديكي‌ به‌ بارگاه‌ (امام‌) مي‌رويم‌ و زيارتش‌ مي‌كنيم، و همه‌ چيز تمام‌ مي‌شود!!**

**محيط‌ آماده‌ شد و اخلاق فاسد گرديد، و اينگونه‌ محيط‌ كاملاً براي‌ انجام‌ يافتن‌ هر گناه‌ و زشتي‌ آماده‌ شده‌ است، و در نتيجه‌ اخلاق از بين‌ رفته‌ و مردم‌ فاسد شده‌اند.**

**اين‌ حقيقتي‌ دردناك‌ و تلخ‌ است، وقت‌ آن‌ رسيده‌ تا ما به‌ تلخي‌ آن اعتراف كنيم، و ما از دير زمان تلخي و هندوانه‌ ابوجهل‌ كه‌ در پوشش‌ قرار داده‌ شده‌ را به‌ نام‌ حلوا و عسل‌ مي‌خوريم‌.**

**اولين‌ گام‌ در راه‌ معالجه‌ اين‌ است‌ كه‌ مريض‌ اعتراف‌ كند كه‌ او مريض‌ است، و به‌ خود جرات‌ بدهد كه‌ نخست‌ بايد خودش‌ اعتراف‌ نمايد و سپس‌ پيش‌ پزشك‌ به‌ مريضي‌ خود اعتراف‌ كند و سرسختي‌ نشان‌ دادن‌ و رو بر تافتن‌ به مريض‌ جز اينكه‌ بيماري‌ و عذابش‌ را بيشتر كند چيزي‌ نمي‌افزايد.**

خاتمه‌ و قاعده‌

**دين‌ اسلام‌ ديني‌ است‌ كه‌ جايگاه‌ انسان‌ را بالا مي‌برد، و انسان‌ را از آلودگي‌ها و زشتي‌ها دور مي‌دارد، و از دايرة تنگ‌ خودبيني‌ انسان‌ را دور نموده‌ و به‌ ميدان‌ وسيع‌ همكاري‌ و ايثار سوق مي‌دهد.**

**اما ديني‌ دگرگوني‌ شده‌ و غيرواقعي‌ برعكس‌، انسان‌ را به‌ چالة پستي‌ و ذلت‌ مي‌اندازد.**

**بنابراين، هرگز نمي‌توان‌ فكر كرد كه‌ اين‌ دين‌ از جانب‌ خدا نازل‌ شده‌ است، يا برنامه‌اي‌ واقعي‌ است‌ كه‌ اهل‌ بيت به‌ شيوة‌ آن‌ زندگي‌ كرده‌اند.**

**دين‌ تحريف‌ شده‌ ديني‌ است‌ بر اساس‌ پيروي‌ از متشابهات‌ طبق‌ اين‌ قاعده‌!**

**هر دليل‌ يا آيه‌ يا روايتي‌ كه‌ بيش‌ از يك‌ وجه‌ احتمال‌ داشته‌ باشد، و احتمال‌ چند مفهوم‌ و تفسير را داشته‌ باشد اگر به‌ مال‌ و امور جنسي‌ مربوط‌ باشد جهتي‌ گرفته‌ مي‌شود كه‌ به‌ سوي‌ توسعه‌ و تسامح‌ باشد.**

**و اگر به‌ عبادت‌ مربوط‌ باشد هميشه‌ بر محلي‌ حمل‌ مي‌شود كه‌ با حذف‌ و كم‌ كردن‌ تناسب‌ دارد گرچه‌ احتمال آن‌ بعيد باشد، يا اصلاً به‌ ذهن‌ نرسد.**

و بعد...

**اينها سخن‌ نصيحت‌ كننده‌اي‌ مهربان‌ و احساس‌ دردمندي‌ دلسوز است‌ كه‌ آن‌ را ابراز مي‌نمايد و به‌ مشيت‌ الهي كاملاً اعتماد دارم‌ كه‌ اين‌ سخنان‌ گوشهاي‌ شنوايي‌ و قلب‌‌هايي‌ زنده‌ و آگاه‌ خواهد يافت‌.**

**و اينها از نسل‌ جديد خواهند بود كه‌ دارد بيدار مي‌شود، و چشمهايش‌ باز مي‌شود، و با دست‌ خودش‌ نشانه‌هاي ‌راه‌ را احساس‌ مي‌كند، نشانه‌هاي‌ نجات‌ ـ گرچه‌ از دور ـ بر ساحل‌ آرزوي‌ نيك‌ به‌ چشم‌ مي‌خورد.**

پایان

1. **()- أصول الكافي 1/ 69.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **()- شرح نهج البلاغة – ابن أبي الحديد 11/ 246.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **()- شرح نهج البلاغة – ابن أبي الحديد 2/ 318.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **()- شرح نهج البلاغة – ابن أبي الحديد 7/ 317.** [↑](#footnote-ref-4)
5. **()- شرح نهج البلاغة – ابن أبي الحديد 11/ 245.** [↑](#footnote-ref-5)
6. **()- شرح نهج البلاغة – ابن أبي الحديد 18/ 193.** [↑](#footnote-ref-6)
7. **()- شرح نهج البلاغة – ابن أبي الحديد 18/ 48.** [↑](#footnote-ref-7)
8. **()- شرح نهج البلاغة – ابن أبي الحديد 7/ 194.** [↑](#footnote-ref-8)
9. **()- شرح نهج البلاغة – ابن أبي الحديد 7/ 121.** [↑](#footnote-ref-9)
10. **()- شرح نهج البلاغة – ابن أبي الحديد 19/ 331.** [↑](#footnote-ref-10)
11. **()- شرح نهج البلاغة – ابن أبي الحديد 18/ 252.** [↑](#footnote-ref-11)
12. **()- فروع الکافی – الکلینی 5/ 74.** [↑](#footnote-ref-12)
13. **()- فروع الکافی – الکلینی 5/ 75.** [↑](#footnote-ref-13)
14. **()- فروع الکافی – الکلینی 5/ 75.** [↑](#footnote-ref-14)
15. **()- فروع الکافی – الکلینی 4/580.** [↑](#footnote-ref-15)
16. **()- بحار الأنوار – المجلسي 101/ 107.** [↑](#footnote-ref-16)
17. **()- مسألة 9 از كتاب مسائل ديني و جوابهاى آن از مرجع دينى بزرگ سيد محمد صادق صدر (المسألة 9 من كراسة المسائل الدينية وأجوبتها للمرجع الديني الأعلى سيد محمد صادق صدر) 2/5.**  [↑](#footnote-ref-17)
18. **()- منهاج الصالحين – الخوئي 1/147.** [↑](#footnote-ref-18)
19. **()- مننبع سابق.** [↑](#footnote-ref-19)
20. **()- منبع سابق.** [↑](#footnote-ref-20)
21. **()- أصول الكافي – الكليني 1/69.** [↑](#footnote-ref-21)
22. **()- فروع الكافي – الكليني4/240.** [↑](#footnote-ref-22)
23. **()- يا شيعة العالم استيقظوا (اى شيعيان جهان بيدار شويد) - دكتر موسى‌ موسوى 55.** [↑](#footnote-ref-23)
24. **()- يا شيعة العالم استيقظوا (اى شيعيان جهان بيدار شويد) - دكتر موسى‌ موسوى 56. هامش.** [↑](#footnote-ref-24)
25. **()- فروع الكافي 7/ 438.** [↑](#footnote-ref-25)
26. **()- فروع الكافي 7/ 449.** [↑](#footnote-ref-26)
27. **()- فروع الكافي 7/451.** [↑](#footnote-ref-27)
28. **()- هكذا تكلم شريعتي – فاضل رسول 63- 65.** [↑](#footnote-ref-28)
29. **()- مرجع سابق، مقتطفات از صفحات 63، 64، 65.** [↑](#footnote-ref-29)
30. **()- فروع الكافي‌ 4/580 – 581 باب‌ فضل‌ زيارة‌ الحسين‌ ؛.** [↑](#footnote-ref-30)
31. **()- أصول الكافي 2/ 634، باب النوادر.** [↑](#footnote-ref-31)
32. **()- كتاب‌ سليم‌ بن‌ قيس‌ ص‌ 361 روايت‌ 42 مطبعه‌ الهادي‌ 1420هـ.** [↑](#footnote-ref-32)
33. **()- أصول الكافي 1/ 424، بحار الأنوار باب 20 عرض الأعمال عليهم.** [↑](#footnote-ref-33)
34. **()- أصول‌ الكافي‌ 1/295 ـ باب‌ الإشارة‌ والنص‌ على‌ أمير المؤمنين‌، و بحار الانوار آخر باب‌ تأويل‌ قوله‌ تعالى:‌ ﮋ ﭭ ﭮ ﭯ ﮊ. 23/256 و بحار الأنوار باب 44 حقيقة الرؤيا 61/186).** [↑](#footnote-ref-34)
35. **()- منهاج‌الصالحين‌ - الخوئي 1/263.** [↑](#footnote-ref-35)
36. **()- المسائل‌ المنتخبة‌ - الخوئي‌ مسأله‌ 498/168.** [↑](#footnote-ref-36)
37. **()- فروع‌ الكافي‌ 5/527.** [↑](#footnote-ref-37)
38. **()- حواله‌ گذشته.** [↑](#footnote-ref-38)
39. **()- حواله‌ گذشته.** [↑](#footnote-ref-39)
40. **()- أصول‌ الكافي‌1/392.** [↑](#footnote-ref-40)
41. **()- فروع‌ الكافي‌ 4/580.** [↑](#footnote-ref-41)
42. **()- نگاه، بطور مثال: النهاية في مجرد الفقه والفتاوى – الطوسي 200.**  [↑](#footnote-ref-42)
43. **()- الاستبصار- الطوسي‌ 9/145.** [↑](#footnote-ref-43)
44. **()- حواله‌ گذشته‌ 2/56.** [↑](#footnote-ref-44)
45. **()- نگاه: رسالة الخمس – سيد محمد صادق صدر و منهاج الصالحين – الخوئي در مطلب خمس.** [↑](#footnote-ref-45)
46. **()- النهاية – الطوسي 200- 201، والمقنعة – المفيد 64.** [↑](#footnote-ref-46)
47. **()- منهاج الصالحين – الخوئي 1/ 406.** [↑](#footnote-ref-47)
48. **()- مرجع گذشته.** [↑](#footnote-ref-48)
49. **()- اصول‌ الكافي ‌1/537.** [↑](#footnote-ref-49)
50. **()- حواله‌ گذشته‌ 1/538.** [↑](#footnote-ref-50)
51. **()- فروع‌ الكافي‌ 6/372.** [↑](#footnote-ref-51)
52. **()- منبع سابق.** [↑](#footnote-ref-52)
53. **()- منبع سابق.** [↑](#footnote-ref-53)
54. **()- منبع سابق‌ 6/320.** [↑](#footnote-ref-54)
55. **()- ن‌. ك‌ مثلاً فروع‌ الكافي‌ 5/540.** [↑](#footnote-ref-55)
56. **()- ن‌. ك‌ مثلاً فروع‌ الكافي‌ 5/542.** [↑](#footnote-ref-56)
57. **()- تحرير الوسيلة - الخميني‌ 2/241.** [↑](#footnote-ref-57)
58. **()- مسائل‌ وردود - محمد صادِ ق الصدر / چاپ‌ اول‌ 1416هـ - 1995م‌ ص‌ 55.** [↑](#footnote-ref-58)
59. **()- حواله‌ مذكور.** [↑](#footnote-ref-59)
60. **()- مسائل‌ و ردود - محمد صادق الصدر، چاپ‌ اوّل‌ 1416هـ، 1995م ص‌ 55.** [↑](#footnote-ref-60)
61. **()- مصدر سابق** [↑](#footnote-ref-61)
62. **()- مصدر سابق** [↑](#footnote-ref-62)
63. **()- مصدر سابق** [↑](#footnote-ref-63)
64. **()- مصدر سابق** [↑](#footnote-ref-64)
65. **()- فروع‌ الكافي‌ - كليني‌ 5/453 وسائل ‌الشيعة‌ - حر عاملي‌ 4/45.** [↑](#footnote-ref-65)
66. **()- تهذيب‌ الأحكام‌ - أبوجعفر طوسي‌ 7/251، الاستبصار 3/142، ووسائل‌ الشيعة‌ - حرعاملي‌ 4/441.** [↑](#footnote-ref-66)
67. **()- بحار الأنوار - المجلسي‌ 100/318.** [↑](#footnote-ref-67)
68. **()- فروع الكافي‌5/453.** [↑](#footnote-ref-68)
69. **()- روضة‌ الكافي‌ 8/292.** [↑](#footnote-ref-69)
70. **()- فروع‌ الكافي‌ 5/540.** [↑](#footnote-ref-70)
71. **()- المسائل‌ المنتخبة‌ - السيستاني‌ 35 ـ 36 ط‌. دارالمؤرخ‌ العربي‌ 1416هـ.** [↑](#footnote-ref-71)
72. **()- حوالة گذشته.** [↑](#footnote-ref-72)
73. **()- الاستبصار - الطوسي‌3/242 چاب طهران‌ 1390هـ . .** [↑](#footnote-ref-73)
74. **()- فروع‌ الكافي‌ 5/542.** [↑](#footnote-ref-74)
75. **()- حواله‌ گذشته‌ 6/501.** [↑](#footnote-ref-75)
76. **()- حوالة‌ گذشته.** [↑](#footnote-ref-76)
77. **()- المسائل‌ المنتخبة - السيستاني‌ 100، و نيز الخوئي‌.** [↑](#footnote-ref-77)
78. **()- فروع‌ الكافي‌ 6/503.** [↑](#footnote-ref-78)
79. **()- المسائل‌ المنتخبة – السيستاني (348) مساله‌ (1020).** [↑](#footnote-ref-79)
80. **()- حوالة گذشته مسأله (1030).** [↑](#footnote-ref-80)
81. **()- مسائل‌ وردود - سيد محمد صادق صدر / 77 مساله‌ 407.** [↑](#footnote-ref-81)
82. **()- فروع الکافی 5/ 560.** [↑](#footnote-ref-82)
83. **()- حوالة‌ گذشته‌ 5/470.** [↑](#footnote-ref-83)
84. **()- حوالة‌ گذشته‌ 5/470.** [↑](#footnote-ref-84)
85. **()- زهر الربيع‌ - نعمة‌ الله الجزائري‌ ص‌ 14 و مي‌گويد: بهمين‌ خاطر عمر متعه‌ را ممنوع‌ كرد.** [↑](#footnote-ref-85)
86. **()- فروع‌ الكافي‌ 235.** [↑](#footnote-ref-86)
87. **()- فروع‌ الكافي‌5/225.** [↑](#footnote-ref-87)
88. **()- اصول‌ الكافي‌ 2/404.** [↑](#footnote-ref-88)
89. **()- منهاج‌ الصالحين‌ - الخوئي‌ 1/47 ـ 48. عجب منهاجي و خدا رحم كند چنين صالحيني**  [↑](#footnote-ref-89)
90. **()- المسائل‌ المنتخبة‌ - الخوئي‌ 14- 15. چاب نجف، 1399هـ - 1979م.** [↑](#footnote-ref-90)
91. **()- المسائل‌ المنتخبة‌ - السيستاني‌ 339.** [↑](#footnote-ref-91)
92. **()- حوالة گذشته.** [↑](#footnote-ref-92)
93. **()- المسائل‌ المنتخبة‌ - السيستاني‌ 339.** [↑](#footnote-ref-93)
94. **()- المسائل‌ المنتخبة‌ للخوئي‌ 300.** [↑](#footnote-ref-94)
95. **()- المسائل‌ المنتخبة‌ - السيستاني‌ 339.** [↑](#footnote-ref-95)
96. **()- حوالة گذشته 340.** [↑](#footnote-ref-96)
97. **()- المسائل‌ المنتخبة‌ - الخوئي‌ ص‌ 300.** [↑](#footnote-ref-97)
98. **()- المسائل‌ المنتخبة – السيستاني 340 مسأله 991.** [↑](#footnote-ref-98)
99. **()- المسائل‌ المنتخبة‌ - الخوئي‌ ص‌ 300. اما سيستاني از روى احتياط آن را تحريم مىكند.** [↑](#footnote-ref-99)
100. **()- منهاج‌الصالحين‌ - الخوئي‌ 1/47 مساله‌ 172.** [↑](#footnote-ref-100)
101. **()- فقيه‌ من لا يحضره‌ الفقيه‌ 3/358 ـ 361 چاب طهران‌ 1390 هـ .** [↑](#footnote-ref-101)
102. **()- تحريرالوسيلة - الخميني‌ 2/239 ـ 240 مساله‌ 8.** [↑](#footnote-ref-102)
103. **()- حوالة گذشته.** [↑](#footnote-ref-103)
104. **()- اصول‌ الكافي‌ 1/444.** [↑](#footnote-ref-104)
105. **()- اصول‌ الكافي‌ 1/376.** [↑](#footnote-ref-105)
106. **()- حواله‌ مذكور 2/464.** [↑](#footnote-ref-106)
107. **()- حوالة گذشته 2 / 438- 439.** [↑](#footnote-ref-107)
108. **()- أنوار الولاية‌ از آيت‌ الله ملا زين‌ العابدين‌ گلپايگانى‌ ص‌ 338.** [↑](#footnote-ref-108)